

## تسماتہ فالج

میراج



# موج فتنه

---

از جمال تا جنگ نرم

# موج فتنه

## از جمل تا جنگ نرم

احمدحسین شریفی

ناشر: انتشارات کانون اندیشه جوان

طراح جلد: سعید ملک

چاپ سی‌ام: ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه قیمت: ۲۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: چاپخانه مجاب

با حمایت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

ویژه مسابقات فرهنگی سال ۱۳۹۰



## کانون اندیشه جوان

سرشناسه: شریفی، احمدحسین، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: موج فتنه: از جمل تا جنگ نرم / احمدحسین شریفی.

مشخصات نشر: تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۹۲ص. ۲۵۰۰۰ ریال شابک: 978-964-2788-88-0

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه:ص: ۱۷۳ - ۱۷۷.

موضوع: علی بن ابی طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. .. نهج البلاغه - فتنه و فتنه‌انگیزی.

موضوع: فتنه و فتنه‌انگیزی - جنبه‌های مذهبی - اسلام.

موضوع: اسلام و سیاست. موضوع: اسلام و اجتماع.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ م ۸ ۳۷ ش/ ۲۲۵/۴ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/ ۴۶۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۸۵۴۶۵

تلفن مرکز پخش: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

|  |    |
|--|----|
| پیشگفتار   | ۷  |
| مقدمه  | ۱۱ |
| ۱۵ درباره کتاب   |    |
| فصل اول: نکات مقدماتی  | ۱۹ |
| ۲۱ ضرورت آزمایش همه آدمیان. ۲۸ فواید اجتماعی آزمایش های الهی. ۳۰ مواد امتحان الهی. ۳۵ مفهوم شناسی فتنه. ۴۴ فتنه در سخن و سیره امام علی (ع).  |    |
| فصل دوم: توصیف شرایط و موقعیت های فتنه خیز   | ۴۷ |
| ۴۹ مشتبّه سازی حق و باطل. ۵۰ آغازی ناشناخته و پوشیده. ۵۲ فضای گردبادی. ۵۴ آسیب زنده آگاهان. ۵۴ فروخورنده فتنه گران. ۵۵ شخصیت محوری به جای حقیقت محوری.   |    |
| فصل سوم: بسترهای اجتماعی ایجاد فتنه  | ۵۹ |
| ۶۲ ثروت گرایی و مال پرستی. ۶۶ دین داری غیر عالمانه. ۶۸ شبهه افکنی های بی مینا. ۶۸ روابط ناسالم اداری و حکومتی. ۷۲ روابط ناسالم اقتصادی. ۷۳ نادانی و بی تفاوتی مردم. ۷۴ پیروی از حاکمان و بزرگان متکبر.   |    |
| فصل چهارم: شگردهای فتنه گران   | ۷۷ |
| ۸۲ استفاده از شیوه های مبارزه نرم. ۸۳ استخدام چهره های موجه و مقدس. ۸۵ استفاده از شعارهای خوب و جذاب. ۸۸ سخن گفتن از اصول متعالی انسانی. ۸۹ نفی گذشته افتخار آمیز جامعه. ۹۰ تحریک احساسات. ۹۲ شبهه افکنی. ۹۴ تفرقه افکنی. ۹۹ جلب حمایت های خارجی. ۱۰۰ ایجاد سازمان های اجتماعی مردم نهاد. ۱۰۲ ایجاد فاصله میان مردم و حکومت. ۱۰۳ درآمیختن حق و باطل. |    |

---

**فصل پنجم: عوامل پیدایش فتنه ۱۰۷**

۱۱۳ خودخواهی و هواپرستی. ۱۱۵ ریاست‌طلبی. ۱۱۷ دنیاطلبی. ۱۲۱ بدعت‌گذاری در دین. ۱۲۴ رابطه متقابل عوامل یادشده با یکدیگر.

---

**فصل ششم: پیامدهای فتنه ۱۲۷**

۱۲۹ پیامدهای منفی فتنه. ۱۲۹ پیدایش «تشکیلات فتنه». ۱۳۰ فراموش شدن ارزش‌ها. ۱۳۱ حاکمیت حاکمان سودجو. ۱۳۲ پیامدهای مثبت فتنه. ۱۳۲ جداسازی مرزها. ۱۳۴ پختگی اجتماعی و سیاسی. ۱۳۵ به فعلیت رسیدن استعدادها.

---

**فصل هفتم: شیوه‌های مبارزه با فتنه ۱۳۹**

۱۴۲ شیوه‌های در امان ماندن از گردباد فتنه. ۱۴۲ عمل بر اساس یقین. ۱۴۳ رجوع به قرآن. ۱۴۴ تمسک به اهل‌بیت پیامبر. ۱۴۶ شیوه‌های مبارزه کوتاه‌مدت و روبنایی. ۱۴۶ جلوگیری از مسلح شدن فتنه‌گران. ۱۴۶ مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع فتنه‌گران. ۱۴۸ بردباری و مدارا. ۱۴۹ هوشیاری در برابر فرصت‌طلبان. ۱۵۲ روشنگری و افشاگری. ۱۵۵ نشان دادن ظاهری بودن وحدت فتنه‌انگیزان. ۱۵۸ تلاش برای آرام کردن اوضاع. ۱۶۰ جداکردن صف فتنه‌گران و فتنه‌زدگان. ۱۶۲ برخورد به‌هنگام و شجاعانه. ۱۶۳ شیوه‌های مبارزه بلندمدت و زیربنایی. ۱۶۴ ترویج ارزش‌ها. ۱۶۵ تقویت باورها. ۱۶۹ تهیه طرح جامع تعلیم و تربیت اسلامی. ۱۷۰ ایجاد روحیه حقیقت‌شناسی. ۱۷۱ تقویت دانش دشمن‌شناسی.

---

**۱۷۳ کتابنامه**

۱۷۷ نشریات.

---

**۱۷۹ فهرست آیات**


---

**۱۸۳ فهرست روایات**


---

**۱۸۷ فهرست اشعار**


---

**۱۸۹ نمایه**

## پیشگفتار

ده بهار است که سر برآوردن جوانه‌ها و شکفتن شکوفه‌ها، نهال کانون را به وجد آورده است. نهالی که ریشه بر باغ خردورزی دینی دارد و نگاه بر آسمان. می‌کوشد تا برای جوانان و دانشجویان سایه‌ای روح‌افزا بگستراند و بر پیکره‌اش، گوناگون و انبوه ثمر بنشاند. در سال‌هایی که گذشته و می‌آید، میان کانون، جوانان، دانشجویان و اندیشه‌ورزان، پل‌ها و راه‌های بسیاری بنا نهاده شده و می‌شود.

### مشاوره‌های دانشجویی، برگزاری نشست‌های گفتمانی و همایش‌ها

ارتباط گسترده کانون با دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی سبب شده است تا هر سال، صدها گونه مشاوره به تشکل‌ها و گروه‌های دانشجویی، سخنرانی‌ها، مناظرات، میزگردهای متنوع و متعدد و از این دست فعالیت‌ها با استفاده از استادان و اندیشمندان در ساحت‌های گوناگون فکری، در کانون، برنامه‌ریزی و پایه‌گذاری گردد. بررسی ویژگی‌های گوناگون اندیشه‌ها و افکار اندیشمندان و متفکران، موضوع‌هایی است که کانون آن‌ها را نیز در قالب همایش‌های اندیشه‌شناسی

پیگیری می‌نماید.

### حلقه‌های اندیشه

جمعی از دانشجویان، در بازه‌ای از زمان، گرد هم آمده و با بهره‌گیری از استادان و مربیان باتجربه و اندیشمندان، می‌کوشند تا پس از به سر آمدن دوره، در دانش و مهارتی که حلقه برای آن شکل گرفته است، خبره و زبده گردند.

### سایت

سایت کانون: [www.kanooneandisheh.com](http://www.kanooneandisheh.com)  
این سایت، پایگاه سازمانی و رسمی کانون به‌شمار می‌آید که آینه‌وار اخبار و برنامه‌های کانون را انعکاس می‌دهد.

باشگاه اندیشه: [www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)  
سایت باشگاه اولین گفتارنامه مجازی و بزرگ‌ترین بانک مقالات در ساحت مباحث فکری است. این سایت با برخورداری از بازدیدکنندگان بسیار، یکی از مؤثرترین پایگاه‌های فکری در فضای مجازی است.

### کتاب

کانون تاکنون بیش از ۱۹۰ عنوان از پژوهش‌هایش را در پیکره کتاب منتشر کرده است. این آثار و پژوهش‌ها به ۱۴ ساحت اندیشه‌ای قدم نهاده و



کوشیده‌اند تا برای خواننده جوان، روشن‌گر و پاسخ‌گو باشند.  
خوانندگان کتاب‌های کانون سه سطح گوناگون را شکل داده و آثار  
کانون برای این سه سطح نشر می‌یابند.

۱. **جوان:** کتاب‌هایی که در این سطح نگاشته می‌شوند، برای جوان  
سخن می‌گویند. جوان از آن روی که جوان است، میان ۱۸ تا ۲۴ بهار به  
عمر خویش دیده است و دست‌کم به میزان کسی که دبیرستان را گذرانده  
است، می‌داند و حقایق را دریافت می‌کند. او می‌تواند خواننده کتاب‌های  
جوان کانون بوده و محتوا، ساختار و نشر آن را پسند نماید.

۲. **دانشجو:** سخن‌سرایی برای دانشجو، آن‌که می‌پوید تا در ساحت  
خویش کاردان و کارشناس گردد، او که میان ۱۸ تا ۲۶ بار تقویم از روی  
تاریخ تولد او ورق خورده است، او که دانشگاه و استاد و تشکل و نشریه  
و ... را درک کرده است، سخن‌سرایی برای او آرمان کتاب دانشجوی کانون  
است.

۳. **اندیشه:** کسی که پویایی فکری خویش را تعالی بخشیده و بر  
فرازهایی فراتر از کارشناسی قدم نهاده است، کمتر از ۲۸ بار به گردش مهر  
مسافر بوده است و در جاده برزخ خیرگی و خامی، آستان خیرگی را پیش  
رویش یافته است، می‌تواند خواهان و خواننده کتاب‌های اندیشه کانون قرار  
گیرد.

قلم کتابی که اکنون پیش روی شماست، برای سطح دانشجو، بر این  
ورق‌ها، رمق گرفته است، مؤلف محترم جناب آقای دکتر **احمد حسین**

شرفی با رویکردی تحلیلی به موضوع مبتلابه و پر اهمیتی چون فتنه در ادبیات سیاسی اسلام پرداخته است. از جمله خصایص این اثر، شرح و بسط فرمایشات امام علی علیه السلام پیرامون انواع و اقسام فتنه‌های دینی، اجتماعی و سیاسی دوران آن بزرگوار و مقایسه و تطبیق آنها با فضای ملت‌هت کشور پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری می‌باشد .

بی شک نقدها و پیشنهادهای شما، ما را در مسیری که می‌پیماییم، راهنما گشته و تکامل خواهد بخشید.

کانون اندیشه جوان

## مقدمه

یکی از پربسامدترین واژگان در ادبیات اسلامی، واژه «فتنه» است. این واژه، سی بار و مشتقات آن شانزده بار در قرآن کریم به کار رفته‌اند. مسئله فتنه در سخن امام علی علیه السلام نیز از بسامد بالایی برخوردار است. سیره آن حضرت نیز مشحون از مبارزات عملی با فتنه‌های دینی و سیاسی و اجتماعی آن روزگار است. اما به‌رغم اهمیت این بحث، متأسفانه تا به حال کار قابل عرضه‌ای در این موضوع صورت نگرفته است. همان‌گونه که می‌دانیم، یکی از منفورترین کارها در فرهنگ اسلامی، کشتن انسان‌های بی‌گناه است. این مسئله از نگاه اسلام آن قدر بد است که در قرآن آمده است:

أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا<sup>۱</sup>

اسلام، کشتن یک انسان بی‌گناه را معادل و مساوی با کشتن همه انسان‌ها دانسته و مجازات کسانی را که مؤمن بی‌گناهی را به قتل برسانند، عذاب جاودانه در جهنم تعیین کرده است:

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَةُ وَ  
أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا<sup>۲</sup>

۱. مانده، آیه ۳۲.

۲. نساء، آیه ۹۳.

با وجود این، قرآن کریم فتنه‌گری و فتنه‌انگیزی در جامعه را شدیدتر و بزرگ‌تر از کشتن انسان‌های بی‌گناه دانسته و می‌فرماید:

وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ<sup>۱</sup>

فتنه شدیدتر از قتل است.

وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ<sup>۲</sup>

فتنه بزرگ‌تر از قتل است.

معنای روشن این آیات آن است که فتنه، از کشتن همه انسان‌های روی زمین، شدیدتر، بزرگ‌تر و بدتر است. شاید دلیل این مسئله آن باشد که اگر شخصی، بی‌گناه کشته شود، به‌رغم همه زشتی و شناعة این کار، در نهایت چند روزی زودتر به سرای ابدی خود رفته است و به دلیل همین مظلومیتش ممکن است برخی گناهان او نیز بخشوده شود. اما پیامد فتنه‌انگیزی، از دست رفتن ایمان و سعادت حقیقی عده‌ای از مردم و فاصله گرفتن آنان از جاده حق و حقیقت است. در نتیجه نه تنها فتنه‌گران و فتنه‌زدگان، خود تا ابد در آتش جهنم می‌سوزند<sup>۳</sup> که احتمالاً نسل‌های آینده خود را نیز منحرف می‌کنند.

۱. بقره، آیه ۱۹۱.

۲. همان، آیه ۲۱۷.

۳. «فتنه» در بسیاری از موارد گریبان‌گیر انسان‌های مؤمن می‌شود و موجب می‌شود که عده‌ای اعتقادات و باورهای دینی خود را از دست بدهند و از مسیر حقیقت و جاده هدایت خارج شوند؛ از طرفی خداوند جزای کسانی که مؤمنی را به قتل برسانند، عذاب جاودانه می‌داند. بر همین اساس طبیعتاً با توجه به اینکه بر اساس منطق قرآن، فتنه شدیدتر و بزرگ‌تر از قتل است، می‌توان این حکم را به دست آورد که جزای فتنه‌انگیزان و فتنه‌گران، عذاب جاودانه خواهد بود.

در آیه‌ای دیگر، ضرورت مبارزه با فتنه به این صورت بیان شده است:  
 وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ<sup>۱</sup>  
 از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید و بدانید که خداوند سخت‌کیفر است.

همان‌گونه که مفسر بزرگی چون علامه طباطبایی<sup>۲</sup> تصریح کرده است، مخاطب این آیه، همه امت اسلامی و جامعه مؤمنان است. مضمون آیه این است که همه جامعه اسلامی و همه مؤمنان موظف‌اند با فتنه‌هایی که هرچند در ظاهر مخصوص ظالمان و ستمگران است، مبارزه کنند؛ چرا که آسیب‌ها و آفات فتنه، همگان را در بر خواهد گرفت. در ذیل آیه علت این توصیه بیان شده است که اگر مسلمانان وظیفه خود را در مقابله با فتنه‌ها انجام ندهند، عذاب‌های شدید الهی در دنیا و آخرت نصیب آنان خواهد شد؛ عذاب‌هایی چون اختلاف‌های اجتماعی، ناامنی و قتل و فساد و امثال آن در این دنیا و عذاب جهنم در روز قیامت. ثمره فتنه چیزی جز ضعف اجتماع مسلمانان و ایجاد تفرقه و اختلاف در صفوف آنان و در نتیجه ذلت و خواری حکومت و جامعه اسلامی در برابر دشمنان دین نخواهد بود. بر همه افراد جامعه اسلامی - به ویژه خواص و نخبگان - لازم است ضمن شناسایی فتنه‌ها و آگاهی دادن به جامعه، تلاش کنند آتش فتنه را خاموش کنند و ریشه آن را بسوزانند.

۱. انفال، آیه ۲۵.

۲. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۵۳.

قرآن کریم به همه مسلمانان دستور می‌دهد تا رفع کامل فتنه از جهان و تحقق کامل دین الهی در سراسر گیتی، با دین ستیزان، مجاهده و مبارزه کنند و لحظه‌ای در این راه درنگ نداشته باشند:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ<sup>۱</sup>

با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین مخصوص خدا شود.

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ<sup>۲</sup>

با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین یکسره از آن خدا گردد.

روشن است که این دستور قرآن به مبارزه با فتنه و فتنه‌گران، لزوماً دستور به «مبارزه سخت» و «جهاد فیزیکی» نیست؛ بلکه «مبارزه نرم» و «جهاد فکری و علمی و فرهنگی» را هم شامل می‌شود. اصولاً چون فتنه‌گری در اغلب موارد، جز در آخرین فازهای خود، از سنخ تهاجم فرهنگی و براندازی نرم است، راه مبارزه و جهاد علیه آن نیز از سنخ مبارزه فرهنگی و جهاد فکری و فرهنگی است.

نکته دیگری که لازم است مورد توجه قرار گیرد، این است که فتنه‌های سیاسی و اجتماعی، همچون بسیاری دیگر از مناسبت‌های اجتماعی و سیاسی، در دوران گذشته با برنامه‌ریزی‌های پیچیده و تو در تو همراه نبود؛ اما امروزه برای ایجاد فتنه در یک جامعه، سال‌ها برنامه‌ریزی می‌شود. تحقیقات مختلف جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی و روان‌شناختی گسترده‌ای درباره جامعه هدف صورت می‌گیرد. مهره‌های اصلی فتنه از قبل شناسایی

۱. بقره، آیه ۱۹۳.

۲. انفال، آیه ۳۹.

می‌شوند و آموزش‌های لازم علمی و روان‌شناختی را می‌بینند و آرام آرام در جای خود چیده می‌شوند. از طریق مطبوعات، رسانه‌ها، رمان‌ها، کتاب‌های درسی و غیر درسی و فعالیت‌های تفریحی و گردشگری، ترویج مُدها و مدل‌های جدید، ترویج روحیه مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی، سیاه‌نمایی درباره فعالیت‌های انجام شده و مهم‌تر از همه، از راه ایجاد شبهه در باورها و ارزش‌های مورد قبول جامعه هدف و به‌طور کلی از همه راه‌های ممکن، می‌کوشند تا آرام آرام حساسیت‌های دینی و ارزشی مردم را تضعیف کنند و بدین ترتیب بسترهای لازم برای براندازی نظام حاکم را فراهم سازند تا با کمترین هزینه بتوانند به هدف خود دست یابند. به همین دلیل، مبارزه با فتنه در دوران حاضر نیز کار ساده و سهلی نیست؛ بلکه نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق و فعالیت‌های شبانه‌روزی است.

### درباره کتاب

در این کتاب کوشیده‌ام تا به اختصار ابعاد مختلف بحث فتنه را با تکیه و تأکید بیشتر بر سخن و سیره امام علی علیه السلام واکاوی کنم. اثر حاضر در هفت فصل سامان یافته است.

فصل اول به بیان مقدمات بحث و مفهوم‌شناسی «فتنه» می‌پردازد. در فصل دوم به توصیف «شرایط و موقعیت‌های فتنه‌خیز» پرداخته‌ام. آگاهی از این شرایط برای تحلیل موقعیت‌های اجتماعی و تشخیص وظیفه عقلی و دینی بسیار مفید می‌باشد. زیرا بسیاری از افراد از روی غفلت در

موقعیت‌های فتنه‌خیز گرفتار می‌شوند و بدون آنکه بخواهند یا بدانند، هیزم آتش فتنه‌گران می‌شوند.

فصل سوم به بررسی بسترهای اجتماعی ایجاد فتنه می‌پردازد. مطالب این فصل برای متصدیان فرهنگی جامعه از این جهت می‌تواند مفید باشد که نشان می‌دهد زنگ‌های خطر فتنه چگونه و چه زمانی به صدا در می‌آیند. از بعدی دیگر، مطالب فصل سوم نشان می‌دهد که برای مبارزه با فتنه از کجا باید شروع کرد. مطالب این فصل به ما می‌گوید هرگز نباید آثار ظاهری فتنه، از قبیل آشوب‌های جزئی و مخالفت‌ها و نافرمانی‌های مدنی در بخش‌های کوچکی از جامعه، ما را از آبخورهای اصلی فتنه غافل کند.

در فصل چهارم به شگردها و شیوه‌های فتنه‌گران برای ایجاد فتنه در جامعه توجه شده است. این فصل دکترین فتنه و فرمول آن را تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که فتنه‌گران از چه راه‌ها و با چه شیوه‌هایی کار خود را پیش می‌برند. آشنایی با مطالب این فصل از این جهت هم مفید است که به ما کمک می‌کند آگاهی خود را از حقیقت بالاتر ببریم و فریفته ظاهر افراد و شعارهای خوب و جذاب نشویم؛ سطح برخورد خود را با مسائل اجتماعی و سیاسی عقلانی‌تر کنیم و از اتخاذ تصمیم‌های هیجانی و احساسی که خواسته فتنه‌گران است، خودداری ورزیم.

با توجه به آنکه اغلب فتنه‌ها در روزگار امام علی علیه السلام، از ناحیه خود مسلمانان و بلکه از ناحیه مبارزان و جهادگران اولیه اسلامی و برخی از صحابه باسابقه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، این پرسش جدی مطرح می‌شود که چرا و



به چه علت، چنان افرادی با چنان سوابقی دست به فتنه و فتنه‌گری زدند و شکاف‌های عمیقی در اسلام پدید آوردند؟ پاسخ این سؤال به شکل بنیادین و با تکیه بر کلام امام علی علیه السلام و با ذکر مستندات تاریخی در فصل پنجم این کتاب تحلیل شده است. البته نه پرسش مطرح‌شده و نه پاسخ‌های بیان شده، هیچ‌کدام به روزگار امام علی علیه السلام اختصاص ندارند. در روزگار ما نیز همین سؤال مطرح است که چرا در میان مبارزان اولیه انقلاب و یاران حضرت امام، اختلاف‌هایی شکننده پدید آمده است؛ به گونه‌ای که همسنگران دیروز، رو در روی یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند؟ به نظر می‌رسد مطالب این فصل می‌تواند عوامل بنیادین چنین تحولاتی را توضیح دهد.

فصل ششم کتاب به توضیح برخی از پیامدهای مثبت و منفی فتنه می‌پردازد. نگاه نویسنده، به پیروی از فرهنگ اسلامی، این است که نباید صرفاً به‌عنوان تهدید با فتنه‌ها برخورد کرد؛ زیرا از زاویه‌ای دیگر، فتنه‌ها فرصتی بی‌نظیر در اختیار جامعه اسلامی قرار می‌دهند. فرصتی برای شناخت حقیقت و حقیقت‌محوران. فتنه‌ها موجب کنار رفتن پرده نفاق از چهره‌هایی می‌شود که تا قبل از وقوع فتنه هرگز گمان نمی‌رفت چنان افرادی با چنان نیت‌هایی در صفوف جامعه رخنه کرده باشند.

و در نهایت واپسین فصل کتاب به شیوه‌های مبارزه با فتنه می‌پردازد و راه‌های مبارزه کوتاه‌مدت و بلندمدت با فتنه را تبیین می‌کند. این فصل می‌تواند برای عموم مردم راهگشای خوبی برای برون‌رفت از فضای غبارآلود و تاریک فتنه و در امان ماندن از آسیب‌های معنوی و اجتماعی آن

باشد. در عین حال، در این فصل با تکیه بر سخن و سیره امام علی علیه السلام، راه و روش مبارزه کوتاه مدت و بلندمدت با فتنه و فتنه گران به متصدیان فرهنگی و نخبگان علمی جامعه نیز نشان داده می شود.

احمدحسین شریفی

فصل اول: نکات مقدماتی



## ۱. ضرورت آزمایش همه آدمیان

سنت آزمایش یکی از سنت‌های تغییرناپذیر الهی است. این سنت نه تنها درباره همه افراد انسانی اعم از مؤمنان و غیرمؤمنان جاری است، که درباره امت‌ها و جوامع نیز جریان دارد. بر اساس این سنت، هیچ فرد یا جامعه‌ای گریز و گزیری از آزمایش ندارد. به همین دلیل در آموزه‌های اسلامی دعایی همچون «خدایا مرا آزمایش نکن»، دعایی بی‌معنا و بی‌وجه دانسته شده است.

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

کسی نگوید (خدایا از آزمایش و فتنه به تو پناه می‌برم) زیرا هیچ‌کس گریزی از آزمایش و فتنه ندارد. لیکن کسی که می‌خواهد دعا کند، از خدا بخواهد که او را از فتنه‌های گمراه‌کننده در امان دارد.<sup>۱</sup>

آن حضرت وقتی کسی را دید که از خدا می‌خواست تا او را به آزمایش و فتنه مبتلا نکند، سرزنشش کرد و به او گفت:

مگر در قرآن نخوانده‌ای که خداوند اموال و اولاد را به عنوان فتنه و آزمایش معرفی کرده است؟<sup>۲</sup> آیا از خدا می‌خواهی که مال و فرزند به تو ندهد؟ چنین دعا نکن. بلکه از خدا بخواه که تو را از آزمایش‌ها و فتنه‌ها

۱. نهج‌البلاغه، حکمت ۹۳، ص ۳۷۵

۲. «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (انفال، آیه ۲۸)

سربلند بیرون آورد.<sup>۱</sup>

به هر حال، سنتِ آزمایش، سنتی فراگیر و همگانی است؛ هرچند کیفیتِ آزمایش‌ها و موادِ آزمون در هر موردی متناسب با استعدادها و توانمندی‌ها و ادعاهای متفاوت است. هر اندازه که افراد از اهمیت و ظرفیت بالاتری برخوردار باشند، امتحان‌های آنان نیز سخت‌تر و دشوارتر است.

هر کسی را خدمتی داده قضا در خور آن گوهرش در ابتلا<sup>۲</sup>

به هر اندازه‌ای که انتظارات از یک فرد بالا رود و به هر مقداری که ادعاهای او بزرگ‌تر و جدی‌تر باشد، به همان مقدار هم آزمایش‌های او بزرگ‌تر، دشوارتر و سخت‌گیرانه‌تر خواهد بود. به همین دلیل، آزمایش‌های پیامبران از بقیه انسان‌ها سخت‌تر و شکننده‌تر بوده است. یکی از یاران پیامبر ﷺ از او پرسید «سخت‌ترین و شدیدترین بلاها بر چه کسانی نازل می‌شود؟» شاید این پرسشگر انتظار داشت از پیامبر ﷺ بشنود مشرکان، منافقان، کافران و فاسقان؛ اما با کمال تعجب از پیامبر اکرم ﷺ شنید: «پیامبران و در رتبه بعد صالحان و به همین ترتیب هر کسی که به اینان نزدیک‌تر باشد، بلای او سخت‌تر و شدیدتر است» و بعد قاعده کلی سختی‌ها و آزمایش‌های فردی را بیان کرد و فرمود:

هر کسی به اندازه دینش آزمایش می‌شود. اگر در دینش استوار باشد، آزمایش او شدیدتر است و اگر ضعیفی در دین داشته باشد، آزمایش او

۱. محمد بن الحسن طوسی، الامالی، ص ۵۸۰.

۲. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر ششم، بیت ۱۵.

نیز ضعیف‌تر و سبک‌تر خواهد بود.<sup>۱</sup>

به همین دلیل است که گفته‌اند:

هر که در این بزم مقرب‌تر است جام بلا بیشترش می‌دهند

امام علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

قاعده کلی آزمایش و سختی در این عالم این است که مؤمن به اندازه اعمال نیکش مبتلا به سختی و گرفتاری می‌شود. کسی که دینش صحیح باشد و اعمالش نیکو، سختی‌هایش شدیدتر و بیشتر خواهد بود و هر کس که دینش ضعیف باشد و کارهای خوبش اندک و ضعیف، سختی‌هایش نیز کمتر خواهد بود.<sup>۲</sup>

از امام **جعفر صادق** علیه السلام درباره آزمایش مؤمنان روایت شده است که

فرمود:

مؤمن همچون کفه ترازو است. هر چه بر ایمانش افزوده شود، آزمایش‌ها و سختی‌های او نیز افزایش می‌یابد.<sup>۳</sup>

**مولوی** می‌گوید:

۱. فروزانفر، *احادیث مثنوی*، ص ۱۰۷؛ ابن ادریس، *السرائر*، ج ۳، ص ۱۴۳ (یتلّی الرجلُ علی حَسَبِ دینِهِ فَاِنْ كَانَ فِي دینِهِ صَلَابةٌ زید فی بَلاتِهِ وَ اِنْ كَانَ فِي دینِهِ رِقَّةٌ خَفَّفَ عَنْهُ وَ ما یزال البلاءُ بالعبْدِ حَتّی یمشی علی ظَهرِ الارضِ لیسَ علیهِ حَظینةٌ)

۲. شیخ صدوق، *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۴۴؛ شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۳، ص ۲۶۲؛ هادی نجفی، *موسوعه احادیث اهل‌البیت*، ج ۹، ص ۲۹۲ (اِنما یتلّی المؤمنُ علی قَدَرِ اعمالِهِ الحَسَنَةِ فَمَنْ صَحَّ دینُهُ وَ صَحَّ عملُهُ اشْتَدَّ بَلاتُهُ وَ ذَلِكُ لِانَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ یَجْعَلِ الدنیا ثَواباً لِلمُؤْمِنِ وَ لا عِقوبةً لِکافرٍ وَ مَنْ سَخَفَ دینَهُ وَ ضَعَفَ عملَهُ قَلَّ بَلاتُهُ وَ البلاءُ اسرَعُ الی المؤمنِ المُتَّقِی مِنَ المَطَرِ الی قَرارِ الارضِ)

۳. یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۲۵۲، باب ۲۹۲، حدیث ۱۰ (ان المؤمنَ بمِزلةِ کفةِ المیزانِ، کلما زید فی اِیمانِهِ زیدَ فی بَلاتِهِ)

هست حیوانی که نامش اُشْغُر است      کو به زخم چوب، زفت و لَمْتُر<sup>۱</sup> است  
تا که چوبش می‌زنی به می‌شود      او ز زخم چوب فربه می‌شود  
نفس مؤمن اشغری آمد یقین      کو به زخم چوب زفت است و سمین  
زین سبب بر انبیا رنج و شکست      از همه خلق جهان افزون‌تر است<sup>۲</sup>  
تا ز جان‌ها جانشان شد زفت‌تر      که ندیدند آن بلا قومی دگر<sup>۳</sup>  
به نظر می‌رسد بر اساس نگاه اسلامی، همین فرمول و قاعده کلی را  
درباره امت‌ها، جوامع و حکومت‌ها نیز می‌توان جاری دانست؛ به این معنا  
که هر امت، جامعه و حکومتی که به خداوند نزدیک‌تر باشد و اهداف الهی  
بیشتر و جدی‌تری را دنبال کند و داعیه بالاتری داشته باشد، بیشتر و  
شدیدتر مورد آزمایش و امتحان الهی قرار می‌گیرد. قرآن کریم سنت  
آزمایش را شامل اقوام و ملت‌ها نیز می‌داند و در آیات فراوانی از آزمون‌ها  
و فتنه‌های اجتماعی و گروهی سخن به میان آورده است.<sup>۴</sup>

۱. لمتر: فربه، پرگوش، قوی هیکل

۲. مولوی در جایی دیگر (دفتر چهارم، بیت ۲۰۲۶) می‌گوید:

لاجرم اغلب بلا بر انبیاست      که ریاضت دادن خامان خطاست

در این باره روایات فراوانی داریم که فرموده‌اند: ان اشد الناس بلاء الانبياء ثم الذين يلونهم ثم الامثل

فالامثل به عنوان نمونه، ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۲۵۲، باب ۲۹۲، (بساب شدة ابتلاء المؤمن)

حدیث ۱؛ محمد بن همام الاسکافی، التمهیص، ص ۴؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲،

ص ۹۰۷؛ محمد ابن حسن طوسی، الامالی، ص ۶۵۹.

۳. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر چهارم، ابیات ۹۸-۱۰۲.

۴. به عنوان مثال، ر.ک: مانده، آیات ۷۰ و ۷۱؛ طه، آیات ۸۵ و ۹۰؛ آل عمران، آیات ۱۵۲-۱۵۴ و

آیه ۱۷۹؛ عنکبوت، آیات ۲-۳؛ توبه، آیات ۴۷-۴۹



علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، سنت امتحان را از سنت‌های جاری الهی و از لوازم سنت «هدایت عامه خداوند» می‌داند. به همین دلیل آن را سنتی حتمی و غیر قابل نسخ معرفی می‌کند و معتقد است که نسخ سنت امتحان عین فساد تکوین است و این محال است:

أَنهَا غَيْرُ قَابِلَةٍ لِلنَّسْخِ فَإِنَّ انْتِسَاحَهَا عَيْنَ فَسَادِ التَّكْوِينِ وَ هُوَ مَحَالٌ<sup>۱</sup>

سنت الهی امتحان، به همان صورتی که در میان جوامع و امت‌های گذشته همچون امت‌های نوح، عاد، ثمود، ابراهیم، لوط، شعیب و موسی علیهم‌السلام جاری شده است، در میان جوامع و امت‌های کنونی و آینده نیز جاری خواهد شد.<sup>۲</sup>

امام علی علیه‌السلام بعد از آنکه در سال ۳۵ هجری قمری، مردم مدینه با او به عنوان خلیفه بیعت کردند و آن حضرت رسماً مسئولیت حکومت را پذیرفت، در سخنرانی عمومی خود خطاب به امت اسلامی درباره امتحان‌های اجتماعی سرنوشت‌سازی که در پیش است، به این صورت هشدار داد و فرمود:

إِلَّا وَ إِنَّا بَلَيْتُكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْتِهَا يَوْمَ بَعَثَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتُبْلَيْنَّ بَلِيلَةً وَ لَتُغْرَبَلَنَّ غَرْبَةً وَ لَتُسَاطُنَّ سَوَاطِنَ الْقَدْرِ حَتَّى يَعُودَ اسْفَلُكُمْ أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ اسْفَلَكُمْ وَ لَيَسْبِقَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرُوا وَ لَيَقْضُرَنَّ سَبَّاقُونَ كَانُوا سَبَّاقُوا...؛

بدانید که روزگار دگرباره شما را در بوتۀ آزمایش ریخت، مانند روزی که

۱. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۳۶.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۹۹.

خدا پیامبر ﷺ شما را برانگیخت. به خدایی که او را به راستی مبعوث فرمود، به هم خواهید درآمیخت و چون دانه که در غربال ریزند، یا دیگ‌افزار<sup>۱</sup> که در دیگ ریزند، روی هم خواهید ریخت، تا آن که در زیر است زبر شود و آن که بر زبر است به زیر در شود و آنان که واپس مانده‌اند پیش برانند و آنان که پیش افتاده‌اند واپس مانند.<sup>۲</sup>

به هر حال نه فقط افراد، که اقوام و ملت‌ها نیز همواره مشمول آزمایش الهی‌اند. کیفیت آزمایش امت‌ها نیز به توانمندی‌ها، آرمان‌ها و داعیه‌های آنان وابسته است.

انقلاب مردم ایران داعیه‌ای بزرگ دارد؛ داعیه‌ای جهانی و بشری. این انقلاب خود را در راستای انقلاب بزرگ مهدوی تعریف کرده است. بنابراین آزمون‌های آن نیز سخت‌تر و طاقت‌فرساتر از سایر جوامع، امت‌ها و حکومت‌ها است. بسیاری از ما در نگاه نخست ممکن است تصور کنیم مردمی که اهل مبارزه و جنگ و جهاد در راه خدا بوده‌اند و در این راه هزاران تن از بهترین جوانان و عزیزان خود را فدا کرده‌اند و سختی‌های اقتصادی و معیشتی فراوانی را در راه پیروزی حق تحمل کرده‌اند، دیگر به آزمون و امتحان نیازی ندارند و لطف خدا اقتضا می‌کند حکومتی اسلامی که به پشتوانه چنین زحمات و تلاش‌هایی برپا شده است، خود به خود از همه آسیب‌ها در امان بماند! اما حقیقت و واقعیت نظام عالم و تقدیر الهی

۱. دیگ‌افزار: داروهای خوشبویی که در دیگ خوراک‌پزی می‌ریزند؛ مانند فلفل، زردچوبه،

زیره، فرنقل، دارچین، هل و غیره

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶، ص ۱۷.

چیزی غیر از این است. یکی از مقدرات الهی این است که همهٔ بندگان و همهٔ گروه‌ها و جوامع مورد آزمایش قرار گیرند. این سنت خدا و تخلف‌ناپذیر است. هیچ انسان و هیچ جامعه و هیچ گروهی از آزمون الهی در امان نیست؛ بلکه صدها و هزاران آزمون و امتحان را باید پشت سر گذاشت تا به منزلگه مقصود رسید. با شرکت در یک کلاس و موفقیت در آزمون پایانی آن نمی‌توان مدعی رسیدن به هدف مطلوب و نهایی شد. سال به سال باید در کلاس‌های بالاتر شرکت کرد و هرچه بالاتر رویم، آزمون‌ها جدی‌تر و دشوارتر خواهند شد. مگر آنکه بخواهیم از شرکت در مراحل بالاتر تحصیلی انصراف دهیم و ناتوانی خود را از ادامهٔ تحصیل اعلام کنیم؛ اما اگر خواستار رسیدن به قله‌های علمی هستیم باید همهٔ آزمون‌های مربوط را با موفقیت پشت سر بگذاریم. هر کسی که در هر زمینه‌ای ادعایی داشت، باید متناسب با آن ادعا آزمایش شود.

**جلال‌الدین رومی** چه زیبا این حقیقت را به زبان شعر بیان می‌کند:

|                              |                                     |
|------------------------------|-------------------------------------|
| صد هزاران امتحان است ای پدر  | هر که گوید من شدم سرهنگِ دهر        |
| گر نداند عامه او را ز امتحان | پختگان راه جویندش نشان              |
| چون کند دعوی خیاطی کسی       | افکند در پیش او شه اطلسی            |
| که ببر این را به غلطان فراخ  | ز امتحان پیدا شود او را دو شاخ      |
| گر نبود امتحان هر بدی        | هر مخنث دروغا رستم بدی <sup>۲</sup> |

۱. وغا: جنگ، نزاع، درگیری

۲. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، ابیات ۶۸۸-۶۹۲.

## ۲. فواید اجتماعی آزمایش‌های الهی

آزمایش‌های الهی، به‌خصوص آزمایش‌هایی که در جوامع اسلامی رخ می‌دهد، فواید فراوانی برای جامعه در پی دارد. از جمله آن‌ها، پالایش جامعه از نیروهای ناپاک، نادرست و فریب‌کار است. آزمایش‌های اجتماعی موجب می‌شود پرده از چهره انسان‌های ریاکار و دورو کنار برود و چهره واقعی آنان برای همگان روشن گردد.

به برخی از آیات قرآن در این زمینه اشاره می‌کنیم:

و تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ وَ لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ؟<sup>۱</sup>

و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به ترتیب می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسی را که [واقعاً] ایمان آورده معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست ندارد؛ و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد؛ آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید بدون آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد.

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيَجْزِيَ اللَّهُ خَيْرًا بِمَا تَعْمَلُونَ؟<sup>۲</sup>

آیا گمان کردید که [به حال خود] رها می‌شوید در حالی که خداوند هنوز کسانی را که از شما جهاد کردند و غیر از خدا و رسولش و مؤمنان

۱. آل عمران، آیات ۱۴۰-۱۴۲.

۲. توبه، آیه ۱۶.

را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند، [از دیگران] مشخص نساخته است؟! [باید آزمون شوید و صفوف از هم جدا گردد] و خداوند به آنچه عمل می‌کنید آگاه است.

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ؛<sup>۱</sup>

آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغ‌گویان را [نیز] معلوم دارد.

به همین دلیل است که در روایات تأکید شده است: مؤمنان، به‌ویژه در آخر الزمان، نه فقط نباید از وقوع فتنه‌ها و آزمایش‌ها هراسی به دل راه دهند که باید از آن‌ها استقبال کنند. در حقیقت روی دیگر فتنه و آزمایش، خیر و برکت برای نظام اسلامی است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می‌فرماید:

لا تَكْرَهُوا الْفِتْنَةَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَإِنَّهَا تُبْرِئُ الْمُنَافِقِينَ؛<sup>۲</sup>

از فتنه و آزمایش در آخر الزمان نگران نباشید چرا که موجب نابودی منافقان خواهد شد.

و یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرماید:

تَمَتُّوا الْفِتْنَةَ؛ فِيهَا هَلَاكُ الْجَابِرَةِ وَ طَهَارَةُ الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَقَةِ؛<sup>۳</sup>

به استقبال فتنه روید؛ چرا که در فتنه‌ها است که حاکمان جور و افراد ستمگر هلاک می‌شوند و زمین از فاسقان پاک می‌گردد.

۱. عنکبوت، آیات ۲ و ۳.

۲. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، حدیث شماره ۱۵۷۴۸.

۳. همان، حدیث شماره ۱۵۷۴۹.

### ۳. مواد امتحان الهی

می‌توان گفت بر اساس آموزه‌های اسلامی، همه خوشی‌ها و سختی‌هایی که در زندگی فردی و اجتماعی انسان پدید می‌آیند، مواد آزمون الهی‌اند. در زیر، برخی از نمونه‌هایی را که در قرآن مورد تأکید قرار گرفته‌اند و به‌عنوان ماده و وسیله آزمون از آن‌ها یاد شده است؛ ذکر می‌کنیم:

ترس، گرسنگی، زیان‌های مالی و جانی و کمبود در محصولات و تولیدات کشاورزی و صنعتی:

وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ  
وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ<sup>۱</sup>

به‌طور کلی اموال و زندگی انسان اسباب آزمایش الهی‌اند. چه نقصی در

آن‌ها صورت گیرد و چه زیادتی رخ دهد:

لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ<sup>۲</sup>

فرزندان انسان از دیگر اسباب آزمایش‌اند:

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ<sup>۳</sup>

مواهب مادی و همسران نیز از دیگر اسباب آزمایش الهی‌اند:

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ<sup>۴</sup>

۱. بقره، آیه ۱۵۵.

۲. آل عمران، آیه ۱۸۶.

۳. انفال، آیه ۲۸.

۴. طه، آیه ۱۳۱.

نیکی‌ها و بدی‌ها و خیر و شر همگی از اسباب آزمایش الهی‌اند:

وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ<sup>۱</sup>  
وَنَبِّئُكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً<sup>۲</sup>

القائات شیطانی هم وسیله‌ای دیگر برای آزمایش انسان‌ها است:

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ<sup>۳</sup>

حوزه آزمون الهی نیز همه ساحت‌ها و ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد. ساحت‌های فردی، خانوادگی،<sup>۴</sup> اجتماعی، اقتصادی،<sup>۵</sup> فرهنگی،<sup>۶</sup> سیاسی و امنیتی<sup>۷</sup> و نظامی<sup>۸</sup>، همگی ساحت‌هایی از زندگی انسان‌اند که در معرض آزمون الهی قرار دارند.<sup>۹</sup> به‌طور کلی، می‌توان گفت هر یک از رفتارهای اختیاری انسان نمونه‌ای از آزمون الهی است.

علامه طباطبایی می‌فرماید: آیات مربوط به امتحان، همه مسائل مربوط به انسان را، از هستی او گرفته تا اجزای بدنش همچون گوش و چشم و دست و زبان و امور بیرونی همچون فرزندان و همسران و بستگان و دوستان و

۱. اعراف، آیه ۱۶۸.

۲. انبیاء، آیه ۳۵.

۳. حج، آیه ۵۳.

۴. تغابن، آیه ۱۵.

۵. آل عمران، آیه ۱۸۶ و فجر، آیات ۱۵ و ۱۶.

۶. طه، آیات ۸۵ و ۹۰.

۷. بقره، آیه ۴۹.

۸. محمد، آیه ۴.

۹. برای آشنایی با احادیث در این موضوع، ر.ک: محمد محمدی ری شهری، میزان‌الحکمه،

احادیث ۱۵۷۲۳ الی ۱۵۷۲۶.

اموال و مقام و به‌طور کلی هر چیزی که انسان از آن به گونه‌ای سود می‌برد یا از آن زیان می‌بیند، شامل می‌شود. افزون بر این، امتحان الهی «عمومیت افرادی» نیز دارد. یعنی همه انسان‌ها، اعم از مؤمن و کافر، نیکوکار و بدکار، پیامبر و غیر پیامبر، مشمول این سنت جاری خداوند هستند و هیچ استثنایی در این موضوع وجود ندارد.<sup>۱</sup>

یکی از مهم‌ترین مواد آزمون، اولاد و اموال است. خداوند شخصیت‌های بزرگی را با همین امور آزموده است.

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ.<sup>۲</sup>

خداوند حتی اطاعت‌پذیری و صداقت حضرت ابراهیم علیه السلام را نیز با همین وسایل آزمود. ابراهیم خلیل علیه السلام بعد از آنکه از این آزمون سربلند بیرون آمد، به مقام امامت و به مقام انسان کامل رسید. در حقیقت یکی از سخت‌ترین آزمون‌های حضرت ابراهیم علیه السلام آزمون قربانی کردن فرزندش اسماعیل بود. دست شستن از فرزند در راه خدا و قربانی کردن او کار هر کسی نیست. ایمان و یقینی به استواری ایمان و یقین شهنسوار ایمان، ابراهیم خلیل علیه السلام می‌خواهد.

یک نمونه تاریخی که متأسفانه از این آزمون با موفقیت بیرون نیامد، زبیر بن عوام است؛ زبیری که به شهادت برخی از نقل‌های تاریخی، چهارمین یا پنجمین نفری بود که در جوّ خفقان مکه و پیش از اعلان عمومی دعوت، به

۱. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۳۵.

۲. انفال، آیه ۲۸.



پیامبر اسلام ایمان آورد؛<sup>۱</sup> زبیری که به شهادت امیرمؤمنان علیه السلام از زمره اهل بیت علیهم السلام بود. آن حضرت درباره اش می فرماید:

ما زال الزبير رجلاً منا اهل البيت حتى نشأ ابنه المشؤوم عبد الله؛<sup>۲</sup>

زبیر پیوسته از ما اهل بیت بود تا آنکه فرزند نافرخته او، عبد الله، رشد کرد.

زبیر سوابق بسیار درخشانی در اسلام دارد که هیچ مورخ محققى نمی تواند آن سوابق را نادیده بگیرد. همه مسلمانان نیز قدردان سوابق درخشان و خدمات ارزنده او به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فعالیت های بی دریغ او برای ترویج اسلام خواهند بود. هیچ انسان منصفی نمی تواند بگوید ایمان اولیه زبیر و جانفشانی ها و رشادت های او برای دفاع از اسلام، همگی ریاکارانه و منافقانه بوده است. هیچ مورخی نمی تواند بگوید دفاع او از حریم ولایت و تحصن او در خانه امام علی علیه السلام و مقابله او با غاصبان خلافت و سیاست بازان سقیفه، به منظور دنیاطلبی و از روی ریاست طلبی یا ریاکاری بوده است. اما چگونه می شود چنین کسی که حتی از نخستین بیعت کنندگان با امام علی علیه السلام بعد از مرگ عثمان بود، در جبهه مقابل علی علیه السلام صف آرای می کند و جنگ جمل را راه می اندازد؟

با مطالعه ای اندک درباره سیر زندگی زبیر این حقیقت تلخ به دست می آید که علت اصلی جدایی زبیر از مسیر ولایت، مردودی او در آزمون

۱. العاملى، جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۱، صص ۲۵۴ و ۲۵۵.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۳.

اموال و اولاد بود. او نه فقط حاضر نشد در مقابل ولی حق و خلیفه پیامبر اسلام ﷺ دست از اموال و اولاد خود بردارد، بلکه حتی حاضر نشد از زیاده‌خواهی در این مسئله کوتاه بیاید. او وقتی که این دو در تعارض با هم قرار گرفتند، جانب اموال و اولاد را بر جانب ولی حق ترجیح داد و به این ترتیب در این آزمون الهی مردود شد. البته زبیر موفق شد در آخرین ساعات جنگ جمل خود را از معرکه جنگ دور کند و از درگیری مستقیم با امام علی علیه السلام خودداری ورزد؛ اما مردودی در این آزمون تا ابد با او باقی ماند.

قرآن کریم می‌فرماید: ویژگی مؤمنان حقیقی و حزب‌الله این است که به هنگام تعارض محبت فرزندان و بستگان و منافع حزبی و گروهی با اهداف الهی و دینی، جانب ایمان و اهل ایمان را می‌گیرند و با دشمنان ایمان و اهل ایمان دشمنی می‌ورزند؛ هرچند که فرزندان و بستگان و هم‌حزبان و طرفداران آنان باشند:

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛<sup>۱</sup>

قومی را نیابی که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند، هرچند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند، دوست بدانند؛ اینان کسانی‌اند که خداوند ایمان را در دل‌هایشان تثبیت کرده و آنان را با روحی از جانب

۱. مجادله، آیه ۲۲.

خود تأیید کرده است و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن جوی‌هایی روان است، وارد می‌کند. تا ابد در آنجا ماندگارند. خدا از ایشان خشنود و آن‌ها از او خشنودند. اینان‌اند حزب خدا. آگاه باشید که حزب خداست که رستگاران‌اند.

#### ۴. مفهوم‌شناسی فتنه

به منظور فهم بهتر پدیده «فتنه» در امور اجتماعی و سیاسی، بحث خود را با بیان پرسش‌هایی آغاز می‌کنیم که ذهن بسیاری از محققان و پژوهشگران تاریخ اسلام را به خود مشغول داشته است:

راز اختلاف‌های صحابه بعد از پیامبر اسلام ﷺ چه بود؟

روشن است که صف‌آرایی دو دشمن در مقابل یکدیگر چندان جای تعجب و سؤال ندارد و انتظاری غیر از این نیست؛ اما صف‌آرایی دو هم‌رزم و هم‌سنگر در مقابل یکدیگر و چنگ انداختن آن‌ها بر روی یکدیگر به سادگی قابل هضم نیست. اما چطور شد کسانی که مدت‌ها در رکاب پیامبر اکرم ﷺ برای پیروزی اسلام جنگیده بودند و از جان و مال خود گذشته بودند تا حق به پیروزی برسد، بعد از پیامبر اکرم ﷺ رو در روی یکدیگر صف‌آرایی کردند و به روی هم شمشیر کشیدند و خون‌های یکدیگر را ریختند؟ چرا در زمانی که انتظار می‌رفت باید با همدلی و همراهی و همفکری یکدیگر، صرفاً به ادامه انقلاب پیامبر ﷺ بیندیشند و موانع سر راه پیشرفت و توسعه اسلام را بردارند، دچار درگیری با یکدیگر شدند؟ چطور شد که آن‌همه سختی و فلاکت زمان جاهلیت را به فراموشی سپردند

و آرامش و امنیت برآمده از اسلام را قدر نشناختند؟ چرا در روزگاری که باید میوه‌های فداکاری‌ها و جانفشانی‌ها و زحمات‌های طاقت‌فرسای خود را می‌چیدند و طعم آن‌ها را به مردم می‌چشانند، قدرناشناسی کردند و بر روی همدیگر سیلی زدند؟

انتظار همگان آن بود کسانی که بیشترین زحمات را برای پیروزی اسلام کشیده بودند، برای حفظ و حراست آن بیشترین دغدغه و ایثار و گذشت را داشته باشند؛ اما تاریخ اسلام گواهی می‌دهد بسیاری از آنان چنین نکردند. پرسش اصلی این است که راز آن اختلاف‌ها و درگیری‌های صحابه در زمان حکومت امام علی علیه السلام چه بود؟ البته این پرسش صرفاً برای حل یک مسئله تاریخی نیست، بلکه با تحلیل این پرسش و بررسی جوانب مختلف آن می‌توان بسیاری از حوادث بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را به‌خوبی تحلیل کرد و با آگاهی و بصیرت بیشتری با آن‌ها برخورد نمود و وظیفه دینی و تاریخی و عقلی خود را در شرایط مشابه، بهتر و دقیق‌تر تشخیص داد.

اگر بخواهیم پاسخ این پرسش را از زبان امام علی علیه السلام بشنویم، آن حضرت با یک واژه کلیدی راز همه این اختلاف‌ها را بیان خواهد کرد: «فتنه». واژه‌ای که به کرات از سوی آن حضرت مورد استفاده قرار گرفت و مباحث مختلفی درباره آن بیان شد.

به اعتقاد امام علی علیه السلام، شرایطی که پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در جامعه اسلامی شکل گرفت، شرایط فتنه بود. مسلمانان گرفتار فتنه‌های

آشکار و نهان فراوانی شده بودند و بسیاری از آنان نتوانستند به درستی در آن فضای غبارآلود وظیفه خود را بشناسند و رفتاری شایسته از خود بروز دهند و همین هم علت العلل تنش‌های اجتماعی و درگیری‌های خونین میان مسلمانان بود.

یافتن معادلی برای واژه «فتنه» در زبان فارسی و در ادبیات سیاسی معاصر که به‌طور کامل محتوای مورد نظر آن را منتقل کند، کاری بس دشوار است. در ادبیات عرفی فارسی‌زبانان، این واژه حاوی نوعی شیطنت، حيله‌گری و آشوب و بلوا است که به‌منظور بهره‌برداری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نامطلوب از سوی برخی سودجویان به‌کار گرفته می‌شود. اما این واژه در ادبیات اسلامی دارای معانی و کاربردهای فراوانی است. این کاربردها در آیات و روایات به قدری فراوان و متنوع است که به‌سختی می‌توان با مطالعه موارد استعمال آن، معنای واحدی برای این واژه پیدا کرد. به‌عنوان مثال، در توصیف روز قیامت گفته شده است:

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ<sup>۱</sup>

در اینجا «فتنه» به معنای داغ کردن، سوزاندن، بریان کردن و امثال آن است. «روزی که گنه‌کاران روی آتش داغ می‌شوند».

در جایی دیگر آمده است:

أَتَمَّا أَمْوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ فَتَنَةٌ<sup>۲</sup>

۱. ذاریات، آیه ۱۳.

۲. انفال، آیه ۲۸.

فتنه در این آیه قطعاً به معنای سوزاندن، داغ کردن و امثال آن نیست؛ بیشتر به معنای «وسیله آزمایش و امتحان» است.

برخی دیگر از معانی فتنه عبارت‌اند از: <sup>۱</sup> «حجت و دلیل»، <sup>۲</sup> «شُرک»، <sup>۳</sup> «کفر»، <sup>۴</sup> «عذاب»، <sup>۵</sup> «قتل»، <sup>۶</sup> «صد» و <sup>۷</sup> «شدت بلا». <sup>۸</sup>

در عین حال، در معنای لغوی این واژه نوعی جداسازی جنس اصیل از اجناس تقلبی و بدلی وجود دارد. به‌عنوان مثال، وقتی که برای آزمایش اصلی یا بدلی بودن یک قطعه طلا آن را در آتش می‌اندازند و حرارت می‌دهند، می‌گویند:

فَتْنُ الذَّهَبِ بِالنَّارِ.<sup>۹</sup>

البته گاهی صرفاً به معنای ذوب کردن و سوزاندن و آتش زدن است؛ بدون آنکه معنای جداسازی و تمییز را داشته باشد. گاهی هم صرفاً به‌منظور تشخیص درجه خلوص طلا، آن را به آتش می‌اندازند. یعنی اصیل بودن آن مفروض است؛ صرفاً به‌منظور تشخیص عیار آن لازم است حرارت داده شود.

۱. ر.ک: التوحید، باب ۶۰، باب القضاء و القدر، ذیل شماره ۳۲.

۲. «ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» انعام، آیه ۲۳.

۳. «وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» بقره، آیه ۱۹۱.

۴. «و مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَنْذَنْ لِي وَ لَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنْ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» توبه، آیه ۴۹.

۵. «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ» ذاریات، آیه ۱۳.

۶. «ان خفتن ان يفتنكم الدين كفروا»

۷. «و ان كادوا ليفتنونك عن الذي اوحينا اليك»

۸. «ربنا لا تجعلنا فتنة للذين كفروا»

۹. احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ماده فتن؛ ابن منظور، لسان العرب، ماده فتن.

برخی از لغت‌شناسان در وجه جمع معانی و کاربردهای متفاوت واژه فتنه در زبان عربی گفته‌اند: ریشه همه این معانی یک چیز است و آن عبارت است از «اختلال همراه با اضطراب». هر چیزی که موجب «اختلال» و «اضطراب» شود، فتنه نامیده می‌شود. ممکن است امور فراوانی این دو را در پی داشته باشند. به همین دلیل فتنه مصادیق زیادی دارد؛ مصادیقی همچون اموال، اولاد، اختلاف در آرا، غلو، عذاب، کفر، جنون، آزمایش، آشوب اجتماعی، ابهام و تحیر در تشخیص حق و امثال آن.

فتنه نسبت به وضع سابق و نظم ظاهری موجود، امری ناپسند و شر به‌شمار می‌آید؛ زیرا متضمن اختلال و اضطراب است؛ اما نسبت به نتیجه‌ای که از آن حاصل می‌شود، خیر یا شر بودن آن به نوع مواجهه افراد یا جوامع با آن بستگی دارد.<sup>۱</sup>

در عین حال این معنای لغوی دارای لوازمی است که آرام آرام به یکی از معانی این واژه هم تبدیل شده است. لازمه در آتش قرار گرفتن انسان این است که انسان به حالت اضطراب می‌افتد. سپس این اضطراب از اضطراب بدنی و جسمی توسعه می‌یابد و اضطراب‌های روحی و باطنی را نیز در بر می‌گیرد. به همین دلیل به اضطراب‌ها و تزلزل‌های درونی، باطنی و روحی که در حوزه باورهای دینی و نظام ارزشی فرد پیدا می‌شود نیز «فتنه» گفته می‌شود.<sup>۲</sup> به تعبیر دیگر، اموری را که موجب چنین تزلزل‌ها و

۱. حسن مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۹، صص ۲۲-۲۷

۲. ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، *قرآن در آئینه نهج البلاغه*، صص ۱۰۱-۱۰۳.

اضطراب‌هایی در حوزه‌های اعتقادی، باورها و ارزش‌های فرد می‌شود، «فتنه» می‌نامند.

به امتحان و بلا و اختبار نیز به این دلیل فتنه گفته می‌شود که موجب اضطراب و تزلزل و نگرانی انسان می‌شود. به دلیل نگران بودن از نتیجه امتحان، انسان دچار اضطراب و تزلزل می‌شود. به همین دلیل به امتحان نیز فتنه گفته می‌شود.

فتنه در دین یعنی اینکه کسانی تلاش می‌کنند به شیوه‌های شیطانی و با القای شبهه‌های فکری و اعتقادی، باورهای دینی مردم را متزلزل و مضطرب کنند. آیه هفتم از سوره آل‌عمران ناظر به فتنه‌هایی است که عده‌ای با تمسک به متشابهات دینی و نادیده گرفتن محکّمات در باورهای دینی مردم ایجاد می‌کنند:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ  
مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ  
تَأْوِيلِهِ ...

در حقیقت این گروه می‌کوشند به صورت پنهان و با پوشش ایمان و در قالب تفسیر قرآن و فهم متون دینی، با اصل دین به مبارزه بپردازند. به همین دلیل بسیاری از مردم، حتی بسیاری از نخبگان، به آسانی نمی‌توانند انگیزه‌های اصلی آنان را تشخیص دهند.

فتنه‌گری در دین یکی از خطرناک‌ترین شیوه‌های مبارزه با اسلام و معارف اسلامی است و به مراتب از مبارزات فیزیکی و نظامی خطرناک‌تر



است؛ زیرا دشمن در شیوه‌های فتنه‌گری معمولاً از طریق سلاح‌های نرم و به شیوه مسالمت‌آمیز و از راه قلم و رسانه می‌کوشد تا افکار و اندیشه‌های مسلمانان را به انحراف بکشاند و خود را در چهره دوست و به‌عنوان خیرخواه مسلمانان معرفی کند. به همین دلیل بسیاری از افراد در این مواقع جای دوست و دشمن را اشتباه می‌گیرند.

البته با بررسی موارد کاربرد واژه فتنه در معنای «آزمایش»، به دست می‌آید که هر آزمایشی را فتنه نمی‌گویند، بلکه این تعبیر شامل آزمایش‌های دشوار، مبهم و پیچیده می‌شود؛ آزمون‌هایی که در آن، تشخیص راه از چاه و آب از سراب آسان نباشد. قرآن کریم می‌فرماید:

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ<sup>۱</sup>

صرف ادعای ایمان نشانه سعادتمندی فرد و رضایت‌مندی خداوند از او نیست؛ مدعیان باید بتوانند در شرایط فتنه، ادعای خود را به اثبات برسانند. از اینجا معلوم می‌شود ایمان بدون بصیرت و دین بدون سیاست، نه فقط سعادت فرد را تضمین نمی‌کند، که اصولاً مورد قبول خداوند هم نیست. مؤمنان واقعی کسانی‌اند که در شرایط فتنه می‌توانند ایمان خود را نگه دارند و کسی می‌تواند از چنان شرایطی سربلند بیرون آید که بصیرت کافی داشته باشد و شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر روزگار خود را به‌خوبی بشناسد و از مناسبت‌ها و معادلات قدرت و سیاست آگاهی داشته باشد.

۱. عنکبوت، آیات ۲ و ۳.

بحث ما در این نوشتار بیشتر به فتنه‌های سیاسی و اجتماعی ناظر است و با توضیحاتی که ارائه شد، اجمالاً می‌توان نتیجه گرفت که «فتنه» در ادبیات سیاسی اسلام، در بیشتر موارد، به آزمایش‌های پیچیده و بسیار مبهمی ناظر است که هر کسی تاب و توان موفقیت در آنها را ندارد؛ جاهایی که حق و باطل به هم درآمیزند و به هم مشتبه شوند، به گونه‌ای که به سادگی نتوان حق را از باطل تشخیص داد. در چنین مواردی است که بعضی به گمان پیروی از حق، به دنبال باطل می‌روند و عملاً در زمره مخالفان حقیقت قرار می‌گیرند؛ اما خود گمان می‌کنند که کاری نیکو انجام می‌دهند.<sup>۱</sup>

در شرایط فتنه مسائل آن‌قدر به هم آمیخته می‌شود که حتی افراد زیرک هم به سادگی نمی‌توانند تشخیص دهند که حق کدام است و باطل کدام و راه کجا و چاه کجا و آب کجا است و سراب کدام؟

شرایط فتنه شرایطی است که دو گروه که هر دو در ظاهر اهل قبله و نماز و روزه‌اند، در مقابل یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند. در چنین شرایطی تشخیص وظیفه چندان آسان نیست. مبارزه با کسانی که سوابق بسیار درخشان در اسلام دارند و از سوی پیامبر ﷺ طلحة‌الخير و سیف‌الاسلام لقب یافته‌اند، ساده نیست. مهم‌تر از این‌ها، تقابل با جبهه‌ای است که در آن یکی از همسران پیامبر ﷺ که خداوند از آنان به‌عنوان «ام‌المؤمنین» یاد

۱. قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يُحْسِنُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا؛ (كهف، آیات ۱۰۳-۱۰۵)

می‌کند، قرار دارد. ایستادگی در برابر کسانی که وقتی صدای اذان می‌آید، بلافاصله به صف نماز می‌ایستند و قرآن را واسطه قرار می‌دهند و آن را بر سر نیزه می‌کنند، بصیرت بالایی می‌طلبد. مبارزه و تقابل با کسانی که صدای قرائت قرآنشان از بسیاری افراد دلربایی می‌کند و چهره‌های مذهبی و پیشانی‌های پینه‌بسته‌شان از سجده‌های طولانی از خوف خدا نشان دارد، در نوشتن و توصیف ممکن است ساده بنمایند، اما در عمل کاری بسیار دشوار است و به بصیرت و صبوری و حقیقت‌شناسی ویژه‌ای نیاز دارد.

به تعبیر دیگر، در مرحله اول فتنه‌های سیاسی معمولاً عده‌ای در لباس خودی و با ظاهری دلسوزانه و خیرخواهانه تلاش می‌کنند تا با القای شبهه‌هایی درباره چگونگی رفتار حاکمان حقیقی و به شیوه‌ای نرم و در قالب دفاع از ارزش‌های اسلامی و بازگشت به اصول اولیه اسلام، افکار عمومی را به انحراف بکشانند و در نتیجه آرام آرام حکومت اسلامی را از درون تهی کنند. برای مبارزه با یک حکومت، گاهی به شیوه جنگ مسلحانه و از راه کودتای نظامی اقدام می‌شود و گاهی نیز با استفاده از روش توطئه و کودتای نرم و آرام. در این نوع براندازی‌ها، معمولاً با استخدام چهره‌ها و شعارهای مقدس و مورد قبول مردم سعی می‌شود تا حقیقت امر بر مردم مخفی بماند. در این مواقع معمولاً از الفاظ چندپهلوی و مبهم استفاده می‌شود. البته ممکن است بسیاری از فتنه‌های سیاسی در مرحله نهایی خود به رویارویی نظامی و جنگ مسلحانه نیز منجر شوند.

## ۵. فتنه در سخن و سیره امام علی علیه السلام

یکی از مهم‌ترین هدف‌ها و برنامه‌های امام علی علیه السلام در طول دوران پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بود که تا حد امکان جامعه اسلامی را از فروغلتیدن در آتش فتنه باز دارد. به همین دلیل همواره و به شیوه‌های گوناگون، با اموری که موجب فاصله گرفتن مردم از حقایق دینی می‌شد مبارزه می‌کرد. سعی می‌کرد از انحراف‌های عقیدتی، دینی و سیاسی تا حد امکان جلوگیری نماید. آن حضرت تا حدودی توانست با گفتار و رفتار و مشاوره‌های خود در دوران خلافت خلیفه اول و دوم این مهم را محقق کند. اما متأسفانه عملکردهای خلیفه اول و دوم و به‌ویژه خلیفه سوم شرایط را به گونه‌ای رقم زد که جامعه اسلامی به دلیل فاصله گرفتن از معارف و ارزش‌های اسلامی، رفته رفته آستن فتنه‌های بزرگ و بزرگ‌تر شد؛ تا جایی که بعد از قتل خلیفه سوم، وقتی مردم مدینه همراه با مبارزان و انقلابی‌هایی که علیه عثمان قیام کرده بودند برای بیعت با امام علی علیه السلام به خانه او ریختند، آن حضرت با اصرار فراوان کوشید تا از پذیرش مسئولیت حکومت اسلامی خودداری ورزد. ایشان دلیل تمایل نداشتن به پذیرش این مسئولیت را در آن برهه، فراگیری فتنه در جامعه اسلامی اعلام کرد:

مرا بگذارید و دیگری را به دست آرید، که ما پیشاپیش کاری می‌رویم که آن را رویه‌هاست و گونه‌گون رنگ‌هاست. دل‌ها برابر آن بر جای نمی‌ماند و خردها بر پای. همانا کران تا کران را ابر فتنه پوشیده است و

راه راست ناشناسا گردیده.<sup>۱</sup>

آن حضرت به خوبی از شرایط آن روز جامعه اسلامی آگاهی داشت. شرایط به گونه‌ای بود که فضا برای فتنه‌انگیزان و فتنه‌گران کاملاً مهیا بود. به دلیل ضعف مفرط فرهنگی و غفلت از آموزه‌های اصیل اسلامی در دوران پس از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بسیاری از مسلمانان تصور درستی از تعالیم اسلامی و اهداف حکومت اسلامی نداشتند. اشخاص، معیار شناخت حقیقت بودند و نه حقیقت، معیار سنجش افراد. قشری‌گری و تحجر در میان پاره‌ای از صحابه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اوج رسیده بود. دنیاطلبی و ریاست‌طلبی، پاره‌ای از صحابه مشهور و ذی نفوذ را از دیدن حقیقت کور کرده بود. آن حضرت به وضوح از تلاش‌های آشکار و نهانی که *طلحه*، *زبیر* و *عایشه* از سال‌ها قبل برای قتل عثمان و از میان برداشتن او و در نتیجه به دست آوردن حکومت می‌کردند، آگاهی داشت و به خوبی می‌دانست درخت فتنه در جامعه اسلامی ریشه دوانیده و آمادهٔ ثمردهی است. به همین دلیل از همان روز نخست، در این زمینه به روشنگری پرداخت و در طول مدت خلافت خود نیز یک روز از مبارزه با فتنه‌گران بازنايستاد.

امام علی عَلِيٌّ دربارهٔ فتنه، سخنان فراوانی دارد. ایشان در جای جای نهج‌البلاغه دربارهٔ این موضوع، مطالب بسیار مهمی را بیان کرده است؛ از توصیف شرایط فتنه و تبیین بسترهای اجتماعی ایجاد فتنه گرفته تا افشاگری دربارهٔ شگردهای فتنه‌گران و تحلیل عوامل اجتماعی، دینی و

۱. نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۹۲، ص ۸۵.

روانشناختی پیدایش فتنه و پیامدهای فردی و اجتماعی وقوع فتنه و در نهایت راهکارها و روش‌های مقابله با فتنه‌ها.

دربارهٔ هریک از موضوع‌های کلان بالا مطالب فراوانی در نهج‌البلاغه یافت می‌شود. افزون بر این، آشنایی با سیرهٔ آن امام عزیز در مواجهه با فتنه‌هایی همچون سقیفه، جمل، صفین و نهروان می‌تواند برای همهٔ حاکمان اسلامی در همهٔ روزگاران چراغ روشنی‌بخشی برای برون‌رفت از تاریکی‌های فتنه باشد. در ادامهٔ این نوشتار می‌کوشیم چارچوبه‌ای از این بحث را با محوریت سخن و سیرهٔ امام علی علیه السلام ارائه دهیم.

فصل دوم: توصیف شرایط  
و موقعیت‌های فتنه‌خیز





... ان الفتن اذا اقبلت شبهت و اذا ادبرت نبهت. يُنكرن مقبلات و يُعرفن مدبرات. يَحْمَنَ حَوَمَ الرِّيحِ يُصَيِّنَ بِلْدًا و يُخْطِنُ بِلْدًا. اَلَا و انَّ اَخْوَفَ الْفِتَنِ عِنْدِي عَلَيْكُمْ فِتْنَةُ بَنِي اَمِيَةٍ فَاِنَّهَا فِتْنَةٌ عَمِيَاءٌ مُظْلَمَةٌ: عَمَّتْ خُطُوبُهَا و خَصَّتْ بَلِيَّتُهَا و اصابَ البلاءَ مَنْ ابصرَ فيها و اخطأَ البلاءَ مَنْ عميَ عنها ...<sup>۱</sup>

فتنه‌ها هنگامی که روی می‌آورند شبیه حق می‌باشند و آنگاه که می‌روند و به پایان می‌رسند، حقیقت خود را می‌نمایانند و هوشیار می‌سازند. ناشناخته می‌آیند و شناخته شده می‌روند. همچون گردباد می‌گردند و شهری را ویران می‌کنند و شهری را وامی‌گذارند. آگاه باشید که نزد من، بیمناک‌ترین فتنه‌ها برای شما فتنه بنی‌امیه است؛ زیرا که آن، فتنه‌ای کور و تاریک است. همگان را در بر می‌گیرد و مصیبتش خاص مؤمنان است و گرفتاری‌اش به کسانی می‌رسد که از آن آگاهی دارند و بی‌خبران را آسیبی نمی‌رساند.

### ۱. مشتبه‌سازی حق و باطل

یکی از ویژگی‌های فتنه این است که حق و باطل را با هم مشتبه می‌سازد. سران فتنه با ترفندهای مختلف و با استفاده از ابزارهای تبلیغی و رسانه‌ای و با بهره‌برداری از نفوذی که در افکار عمومی دارند و بعضاً با

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۹۳، ص ۸۶ و ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، ج ۱، صص ۹ و ۱۰.

استخدام چهره‌های موجّه و مقبول اجتماعی، سیاسی و دینی، تلاش می‌کنند امور باطل را حق جلوه دهند. به همین دلیل امام علی علیه السلام یکی از ویژگی‌های فتنه را چنین معرفی می‌کند که با شبهه وارد می‌شود. فتنه بر بستر شبهه و ابهام می‌روید. فتنه‌انگیزان از فضاهای شبهه‌آلود و مبهم بیشترین بهره را می‌برند. آن حضرت در جاهای دیگر نیز همگان را توصیه می‌کند که از شبهه‌ها دوری کنند؛ زیرا شبهات زمینه‌ساز فتنه و وسیله‌ای برای گمراهی مردم‌اند:

از شبهه دوری کنید؛ زیرا شبهه به قصد فتنه و گمراه کردن ساخته شده است.<sup>۱</sup>

آن حضرت ضمن نامه‌ای خطاب به معاویه می‌نویسد:  
از شبهه و آمیختگی آن به حق و باطل بپرهیز؛ زیرا دیر زمانی است که فتنه پرده بر خود افکنده و تیرگی‌های آن دیده‌ها را پوشانده است.<sup>۲</sup>

## ۲. آغازی ناشناخته و پوشیده

یکی دیگر از ویژگی‌های فتنه این است که به صورت ناشناخته می‌آید:  
*يُنْكِرُنْ مَقِيلَاتٍ*

بسیاری از مردم متوجه آن نمی‌شوند. کسانی هم که دورنمایی از آن دارند، ویژگی‌ها و چگونگی آن را به درستی نمی‌دانند. همچون جنین می‌ماند که کسی از سلامت یا نقصان او و همچنین از جنسیت و سایر

۱. محمد محمدی ری شهری، *میزان الحکمه*، حدیث ۹۱۰۲.

۲. *نهج البلاغه*، نامه ۶۵، ص ۳۵۰.

ویژگی‌های جسمانی‌اش خبر ندارد. بسیار پوشیده و پنهان است. از راه‌های پنهان وارد می‌شود:

تَبْدَأُ فِي مَدَارِحِ خَفِيَّةٍ.

از راه‌هایی وارد می‌شود که بسیاری از مردم در نگاه اول به آن‌ها حساسیتی نشان نمی‌دهند؛ در نتیجه آرام آرام اهداف خود را پیگیری می‌کند. رشدی بسیار آرام دارد؛ تا آنجا که گمان می‌رود اصلاً وجود ندارد. فتنه‌انگیزان به صورت آرام، سنگرهای اجتماعی و دینی را یک به یک فتح یا سنگرنشینان را با خود همسو می‌کنند یا دست‌کم آنان را از هدف پنهانی خود مغفول می‌سازند.

فتنه‌ها در آغاز به صورتی جذاب و زیبا هم آراسته می‌شوند. همچون جوانی می‌مانند که قد و قامت زیبا و رعنا و او مردم را به خود مشغول داشته و آنان را از باطن و درون ناپاک و آلوده‌اش غافل کرده است.

به تعبیر امام علی علیه السلام:

شَبَابُهَا كَشَبَابِ الْغَلَامِ وَ آثَارُهَا كَأَثَارِ السَّلَامِ؛

آغازش چون عنفوان جوانی، خوش و دلربا؛ آثارش چون نشانه‌هایی که از ضربتِ سنگ بر جای ماند، زشت و نازیبا.<sup>۱</sup>

فتنه، نفاق، فتنه‌گر و منافق از هم جدایی‌ناپذیرند. فتنه‌گران و منافقان هرچند در حقیقت دشمن اهل ایمان‌اند؛ اما در قالبِ دوست می‌آیند. پوشیده و پنهان حاضر می‌شوند. بسیاری از مردم عادی متوجه نمی‌شوند که اینان

۱. همان، خطبه ۱۵۱، ص ۱۴۷.

دشمن‌اند و لذا نمی‌توانند رفتاری متناسب با رفتار یک دشمن را با آنان تنظیم نمایند. به همین دلیل، ابتکار عمل در دست آنان است. فتنه‌گر دنبال فرصتی است که ضربه نهایی را وارد سازد.

بعد از آنکه گرد و غبار فتنه فرو نشست، تازه برای بعضی افراد ابعاد مختلف آن دانسته می‌شود و حقایق برای مردم آشکار می‌گردد:

يُعْرِفُنْ مُدْبِرَاتِ.

بعد از آنکه مردم آثار فتنه را چشیدند و پیامدهای آن را با همه وجود خود لمس کردند، آرام آرام متوجه تحقق آن می‌شوند.

### ۳. فضای گردبادی

امام علی علیه السلام در توصیف شرایط فتنه، ضمن تشبیه آن به فضای گردبادی، می‌فرماید:

يُخْمِنُ حَوَمَ الرِّيحِ، يُصِبْنَ بِلَدَاً وَيُحِطِّنَ بِلَدَاً؛

همچون گردباد می‌گردند و شهری را ویران می‌کنند و شهری را وامی‌گذارند.

بسیاری از افراد به هنگام برخاستن گردباد و گرفتار آمدن در فضای کاملاً تاریک و غبارآلود آن، هوش و حواس خویش را از دست می‌دهند و اندیشه خود را به درستی نمی‌توانند به کار گیرند. به همین دلیل ممکن است در جهتی صد در صد خلاف هدف اصلی به راه افتند و به دلیل تیره و تار بودن فضا، حتی اگر کسی از بیرون گردباد به آنان بگوید که مسیر خود را اشتباه می‌روند، اصلاً نمی‌شنوند و اگر هم بشنوند، نمی‌توانند تصمیم درستی

اتخاذ کنند. این درست شبیه فضای فتنه است. در فضای فتنه نیز اشخاص به درستی نمی‌توانند تصمیم بگیرند و ممکن است ناخواسته در جهتی خلاف هدف اصلی حرکت کنند.

وجه دیگر این تشبیه این است که همان‌گونه که گرفتارشدگان در فضای گردبادی اختیار خود را از کف می‌نهند و همچون پر کاهی می‌مانند که به هر جا دلخواه گردباد باشد، می‌روند؛ فتنه‌زدگان نیز چنین حالتی دارند. عملاً افسار حرکت آنان در اختیار فضای غبارآلودی است که فتنه‌انگیزان ایجاد کرده‌اند. هر کجا که دلخواه سران فتنه باشد، حرکت خواهند کرد. همان‌گونه می‌اندیشند که ارباب فتنه می‌خواهند و به سویی می‌روند که از قبل برایشان تدارک دیده شده است.

وجه دیگر این تشبیه این است که فتنه نیز همچون گردباد است که اختیار آن در دست کسی نیست. حتی در اختیار مبدأ گردباد هم نیست. وقتی گردباد فتنه در فضای جامعه به حرکت درآید، کنترل آن حتی در اختیار فتنه‌گران نخواهد بود. زمان، مکان و چگونگی تأثیرگذاری آن در اختیار کسی نیست. ممکن است نتایجی به بار آورد که مراد فتنه‌گران نبوده است و ممکن است آنچه فتنه‌گران می‌خواستند، محقق نشود.

به تعبیر امام علی علیه السلام:

يَصْبِنُ بَلَدًا وَ يَحْطِنُ بَلَدًا.

حتی ممکن است منافع خود فتنه‌گران را نیز تهدید کند؛ زیرا همان‌طور که ابزاری برای کنترل گردباد وجود ندارد، برای کنترل چگونگی و میزان

تأثیرگذاری فتنه نیز ابزاری در دست نیست.

#### ۴. آسیب‌زننده آگاهان

آگاهان از فتنه و آگاهی‌دهندگان از آن، بیشترین آسیب را از فتنه و فتنه‌گران می‌بینند و ناآگاهان از فتنه از شرّ فتنه‌گران در امان‌اند.  
اصابَ البلاءُ مَنْ ابصرَ فيها وَ اخطأَ البلاءُ مَنْ عميَ عنها.

فتنه‌گران در ابتدا می‌کوشند «شخصیت» یا حتی «شخص» کسانی را که از پشت پرده افکار، اندیشه‌ها و نقشه‌های آنان آگاه‌اند ترور کنند و از سر راه خود بردارند. به همین دلیل کسانی که از فتنه‌ها آگاهی دارند و درباره آن‌ها هشدار می‌دهند، مورد غضب ارباب فتنه قرار می‌گیرند. شاید معنای این سخن که مؤمنان در آتش فتنه می‌سوزند و غیر مؤمنان از آن به سلامت عبور می‌کنند<sup>۱</sup> همین باشد. زیرا کسی که ایمان واقعی دارد و با بصیرت ایمانی خود فتنه‌ها را شناسایی می‌کند و در مقابل آن‌ها می‌ایستد، بیشتر از دیگران مورد غضب فتنه‌گران واقع می‌شود و از آنان آسیب می‌بیند.

#### ۵. فروخورنده فتنه‌گران

فتنه‌گران عموماً گمان می‌کنند آتش فتنه صرفاً خرمن مخالفانشان را می‌سوزاند و به خود آنان آسیبی وارد نمی‌کند. در حالی که فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان خود هیزم آتش فتنه خواهند شد:

۱. غررالحکم، حدیث ۶۶۸۵: «قد لعمری یهلك في هب الفتنة المؤمن و یسلم فيها غیر المسلم».

مَنْ شَبَّ نَارَ الْفِتْنَةِ كَانَ وَقُودًا لَهَا.<sup>۱</sup>

این بدان دلیل است که فتنه‌ها همچون گردبادند که اختیار آن‌ها از دست گردانندگانشان خارج می‌شود و به همین دلیل منافع خود آنان را نیز با خود می‌برد.

### ۶. شخصیت محوری به جای حقیقت محوری

یکی دیگر از شرایط فتنه‌خیز، شخصیت محوری به جای حقیقت محوری است. در هر جامعه‌ای که افراد و اشخاص معیار حقیقت قرار گرفتند، باید منتظر فتنه بود. جایی که بر اساس سوابق افراد و عملکرد گذشته آنان بخواهیم درباره وضعیت فعلی آنان داوری کنیم، ممکن است نتوانیم به حقیقت دست یابیم؛ زیرا شخصیت افراد در این مواقع راهزن اندیشه و فکر انسان می‌شود. تمرکز بر گذشته افراد و بزرگ‌نمایی پیشینه آنان مانع دیدن وضعیت فعلی و پیشینی آینده آنان خواهد شد.

نگاهی به فتنه‌های دوران امام علی علیه السلام این حقیقت را آشکار می‌سازد. شخصیت‌زدگی و حقیقت‌ناشناسی برخی افراد تا آن حد بود که در جنگ جمل عده‌ای از یاران امام علی علیه السلام وقتی در سپاه روبه‌رو افراد خوش سابقه‌ای چون طلحه و زبیر و شخصیتی چون عایشه را دیدند، در حقانیت جنگ با آنان به تردیدی جدی افتادند. این تردید فقط مربوط به تازه‌مسلمانان و ناآگاهان از مبانی اسلامی و ارزش‌های دینی نبود؛ بلکه حتی برخی از

۱. همان، حدیث ۹۱۶۳.

صحابه بزرگ پیامبر ﷺ هم نتوانستند این مسئله را برای خود هضم کنند؛ تا جایی که صحابی جلیل‌القدری چون خزیمه بن ثابت، هر چند در رکاب امام علی علیه السلام به صحنه نبرد آمد، اما شمشیر خود را از نیام بیرون نکشید و هرگز به خود اجازه مبارزه با اصحاب جمل را نداد.<sup>۱</sup>

همین مسئله در فتنه صفین نیز نقش آفرینی کرد. سطحی‌نگری و شخصیت‌محوری، برخی از یاران امام علی علیه السلام را در حقانیت جنگ با معاویه و یارانش به تردیدی جدی افکنده بود. اگر حضور شخصیتی مانند عمار در سپاه امام علی علیه السلام نبود، شخصیتی که پیامبر ﷺ درباره او گفته بود به دست گروه ستمکار کشته می‌شود، به یقین گروهی از سربازان امام علی علیه السلام از همان ابتدای کار آن حضرت را تنها می‌گذاشتند. وقتی شخصیتی همچون خزیمه در حقانیت مبارزه با معاویه و نیروهای ستمگر و طاغی او تردید می‌کند و منتظر سرنوشت عمار می‌ماند تا پس از آن گروه طغیان‌گر را بشناسد،<sup>۲</sup> از تازه‌مسلمانان و کسانی که آن سختی‌های صدر اسلام را ندیده بودند و تلخی‌های زمان مبارزات اولیه را نچشیده بودند، چه انتظاری می‌توان داشت؟

در میان مخالفان امام علی علیه السلام نیز همین مسئله (شخصیت‌محوری) وجود داشت و سران فتنه توانسته بودند از این روحیه مردم به سود خود استفاده

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۵۹؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۳، ص ۶۳۲؛ الموفق بن

احمد الخوارزمی، المناقب، ص ۱۹۱.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۵۹.



کنند. وقتی گروهی از اصحاب جمل همواره می‌کوشیدند در اطراف شتر عایشه حرکت کنند و تمام هم و غمشان این بود که اندکی از فضولات شتر عایشه را به دست آورده و بر بدن خود بمالند و با افتخار بگویند «از سرگین شتر مادرمان بوی مشک برمی‌خیزد!»<sup>۱</sup> یا زمانی که سپاهیان معاویه حاضر می‌شوند به دستور او نماز جمعه را روز چهارشنبه به جای آورند!<sup>۲</sup> چگونه می‌توان انتظار داشت که اسیر فتنه قدرت طلبان و هواپرستانی چون طلحه و زبیر و حیلہ‌گری چون معاویه نشوند؟

شخصیت‌زدگی و حقیقت‌ناشناسی در فتنه‌های زمان امام علی علیه السلام به حدی بود که حتی سال‌های بعد، یعنی بعد از فرونشستن غبارهای فتنه، تشخیص حقیقت برای برخی از افراد دشوار بود. گفته شده است اصطلاح «مُرَجئه» که بعدها بر یکی از فرقه‌های اسلامی اطلاق شد که ایمان را صرفاً امری لفظی و زبانی می‌دانستند، نخستین بار در مورد نوه امیرمؤمنان علیه السلام، کسی به نام حسن بن محمد بن حنفیه<sup>۳</sup>، به کار رفت. به این دلیل که وی معتقد بود حقیقت درباره خلیفه اول و دوم روشن است، اما درباره خلیفه سوم و درباره علی علیه السلام و طلحه و زبیر و اینکه حق با کدامیک بود، باید از قضاوت خودداری کرد و امر آنان را به خدا واگذار نمود؛ وظیفه ما آن است که آنان را نه دوست داشته باشیم و نه دشمن؛ تا در روز قیامت معلوم شود که حق

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۵۳۰ و ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۱.

۳. که در سال ۹۵ یا ۹۹ هجری در روزگار عمر بن عبدالعزیز از دنیا رفت.

با کدام یک بوده است.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام چه زیبا این حقیقت را برملا کرد. آن حضرت در تحلیل روان‌شناسانه «حیرت» برخی از یاران خود و در پاسخ کسانی که واقعاً و از روی جدّ این پرسش ذهنشان را می‌آزرد که چگونه ممکن است *طلحه*، *زبیر* و *عایشه* در جبهه باطل باشند، فرمود: مشکل شما این است که می‌خواهید حقیقت را با اشخاص بشناسید. شما اشخاص را معیار حقیقت و بطلان قرار می‌دهید، نه حقیقت را معیار سنجش عملکرد افراد. به همین دلیل دچار چنین حیرت کشنده‌ای شده‌اید و بذر تردید در جان شما رخنه کرده است. برای داوری درباره افراد باید حق و باطل را شناخت و بعد آن را مقیاسی برای سنجش افراد قرار داد:

أَنْتَ لِمَلِيئِمْ عَلِيكَ. إِنَّ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ لَا يُعْرَفَانِ بِأَقْدَارِ الرِّجَالِ. إِعْرِفِ الْحَقَّ  
تَعْرِفِ أَهْلَهُ وَاعْرِفِ الْبَاطِلَ تَعْرِفِ أَهْلَهُ؛<sup>۲</sup>

به راستی که امر بر تو مشتبه شده است؛ حق و باطل با میزان شخصیت افراد شناخته نمی‌شوند. حق را بشناس تا اهل حق را نیز بشناسی و باطل را بشناس تا اهل باطل را نیز بشناسی.

۱. ابن کثیر، *البدایه و النهایه*، ج ۹، ص ۱۴۰. البته برخی از محققین این رفتار نوه امام علی علیه السلام را چنین توجیه کرده‌اند که او در روزگاری می‌زیست که ناسزاگویی به آن امام مظلوم در منابر شایع بود؛ اما او با استفاده از این شگرد می‌خواست حتی‌الامکان بعضی را از ناسزاگویی به آن حضرت باز دارد. (جعفر سبحانی، *بحوث فی الملل و النحل*، ج ۳، صص ۶۸ و ۶۹)

۲. ر.ک: مرتضی مطهری، *جاذبه و دافعه علی*، ج ۱۶، صص ۳۰۸-۳۱۰، همو، *سیری در نهج البلاغه*، ص ۳۶۵.

\_\_\_\_\_ فصل سوم: بسترهای اجتماعی ایجاد  
\_\_\_\_\_ فتنه



امام علی علیه السلام بعد از پیروزی بر سپاه جمل، در جمع مردم بصره در حال سخنرانی بود و دربارهٔ انگیزه‌های درونی برخی از سران این فتنه روشنگری می‌کرد. از اهمیت ایمان و نشانه‌های آن و دربارهٔ ارزش امر به معروف و نهی از منکر سخن می‌گفت. ناگهان مردی که گویا حیرتی کشنده در جان او رخنه کرده بود، از میان جمعیت برخاست و درخواست کرد: ای امیر مؤمنان! از فتنه برای ما سخن بگو. آیا دربارهٔ این موضوع از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسیده‌ای؟ امام در پاسخ این مرد فرمود: آری. زمانی که آیات اولیهٔ سورهٔ عنکبوت، که از حتمیت آزمایش مؤمنان خبر می‌داد، نازل شد،<sup>۱</sup> از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این موضوع و چگونگی و زمان آن پرسش کردم؛ زیرا می‌دانستم تا زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان ما است، امت اسلامی دچار فتنه نخواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ فرمودند: امت اسلامی در آینده‌ای نزدیک دچار فتنه‌های پیچیده و شکننده‌ای خواهد شد؛ فتنه‌هایی بسیار گسترده که همهٔ جوانب زندگی آنان را در بر می‌گیرد. امت اسلامی آزمون‌های دشواری در پیش دارد. آزمایش‌ها و فتنه‌های سختی در امور مالی و اقتصادی، دین‌داری و دین‌شناسی، روابط اداری و حکومتی و امثال آن رخ خواهد داد:

۱. «أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ...»، عنکبوت، آیات ۲ و ۳.

يا عليُّ، انَّ القومَ سيُفتنونَ باموالهم و يَمُنُّونَ بدينهم علي ربهم و يَتَمَنُّونَ رحمتَه و يَأْمَنُونَ سَطْوَتَه و يَسْتَحِلُّونَ حرامَه بالشيئاتِ الكاذبَةِ و الالهوائِ الساهيةِ فَيَسْتَحِلُّونَ الحَمْرَ بالبيذ و السُّخْتِ بالهديةِ و الرباَ بالبيعِ؛<sup>۱</sup>

ای علی! دیری نباید که امت اسلامی با اموالشان دچار فتنه می‌شوند. آنان با دین‌داری خود بر خدا منت می‌گذارند و رحمتش را آرزو می‌کنند و خود را از قهر الهی مصون می‌پندارند و با شبهات دروغین و هوس‌های غافلانه حرام او را حلال می‌سازند، شراب را به نام آب انگور و رشوه را به اسم هدیه و ربا را به عنوان معامله مباح می‌شمارند.

با توجه به فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به امام علی عَلَيْهِ السَّلَام درباره فتنه، می‌توان برخی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی ایجاد فتنه را به شرح زیر توضیح داد:

### ۱. ثروت‌گرایی و مال‌پرستی

یکی از اموری که بستر لازم را برای فتنه‌انگیزی و موفقیت فتنه‌گران در جامعه اسلامی فراهم می‌کند، شیوع شهوت ثروت و پول در میان مردم است. ثروت‌گرایی، مال‌پرستی و رفاه‌زدگی نه فقط زمینه و بستر فتنه را در جامعه ایجاد می‌کند، که از جمله مهم‌ترین عوامل فروپاشی و اضمحلال جوامع است. قرآن کریم سنت الهی درباره امت‌های پیشین را خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین بیان می‌کند:

ما امت‌های گذشته را با هدف هدایت، به وسیله سختی‌ها آزمایش کردیم؛ اما آنان از آزمایش‌های دوران سختی ناموفق بیرون آمدند و مردود شدند؛

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶، ص ۱۵۶.

به همین دلیل درهای نعمت خود را بر روی آنان گشودیم و آنان در دوران خوشی نیز توجهی به خدا و هدف حقیقی نکردند و نتیجه آن شد که در حال نعمت و رفاه کامل، جامعه آنان را مضمحل کردیم و از بین بردیم.<sup>۱</sup>

در جایی دیگر می‌فرماید:

چه بسیار جوامعی که بر اثر فراوانی نعمت و به دلیل مستی حاصل از خوشی‌ها به نابودی کشیده شدند:

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فِتْلِكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ<sup>۲</sup>

و چه بسیار از شهرهایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند، هلاک کردیم. این خانه‌های آنها است که (ویران شده و) بعد از آنان جز اندکی، کسی در آنها سکونت نکرد و ما وارث آنان بودیم.

پیامبر اکرم ﷺ نیز در سخنی که امام علی علیه السلام در پیشبینی حوادث آینده

از او نقل می‌کند، فتنه مالی را به‌عنوان نخستین مسئله ذکر کرده است:

سيفتنون بامواهم.

آن حضرت در سخن دیگری فرموده‌اند که هر امتی به گونه‌ای دچار

فتنه می‌شود؛ فتنه امت اسلامی هم فتنه مالی است:

ان لكل امة فتنه و فتنه امتي المال.<sup>۳</sup>

بررسی تاریخی نیز نشان می‌دهد که منشأ بسیاری از فتنه‌های بعد از

پیامبر ﷺ، ثروت‌گرایی، تجمل‌خواهی و مال‌پرستی بود. جامعه اسلامی بعد

۱. انعام، آیات ۴۲-۴۴.

۲. قصص، آیه ۵۸.

۳. محمد محمدی ری شهری، میزان‌الحکمه، حدیث شماره ۱۵۷۲۵.

از پیامبر ﷺ از نظر اقتصادی و سطح رفاه مردم رشد چشم‌گیری داشت. اموال و ثروت‌های زیادی در اثر فتوحات اسلامی و فعالیت‌های اقتصادی در اختیار مسلمانان قرار گرفت. این امر فی‌نفسه اشکالی ندارد و بلکه ایجاد رفاه و تلاش در جهت بهبود وضع اقتصادی مردم یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی است؛ اما اگر ثروت‌ها و امکانات اقتصادی عادلانه توزیع نشود و در توزیع امکانات عدالت برقرار نگردد — که متأسفانه بعد از پیامبر ﷺ تا زمان حکومت امام علی علیه السلام این‌گونه بود — موجب ایجاد شکاف طبقاتی می‌شود و بستری مناسب برای ایجاد فتنه در جامعه خواهد بود. به همین دلیل امام علی علیه السلام در خطبه‌ای دیگر که تماماً بر محور بحث فتنه می‌چرخد، به مردم تذکر می‌دهد که از مستی نعمت‌ها برحذر باشند و مبدا نعمت‌های فراوان موجب فتنه‌زدگی یا فتنه‌گری‌شان شود:

ثم انکم معشر العرب اغراض للبلایا قد اقتربت فاتقوا سكرات النعمة.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره امت اسلامی از «فتنه خوشی» بیشتر از نگرانی آن حضرت از «فتنه سختی» است. تجربه هم نشان داده بود که امت اسلامی در مقابل فتنه سختی‌ها، سربلند بیرون آمده است؛ لذا نگرانی حضرت مربوط به فتنه در روزگار خوشی و نعمت است:

لأنا لفتنة السراء اخوف اليكم من فتنة الضراء انكم ابتليتم بفتنة الضراء فصبرتم  
و ان الدنيا حلوة خضرة!

۱. همان، حدیث شماره ۱۵۷۲۶.



نگرانی من از فتنه خوشی برای شما بیشتر از نگرانی‌ام از فتنه سختی است؛ چرا که شما از قبل به فتنه سختی مبتلا شدید و صبر کردید اما دنیا شیرین و فریبا است.

اگر نیم‌نگاهی به زندگی سران فتنه در دوران امام علی علیه السلام بیندازیم، این حقیقت را خواهیم دید که انگیزه بسیاری از آنان انگیزه مالی بوده است. مطالعه تاریخ زندگی کسانی همچون *زید بن ثابت* (از حزب قاعدین)<sup>۱</sup>، *ابوموسی اشعری* (از گروه مقدس مآبان تهی مغز)، *طلحه بن عبیدالله* و *زبیر بن عوام* (از سران حزب ناکثین)<sup>۲</sup> و حتی برخی از سران حزب مارکین و نهروانیان ظاهراً دین‌گرا نشان می‌دهد که انگیزه مالی یکی از مهم‌ترین علل مخالفت آنان با حکومت علوی بود.<sup>۳</sup> می‌دانیم که اینان همگی از صحابه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. فتنه‌های سخت و آزمایش‌های مربوط به دوران فشار و گرفتاری و مصیبت را با موفقیت گذرانده بودند. برخی از اینان

۱. ر.ک: طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۴۵۲؛ و ابن اثیر *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۳۰۳. مسعودی در کتاب *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۳۴۲ می‌گوید: بعد از مرگ زید بن ثابت، شمش‌های طلا و نقره او را با تبر جدا می‌کردند و ...!

۲. ابن شبه در کتاب *تاریخ المدینه المنوره*، ج ۳، صص ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ می‌گوید: طلحه بن عبیدالله در سایه بذل و بخشش‌های خلیفه سوم به یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران آن روزگار تبدیل شده بود؛ ابن سعد در *الطبقات الکبری*، ج ۳، ص ۱۱۰ می‌گوید: زبیر بن عوام نیز دارای یک زندگی فوق‌العاده تجملاتی و اشرافی بود.

۳. این حقیقت را می‌توان از گفت‌وگوی مالک اشتر با آنان، که نصر بن مزاحم منقردی در کتاب *وقعه صفین*، ص ۱۰۲ آن را نقل کرده است، به خوبی به دست آورد. مالک در آن گفت‌وگو خطاب به آنان می‌گوید: «ای گروه پیشانی‌سیاه! گمان می‌کردیم نماز شما از سر بی‌رغبتی به دنیا و شوق به لقاء الله است؛ در حالی که اکنون می‌بینیم از مرگ گریزان و به سوی دنیا شتابانید.»

فداکاری‌های کم‌نظیری برای پیشبرد اسلام و هدف‌های اسلامی از خود نشان داده بودند. بعضی از آنان دوران سخت شعب ابی‌طالب را تجربه کرده بودند. اما متأسفانه رفته رفته از آن زهد اولیة اسلامی فاصله گرفتند. هدف اصلی حکومت اسلامی، یعنی برقراری قسط و عدل را به فراموشی سپردند و غرق در دنیاپرستی و ثروت‌اندوزی شدند. کاخ‌های آنچنانی و شمش‌های طلا و نقره‌ای که با بار شتر جابه‌جا می‌کردند آنان را اقناع نمی‌کرد. سبقت در اسلام و خدمات اولیة خود به اسلام را دلیلی برای بهره‌مندی بیشتر از اموال بیت‌المال می‌دانستند. چه استدلال عجیبی! اینان مدعی بودند چون سابقه بیشتری در اسلام دارند، پس باید حق بیشتری هم از بیت‌المال داشته باشند. هرچند که این زیاده‌خواهی‌های مالی به قیمت گرسنگی تعداد زیادی از مردم تمام شود! و چون می‌دیدند که امام علی علیه السلام به این خواسته‌های نامشروع و ناعادلانه تن نمی‌دهد، ولایت او را نپذیرفتند و به فتنه‌انگیزی علیه حکومت آن حضرت پرداختند.

## ۲. دین‌داری غیر عالمانه

یکی دیگر از اموری که اگر در جامعه‌ای شیوع پیدا کند، بستر لازم برای ایجاد فتنه را فراهم می‌سازد، ضعف در دین‌شناسی و دین‌داری است. به هر اندازه که تعداد ناآگاهان از حقایق دینی در جامعه افزایش یابد، به همان اندازه باید منتظر وقوع فتنه بود. این نوع فتنه ممکن است در نگاه اول از سنخ فتنه‌های سیاسی و اجتماعی نباشد، اما چنان فتنه‌هایی را در پی خواهد

داشت. دین‌دارانی که با انجام دادن اعمال دینی، خود را طلبکار خدا می‌دانند و بر خدا منت می‌گذارند که به او اعتقاد دارند و احیاناً به دستورات او عمل می‌کنند و با وجود این، منتظر دریافت رحمت الهی هستند و خود را از دایره قهر و غضب او در امان می‌دانند، فتنه‌گرانی هستند که جامعه اسلامی را به انحراف می‌کشانند:

يَمْنُونُ بِدِينِهِمْ عَلَي رُكْبِهِمْ وَيَتَمَنُونَ رَحْمَةً وَيَأْمَنُونَ سَطْوَةً.

این نوع دین‌شناسی منشأ پیدایش تفکر مُرَجئه شد.<sup>۱</sup> اینان کسانی بودند که گمان می‌کردند ایمان صرفاً امری قلبی و زبانی است. اگر کسی به زبان اظهار ایمان کند و قلباً نیز مؤمن باشد، هرچند به مقتضای دستورات خدا عمل نکند، مؤمن است و مستحق بهشت. به همین دلیل اینان گمان می‌کردند که هیچ گناهی مانع از نجات و سعادت انسان‌های مؤمن نخواهد شد. روشن است که چنین تفکری و چنین برداشتی از دین و دین‌داری چه آثار مخربی بر اخلاق و رفتار اجتماعی مردم خواهد گذاشت.<sup>۲</sup>

به هر حال، امام علی علیه السلام در سخنی حکیمانه ارتباط میان فتنه‌انگیزی و ضعف در دین‌شناسی را به این صورت بیان می‌کند:

يَأْتِي عَلَي النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقِي فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَ  
مَسَاجِدُهُمْ يُؤَمِّدُ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى، سِكَانُهَا وَ عِمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ  
الْأَرْضِ، مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ يَرُدُّونَ مَنْ شَدَّ عَنْهَا فِيهَا وَ

۱. البته فرقه مرجئه سال‌ها بعد به شکل رسمی پدید آمد (ر.ک: جعفر سبحانی، بحوث فی الملل والنحل، ج ۳، صص ۶۵-۹۷)

۲. برای توضیح بیشتر، ر.ک: علی ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، صص ۲۷۵-۲۷۸.

یسوقون من تأخر عنها إليها يقول الله سبحانه: «فِي حَلْفَتُ لَأَبْعَثَنَّ عَلِيَّ أَوْلَىكَ  
فِتْنَةً أَتْرُكُ الْحَلِيمَ فِيهَا حَيْرَانٌ»...»<sup>۱</sup>

مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام  
آن. در آن روزگار بنای مسجدهای آنان از بنیان آبادان است و از رستگاری  
ویران. ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین‌اند. فتنه از  
آنان خیزد و خطا با آنان درآویزد. آن که از فتنه به کنار ماند بدان بازش  
گردانند و آن که از آن پس افتد به سویش برانند. خدای تعالی فرماید: به  
خدا سوگند، بر آنان فتنه‌ای بگمارم که بردبار در آن سرگردان ماند...

### ۳. شبهه افکنی‌های بی‌مبنا

یکی دیگر از اموری که می‌تواند جامعه اسلامی را به سوی فتنه سوق  
دهد و زمینه‌های فرهنگی و روانی وقوع فتنه را فراهم سازد، شبهه افکنی‌های  
بی‌مبنا و دروغین در مسائل دینی است. نتیجه شیوع شبهه در جامعه،  
بی‌توجهی به ارزش‌ها و احکام دینی خواهد بود. به تعبیر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،  
شبهه‌های بی‌مبنا و خواسته‌های غفلت‌آفرین موجب می‌شود که حرام خدا  
حلال و حلال خدا حرام دانسته شود:

يَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشَّهَاتِ الْكَاذِبَةِ وَالْأَهْوَاءِ السَّاهِيَةِ.

در مباحث آینده در این باره با تفصیل بیشتری سخن خواهیم گفت.

### ۴. روابط ناسالم اداری و حکومتی

یکی دیگر از مسائلی که در گفتار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به‌عنوان زمینه‌ساز فتنه در

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۹، ص ۴۲۶.

حکومت اسلامی معرفی شده، روابط ناسالم میان مدیران و مردم است. وظیفه مدیران جامعه اسلامی، خدمت به مردم است و در قبال این خدمت می‌توانند حقوق خود را نیز از بیت‌المال دریافت کنند. اما همواره در هر جامعه‌ای عده‌ای هستند که می‌خواهند از راه‌های غیر قانونی و با تمسک به شیوه‌های شیطانی و با سوء استفاده از ضعف عقیدتی و اخلاقی برخی از مدیران اهداف خود را پیش ببرند. اینان برای حل مشکلات خود ممکن است با ترفندهای مختلف، اموالی را در اختیار مدیران قرار دهند و بدین وسیله زمینه انحراف در فکر و رفتار مدیران جامعه اسلامی را پدید آورند. ممکن است مبالغ هنگفتی را به‌عنوان رشوه به حاکمان تقدیم کنند. البته روشن است که اسم آن را رشوه نمی‌گذارند؛ بلکه نام آن هدیه‌ای ناقابل از سوی فردی خیرخواه برای صرف در امور خیریه و کمک به مظلومان و فقرا خواهد بود!

بر اساس گفته پیامبر اکرم ﷺ، اگر چنین مسئله‌ای در میان حاکمان اسلامی شیوع پیدا کند، باید منتظر وقوع فتنه در جامعه بود. پیامبر اکرم ﷺ در روزگار خویش، به‌شدت از گرفتار آمدن عوامل حکومت در دامن آلوده رشوه‌دهندگان جلوگیری می‌کرد. روزی پیامبر ﷺ یکی از مسلمانان قبیله بنی‌اسد را به‌عنوان عامل جمع‌آوری زکات به جایی فرستاد و بعد از بازگشت مشاهده کرد که مأمور زکات پس از تحویل زکات جمع‌آوری شده، مقداری از اموال را با خود به خانه برد و در پاسخ این پرسش که چرا این‌ها را به بیت‌المال تحویل نمی‌دهی، گفت که این‌ها هدایایی بود که مردم

به خود او دادند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به محض مشاهده این امر به شدت برآشفته و در یک سخنرانی عمومی خشم و نفرت خود را از این رفتار چنین بیان کرد:

چه شده است عاملی را که به کاری می‌گمارمش و می‌گوید این مال شما است و این را به من هدیه داده‌اند؟ آیا در خانه پدر و مادرش نشسته است تا ببیند [در صورت نداشتن این منصب] باز هم برای او هدیه می‌آورند یا نه؟ سوگند به آنکه جان محمد در دست او است اگر کسی از شما چیزی را از این‌گونه اموال بردارد، روز قیامت آن را بر گردنش حمل خواهد کرد.<sup>۱</sup>

برخورد بسیار عبرت‌آموز امام علی عَلَيْهِ السَّلَام با کسی که شبانه به در خانه آن حضرت آمد و برای او هدیه‌ای آورد، همواره باید آویزه گوش و جان حاکمان و کارگزاران اسلامی باشد. آن حضرت هیچ بهانه‌ای را برای قبول هدیه او نپذیرفت؛ می‌توانست بگوید من که ولی خدا و خلیفه مسلمانان هستم و اجازه الهی تصرف در همه اموال مردم را نیز دارم، در نتیجه گرفتن این هدیه و مصرف آن در مواردی که خدا اجازه داده است اشکالی ندارد. اما آن حضرت در توصیف این جریان فرمود:

شگفت‌تر از آن [درخواست ناصواب عقیل] اینکه شب‌هنگام کسی ما را دیدار کرد و ظرفی سرپوشیده آورد؛ درونش حلوانی سرشته و با روغن و قند آغشته. چنانش ناخوش داشتم که گویی آب دهان مار بدان آمیخته یا زهر بر آن ریخته. گفتم: صله است یا زکات، یا برای رضای خدا است که گرفتن صدقه بر ما ناروا است؟ گفت: نه این است و نه آن؛ بلکه ارمغان

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، حدیث ۲۰۸۸۲.

است. گفتم: مادرت بر تو بگرید. آمده‌ای مرا از راه دین خدا بگردانی یا خرد آشفته‌ای یا دیو گرفته یا به بیهوده سخن می‌رانی؟ به خدا اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان‌ها است به من دهند تا خدا را نافرمانی نمایم و پوست جوی را از مورچه‌ای به ناروا برابیم چنین نخواهم کرد...<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام در سخنی دیگر، به قاعده‌ای کلی در نابودی و اضمحلال

جوامع پیشین اشاره می‌کند و می‌فرماید:

إِنَّمَا هَلَكَ مِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاشْتَرَوْهُ وَ اخَذُوهُمْ بِالْبَاطِلِ فَاقْتَدَوْهُ؛<sup>۲</sup>

پیشینیان شما از این رو به هلاکت و تباهی درافتادند که مردمان را از حقشان بازداشتند و آنان (ناچار با رشوه) آن را خریدند و به شیوه‌ای نادرست و باطل با مردم برخورد کردند و مردم هم به آنان اقتدا کردند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام مسلمانان

و کارگزاران حکومت اسلامی را به شدت از رشوه‌گیری، به هر نام و عنوانی که باشد، پرهیز داده‌اند. صرف‌نظر از حرمت رشوه، یکی از پیامدهای رواج این بلیه در حکومت اسلامی این است که بسترهای لازم را برای ایجاد فتنه در جامعه فراهم می‌کند. وقتی حاکمان اسلامی در سطوح مختلف به این رذیله مبتلا شوند، تاب تحمل قوانین عادلانه و حاکم عادل را نخواهند داشت و در مقابل هر قانون یا قانون‌گذاری که بخواهد با این پدیده مبارزه کند، ایستادگی خواهند کرد و به دلیل شبکه ارتباطی ناسالمی که برقرار کرده‌اند می‌توانند در سر راه تحقق عدالت مانع‌تراشی کنند و به بهانه‌های

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴، صص ۲۵۹ و ۲۶۰.

۲. محمد محمدی ری شهری، میزان‌الحکمه، حدیث شماره ۷۲۵۵.

مختلف از تصویب قوانین و فعالیت‌های عادلانه جلوگیری کنند. افزون بر این، چنین افرادی مورد توجه و حمایت ویژه دشمنان داخلی و خارجی حکومت اسلامی هم قرار می‌گیرند.

همان‌طور که دیدیم، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پیش‌بینی شرایط جامعه اسلامی پس از خود، خطاب به امام علی عَلِيٌّ، روابط اداری و حکومتی مردم و حاکمان را چنین توصیف می‌کند؛ حاکمان و متصدیان امور، رشوه می‌گیرند و نام آن را هدیه می‌گذارند و گمان می‌کنند با تغییر نام، مشکل حل می‌شود و عنوان هدیه همچون اکسیری حلال‌کننده حرمت آن را از بین می‌برد و آن را حلال می‌کند:

فَيَسْتَحِلُّونَ... السَّحْتَ بِالْهَدِيَةِ.

### ۵. روابط ناسالم اقتصادی

یکی دیگر از اموری که جامعه را به سوی فتنه سوق می‌دهد، روابط ناسالم اقتصادی است. جامعه‌ای که در آن رباخواری رواج داشته باشد، جامعه‌ای حرام‌خوار و ناسالم است. چنین جامعه‌ای مستعد وقوع فتنه است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این حقیقت را این‌گونه بیان فرمود که امت اسلامی با تغییر نام ربا، آن را حلال می‌شمارند. اینان گمان می‌کنند خداوند الفاظ را حرام کرده است و اگر لفظ را عوض کنند، حکم نیز عوض می‌شود. احکام و ارزش‌های الهی را ناظر به الفاظ و واژه‌ها می‌پندارند و نه محتوا و حقیقت. به همین دلیل با ترفندی ناآگاهانه و حيله‌ای سطحی‌نگرانه به جای کلمه ربا



از الفاظی دیگر استفاده می‌کنند و بدین ترتیب گمان می‌کنند به وظیفه دینی خود عمل کرده‌اند. اگر چنین وضعی در جامعه اسلامی حاکم شود، زمینه لازم برای وقوع فتنه فراهم می‌گردد:

فِیَسْتَحِلُّونَ... الرِّبَا بِالْبَيْعِ

امام صادق علیه السلام وقتی مطلع شد شخصی رباخوار در توجیه عمل خود با تغییر نام و عنوان می‌گوید کار من «ربا» نیست بلکه «لباء»<sup>۱</sup> است، فرمود اگر دستم به او می‌رسید و توانایی لازم را داشتم، گردنش را می‌زدم:

لَمَّا بَلَغَهُ أَنَّ رَجُلًا كَانَ يَأْكُلُ الرِّبَا وَ يُسَمِّيهِ اللَّبَاءَ، قَالَ: لَنْ أَمْكِنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ لَأَضْرِبَنَّ عُنُقَهُ<sup>۲</sup>

## ۶. نادانی و بی‌تفاوتی مردم

نادانی و بی‌تفاوتی مردم در برابر مسائل کلان جامعه از دیگر مسائلی است که فتنه‌انگیزان را در کار خود موفق‌تر خواهد کرد. اگر مردم از مسائل کلان جامعه، آرمان‌های والای خود و همچنین مسائل و مشکلاتی که سر راه رسیدن به آرمان‌های خود با آن‌ها مواجه هستند، غافل باشند، ممکن است به سهولت آلت دست فتنه‌انگیزان شوند. کاری که اربابان فتنه انجام می‌دهند این است که در خواسته‌های اساسی و اصلی مردم تغییر ایجاد می‌کنند و ذائقه اجتماعی را آن‌گونه که می‌خواهند دگرگون می‌سازند. فتنه‌گران می‌کوشند تا توجه مردم را از مسائل کلان و اصلی به مسائل خرد

۱. لباء در لغت عرب به معنای نخستین شیری است که مادر به نوزادش می‌دهد.

۲. محمد محمدی ری شهری، میزان‌الحکمه، حدیث شماره ۷۱۲۶.

و جزئی جلب کنند. آنان با بزرگ کردن نقاط ضعف حکومت اسلامی و تکرار و برجسته کردن آن، می کوشند تا همه موفقیت‌های آن را از دید مردم دور کنند. آنان زمانی می توانند در کار خود موفق شوند که مردم از حقایق و واقعیت‌های اجتماعی ناآگاه باشند و از اهداف و آرمان‌های خود غافل شوند.

شکایت امام علی علیه السلام از مردم زمان خود، شکایت از جهل آنان بود. جهل در برابر مسائل اجتماعی و دینی؛ جهل در برابر مناسبت‌های سیاسی و قدرت؛ جهل در برابر آرمان‌ها و اهداف حکومت اسلامی و در یک سخن جهل در برابر معارف حقیقی و راستین قرآن:

إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مِنْ مَعْشَرٍ يَعِيشُونَ جَهْلًا يَمُوتُونَ ضَلَالًا لَيْسَ فِيهِمْ سَلْعَةٌ أَبُورٍ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَّى حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ لَا سَلْعَةٌ انْفَقَ بَيْعًا وَ لَا أَعْلَى تَمَنَّا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ لَا عِنْدَهُمْ انْكَرٌ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَ لَا أَعْرَفٌ مِنَ الْمُنْكَرِ<sup>۱</sup>

به خداوند شکوه می‌کنم از مردمی که به نادانی زندگی می‌کنند و با گمراهی می‌میرند. هیچ کالایی در نزد آنان بی‌رونق‌تر از کتاب خدا — آنگاه که به حق و شایسته تلاوت شود — نیست و چون با تغییر و تحریف خوانده شود، هیچ کالایی سودآورتر از آن نباشد و در نزد آنان چیزی زشت‌تر از معروف و نیکوتر از منکر نیست.

## ۷. پیروی از حاکمان و بزرگان متکبر

یکی دیگر از مسائلی که ممکن است زمینه‌ساز فتنه‌های اجتماعی باشد،

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷، ص ۱۹.

پیروی کورکورانه از بزرگان جامعه است. قرآن کریم یکی از دلایل کفرورزی و در نتیجه جهنمی شدن و خلود در آتش را پیروی کورکورانه از بزرگان می‌داند. قرآن کریم می‌فرماید روزی که جهنمیان در آتش جهنم می‌سوزند، می‌گویند:

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَ أَطَعْنَا الرَّسُولَ وَ قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كِبْرَاءَنَا فَأَصَلَّوْنَا السَّبِيلَا رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَ الْعَنَّهُمْ لَعْنَا كَبِيرًا<sup>۱</sup>

روزی که چهره‌هایشان را در آتش زیرورو می‌کنند می‌گویند ای کاش ما خدا را اطاعت می‌کردیم و از پیامبر پیروی می‌نمودیم و می‌گویند پروردگارا ما رؤسا و بزرگ‌تران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند. پروردگارا آنان را دو برابر عذاب ده و لعنت‌شان کن لعنتی بزرگ.

امام علی علیه السلام با اشاره به مضمون همین آیه خطاب به مردم می‌فرماید: به‌طور جدّ از پیروی مهتران و بزرگان خود که روحیه نژادپرستانه و قوم‌گرایانه دارند و مبتلا به رذیله خودبزرگ‌بینی هستند، پرهیز کنید. او یکی از دلایلی که برای این توصیه اکید خود ذکر می‌کند، این است که چنین افرادی از ارکان و ستون‌های فتنه‌اند:

الا فالخذر الخذر من طاعة ساداتكم و كبرائكم... فأنهم... دعائم ارکان الفتنه...<sup>۲</sup>

۱. احزاب، آیات ۶۶-۶۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۱۳.



فصل چهارم: شگردهای فتنه‌گران



در گذشته فتنه‌ها را عموماً بعد از فراهم شدن ناخواسته بسترها و زمینه‌ها، عده‌ای از افراد بانفوذ رهبری می‌کردند، اما امروزه وضعیت دگرگون شده است. سال‌ها اندیشه و تأمل می‌شود که چگونه و از چه راه و راه‌هایی می‌توان یک حکومت و نظام سیاسی را از میان برداشت یا حکومتی دیگر را جایگزین آن کرد؟ دربارهٔ یک ملت، مطالعات فراوان مردم‌شناختی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، سیاسی، منطقه‌ای و تاریخی صورت می‌گیرد تا نقاط قوت و ضعف آن به دست آید و بهترین، سریع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین شیوه برای براندازی نظام حاکم بر آن جامعه به کار گرفته شود. به همین دلیل فتنه‌های این دوران همراه با برنامه‌ریزی‌های راهبردی دقیقی صورت می‌گیرد. فتنه‌گران تلاش می‌کنند حتی المقدور همهٔ منابع و امکانات موجود را ساماندهی کنند و به بهترین وجه به کار گیرند. تئورسین‌های فتنه تلاش می‌کنند با توجه به شناختی که از جامعه و نظام حاکم و حساسیت‌های مردم دارند، مجموعهٔ مرحله‌بندی‌شده‌ای از اقدام‌های سازمان‌یافته را طراحی و عملیاتی کنند.

در شیوه‌های براندازی نرم، صرفاً براندازی نظام حاکم هدف نیست، بلکه جایگزین کردن نظامی دیگر نیز مدنظر است؛ نظامی که بتواند حدی از مقبولیت اولیه را در میان تعداد زیادی از مردم داشته باشد. در یک جامعهٔ

اسلامی، اگر بخواهد حکومتی لائیک، لیبرال و غیر اسلامی جایگزین حکومتی اسلامی شود - که هدف اصلی بسیاری از فتنه‌ها علیه جمهوری اسلامی است - لازم است که از قبل، زمینه‌های فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و ذهنی آن فراهم شده باشد. به همین دلیل، بدون داشتن یک برنامه استراتژیک بزرگ و جامع، دستیابی به چنین هدفی غیر ممکن است. فتنه‌ای می‌تواند مؤثر باشد که برای همه قدم‌های بعدی خود برنامه داشته باشد و قدم نخست و قدم‌های بعدی را دقیقاً محاسبه کرده باشد. طبیعتاً اگر فتنه‌گران، تجزیه و تحلیلی استراتژیک از وضعیت یک جامعه نداشته باشند، نمی‌توانند فهم درستی از قدم‌های بعدی و حوادث آینده داشته باشند. در این صورت آن‌ها فقط جلوی چشم خود را می‌بینند و به همین دلیل احتمال پیروزی آنان بسیار ضعیف است.

فتنه‌گران افزون بر داشتن برنامه استراتژیک، برای اجرایی کردن استراتژی‌های خود نیازمند تاکتیک‌ها و روش‌های کنش متناسب با هر موقعیت خاص هستند. تاکتیک‌ها و روش‌های فتنه‌انگیزی باید در خدمت تقویت و تسریع وصول به اهداف نهایی فتنه باشد. طبیعی است کسانی که مسئولیت برنامه‌ریزی و اجرای تاکتیک‌ها را بر عهده دارند، باید ارزیابی دقیقی از شرایط داشته باشند تا بتوانند بهترین تاکتیک را در آن وضعیت خاص به کار گیرند. افزون بر این، برای موفقیت برنامه‌ها لازم است افرادی که در آن اقدام خاص به کار گرفته می‌شوند، از قبل آموزش‌های لازم را در خصوص چگونگی استفاده از تاکتیک دیده باشند. بخش اعظمی از این



آموزش‌ها توسط رسانه‌ها صورت می‌گیرد؛ رسانه‌های بین‌المللی، اینترنت و فضاهای مجازی دیگر از جمله این رسانه‌ها هستند.

تفاوت دیگر فتنه‌های مدرن با فتنه‌های گذشته این است که در فتنه‌های مدرن، حمایت‌های خارجی از فتنه‌گران قدرت مانور آنان را افزایش می‌دهد؛ چیزی که در گذشته به این شکل وجود نداشت. به‌عنوان مثال، در فتنه‌های دوران امام علی علیه السلام کمتر اثری از دخالت قدرت‌های بیگانه همچون ایران و روم و امثال آن مشاهده می‌شد و اثرگذاری‌ها بیشتر بعد داخلی داشت. اما در دوران جدید، به دلیل ضربه‌هایی که نظام سلطه از حکومت اسلامی و نظام مردم‌سالار دینی در کشور ایران دیده و طعم حقارت‌هایی که از این نظام نوپا چشیده است، هر گونه کمکی به فتنه‌های داخلی از اولویت‌های برنامه‌های آنان است. آنان هیچ ابایی از اعلام رسمی این مسئله و بیان هزینه‌های مصوب برای براندازی نرم علیه کشور ما ندارند.

جین شارپ، یکی از تئوریسین‌های کودتاهای مخملی و انقلاب‌های رنگین، به فتنه‌گران توصیه می‌کند که در برنامه‌ریزی استراتژیک خود، از جمله اموری که باید متناسب با وضعیت اجتماعی مردم و با توجه به حساسیت‌های آنان در نظر بگیرند این است که مشخص کنند چه زمانی و چه نوع کمکی از چه گروه خارجی‌ای برای پیشبرد اهداف آنان مفیدتر است:

اگر کمک‌ها از طریق سازمان‌های غیر دولتی همچون جنبش‌های اجتماعی، گروه‌های دینی و سیاسی و اتحادیه‌های کارگری صورت

بگیرد،<sup>۱</sup> مفیدتر است یا از طریق نهادهای بین‌المللی و رسمی؟<sup>۲</sup>  
 در این فصل می‌کوشیم پاره‌ای از شگردها و شیوه‌های فتنه‌گری را با  
 استناد به نمونه‌های تاریخی، به‌ویژه دوران امام علی علیه السلام و استفاده از  
 تئوری‌های کودتاهای مخملی و نرم مورد بررسی قرار دهیم:

### ۱. استفاده از شیوه‌های مبارزه نرم

فتنه‌گران از روش‌هایی استفاده می‌کنند که به یک معنا ترکیبی از  
 روش‌های مبارزه نرم و جنگ‌های سخت است. به این شکل که ابتدا به  
 صورت آرام و ناملموس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فتنه را  
 فراهم می‌کنند و سپس می‌کوشند از شیوه مبارزه سخت و از طریق  
 خشونت‌های خیابانی و میدانی به اهداف خود نائل شوند. بر اساس فرمول  
 فتنه، نه مبارزات چریکی و نه مبارزات سخت و نظامی، هیچ‌کدام در ابتدا  
 به کار گرفته نمی‌شوند. فتنه‌گران عموماً تلاش می‌کنند تا ابتدا زمینه‌ها و  
 بسترهای اجتماعی لازم را فراهم آورند و حتی الامکان از طریق نرم به هدف  
 خود نائل شوند. در عین حال، وقتی ببینند زمینه لازم فراهم شده است و  
 طرفداران زیادی را گرد خود جمع کرده‌اند و از طرفی مبارزه نرم به جایی

۱. البته نباید فراموش کرد که بسیاری از چنین سازمان‌هایی که در سطح بین‌المللی به فعالیت  
 مشغول‌اند، در حقیقت ابزار دست قدرت‌ها و سیاستمداران غربی هستند و وظیفه اصلی  
 آنان نیز خدمات‌دهی به مدافعان اندیشه‌های غربی و مروجان فرهنگ لیبرال دموکراسی  
 غرب در گوشه و کنار جهان است.

۲. جین شارپ، *از دیکتاتوری تا دموکراسی*، ص ۴۵.

نمی‌رسد، ممکن است از طریق جنگ و مبارزات خیابانی تلاش کنند با تسخیر مراکز حساس، قدرت حاکم را سرنگون کنند و در حقیقت نظامی دیکتاتوری پایه‌ریزی کنند؛ نظامی از نوع دیکتاتوری مدرن غربی و دیکتاتوری رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی.

## ۲. استخدام چهره‌های موجه و مقدس

استخدام چهره‌های موجه و مقدس یکی از شگردهایی است که فتنه‌انگیزان برای رسیدن به اهداف خود به کار می‌گیرند. نقل می‌کنند که در روزگارهای قدیم، مرثیه‌خوانی بود که به مدت یک‌سال تمام در هر مجلس و محفلی که دعوت می‌شد، یک روضه‌ مشخص را می‌خواند؛ روضه‌ای که از اساس دروغ بود؛ بدون آنکه خود او در این باره آگاهی لازم را داشته باشد. به او اعتراض کردند که مگر روضه دیگری نمی‌دانی؟ چرا در هر محفل و مجلسی فقط همین روضه را می‌خوانی؟ در پاسخ گفت که حقیقتاً بنده بی‌تقصیرم. این نذری است که فلان معتمد محله کرده است و هر روز یک تومان پول به من می‌دهد که این روضه را بخوانم. وقتی به سراغ آن معتمد محله رفتند و سرّ ماجرا را از او جست‌وجو کردند که این چه نذری بوده است، گفت بنده چندان خبری از اصل ماجرا ندارم. نام یکی از بستگانش (دامادش) را آورد و گفت که ایشان روزانه مبلغ پنج تومان به من می‌دهد و من را واسطه کرده است که یک تومان آن را به فلان مرثیه‌خوان بدهم تا آن روضه‌ خاص را بخواند. به سراغ شخص سوم رفتند و حقیقت

ماجرا را طلب کردند. او نیز در پاسخ اظهار بی‌اطلاعی کرد و به همین بسنده کرد که دوستی دارم که روزانه مبلغ ده تومان به من می‌دهد و از من می‌خواهد که به واسطه پدر زخم (معمد محله) مبلغی از آن را به فلان مرثیه‌خوان بدهیم تا آن روضه خاص را بخواند و من مبلغ پنج تومان را برای خود نگه می‌دارم و نیمی از آن را به ایشان می‌دهم و ... سرانجام انتهای ماجرا با ده واسطه به یک یهودی مغرض و حيله گر ختم گردید. او به خوبی می‌دانست که اگر خودش بخواند آن روضه ساختگی را بخواند یا بگوید یا بنویسد، کسی از او نمی‌پذیرد. آن روضه ساختگی به قصد تخریب و انحراف در حقیقت عاشورا، اگر بخواند مقبول مردم شود، باید از زبان خود عاشوراییان نقل شود و این کار هم باید از طریق چهره‌های مقدس و تأثیرگذار و به واسطه افراد مورد اطمینان و خوش سابقه صورت گیرد.

شبهه همین ماجرا را در بسیاری از فتنه‌ها نیز مشاهده می‌کنیم. فتنه‌گران اصلی برای آنکه بتوانند به اهداف خود برسند، با ترفندهای مختلف می‌کوشند تا سخن خود را از زبان چهره‌های موجه و مقدس به گوش مردم برسانند. مردم به دلیل شناخت و تجربه‌ای که از عملکرد دشمنان حکومت اسلامی دارند، طبیعتاً توجهی به شایعه‌هایی که آنان می‌سازند و می‌یافتند ندارند؛ اما اگر آن شایعه‌ها از زبان یک فرد مقدس و موجه مطرح شود، تأثیرگذاری آن به مراتب بیشتر خواهد بود. به همین دلیل می‌کوشند تا با چندین واسطه و با ارائه اطلاعات نادرست به آن افراد که نفوذ بیشتری در جامعه دارند، از روحیات خاص آنان یا از چهره موجه آنان بهره‌برداری کنند.

### ۳. استفاده از شعارهای خوب و جذاب

استفاده از شعارهای خوب، جذاب و گمراه‌کننده یکی دیگر از شگردهای فتنه‌گران برای غبارآلود کردن فضای جامعه است. آنان بدین وسیله می‌خواهند اهداف پلید و نادرست خود را در پشت شعارهای جذاب و الفاظ چند پهلو پنهان کنند. بسیاری از فتنه‌گران می‌کوشند تا خود را دلسوز واقعی جامعه و مردم معرفی کنند و چنین وانمود می‌کنند که خواهان امنیت و آرامش مردم و اصلاح امور جامعه‌اند. به تعبیر قرآن کریم:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ<sup>۱</sup>

به عنوان مثال، منافقان زمان پیامبر ﷺ به منظور کارشکنی در کار آن حضرت و برنامه‌ریزی برای حرکت‌های براندازانه، کوشیدند از راه تأسیس مسجد (مسجد ضرار) به هدف خود نائل شوند. نیت اصلی آنان ضربه زدن به اسلام و ارتباط با مخالفان خارجی و کارشکنی در فعالیت‌های اسلامی بود. آنان با استفاده از قالبی زیبا و دینی و از راه تأسیس مسجد به بهانه حمایت از مردم و ضعیفان و پیرمردان و پیرزنانی که رفتن به مسجد «قبا» برایشان دشوار بود، می‌خواستند به هدف خود دست یابند؛ در حالی که سوگند یاد می‌کردند که اراده‌ای جز اراده نیک و انگیزه‌ای جز خدمت به اسلام و مسلمین و پیامبر ﷺ نداشته‌اند. قرآن کریم به صراحت اهداف پنهان منافقان از تأسیس مسجد را بیان کرده و می‌فرماید:

وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِصْرًا لِّمَنْ

۱. بقره، آیه ۱۱.

حَارَبَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَكَيْخْلِفُنْ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛<sup>۱</sup>

و آن‌هایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود و با تأکید سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم و [لی] خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغ‌گو هستند. بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز کسانی که فتنه سقیفه را پدید آوردند، یکی از بهانه‌هایی که برای کنار زدن امیرمؤمنان و خانه‌نشین کردن او داشتند این بود که اگر علی عليه السلام جانشین پیامبر ﷺ شود، موجب جنگ و آشوب در جامعه می‌گردد و این امر به مصلحت جامعه نوپای اسلامی نیست.<sup>۲</sup> آنان انتخاب علی عليه السلام را با نامنی، آشوب و بروز اختلاف‌های اجتماعی برابر می‌دانستند! در همین راستا این سخن خلیفه دوم قابل تأمل است که گفت:

علی ... سزاوارترین مردم برای حکومت است؛ ولی قریش تاب عدالت او را ندارد؛ زیرا اگر حکومت را بر عهده گیرد، راهی برای گریز از حق باقی نمی‌گذارد و در آن صورت، مردم بیعت خود را می‌شکنند و در برابر او می‌ایستند.<sup>۳</sup>

خلیفه دوم، به شهادت منابع اهل سنت، می‌گفت:  
پیامبر ﷺ در واپسین ساعات عمر خویش می‌خواست درباره خلافت

۱. توبه، آیه ۱۰۷.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۷.

۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۹.

علی وصیت کند؛ اما من برای جلوگیری از فتنه، او را از این کار بازداشتیم.<sup>۱</sup>

عمر می‌گفت چون علی در جنگ‌های زمان پیامبر ﷺ بسیاری از قریشیان و کفار را کشته است، اگر خلیفه شود، موجب اختلاف و دو دستی در جامعه اسلامی خواهد شد. ابن عباس در پاسخ به این دلیل عجیب خلیفه دوم، گفت:

با این سخن از چه کسی عیب‌جویی می‌کنی؟ از خدایی که پیامبر را بر آنان برانگیخت؟ یا از پیامبر که حق رسالت را به‌جا آورد؟ یا از علی که در راه خدا با آنان به جهاد پرداخت؟<sup>۲</sup>

برای بیان نمونه‌های دیگر از استفاده از شعارها و نمادهای مقدس در تاریخ اسلام می‌توان به استفاده از ابزاری معاویه در جنگ صفین از قرآن اشاره کرد. در واپسین ساعات جنگ صفین، وقتی معاویه عرصه را بر خود تنگ دید و پیروزی سپاه امام علی علیه السلام را قریب‌الوقوع دانست، با راهنمایی عمرو بن عاص دستور داد سپاهیان شام از جنگ بازایستند و به جای آنکه با نیزه و شمشیر با سپاه امام علی علیه السلام مقابله کنند، قرآن‌ها را بر نیزه کنند و از آنان بخواهند قرآن را حکم قرار دهند و تن به حکم خدا دهند. در حقیقت معاویه به جای جنگ سخت، شیوه مبارزه نرم را پیش گرفت که یکی از نتایج آن شکل‌گیری فتنه خوارج نهروان بود. خوارج نهروان نیز برای رسیدن به اهداف خود شعار انحرافی، اما مقدس **ان الحکم الا لله** را سر

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۷۹.

۲. محمد محمدی ری شهری، موسوعه الامام علی علیه السلام، ج ۳، ص ۷۱.

می‌دانند؛ شعاری که به شهادت امام علی علیه السلام، شعاری حق و درست بود؛ اما آنان معنایی باطل و منظوری شیطانی و فاسد از آن داشتند.

استفاده از نماد رنگ سیاه از سوی بنی‌عباس برای مقابله با بنی‌امیه و دستیابی به قدرت یکی دیگر از نمونه‌های تاریخی این شگرد است. آنان با استفاده از رنگ سیاه و به‌منظور جلب توجه شیعیان و برخورداری از حمایت آنان و با شعار یا لئارات الحسین توانستند حکومت امویان را از بین ببرند؛ اما همین که به حکومت رسیدند، نه فقط علویان و شیعیان را در حکومت راه ندادند، که بیشتر و شدیدتر از امویان با امامان شیعه و رهبران شیعه برخورد کردند. آنان در نخستین گام، امام کاظم علیه السلام را به مدت چهارده سال زندانی کردند و در نهایت آن حضرت را در اثر شکنجه‌های طاقت‌فرسا به شهادت رساندند. سپس از راه دیگری با امام بعدی، علی بن موسی علیه السلام، برخورد کردند. مأمون، خلیفه عباسی، که از جایگاه ویژه آن امام در میان مسلمانان و شیعیان آگاه بود، با طراحی توطئه‌ای پیچیده کوشید که شخصیت امام را از چشم‌ها بیندازد و وقتی در این کار موفق نشد، آن حضرت را نیز به شهادت رساند. دیگر خلفای عباسی نیز به همین طریق سایر ائمه را با شیوه‌های غیر انسانی به شهادت رساندند.

#### ۴. سخن گفتن از اصول متعالی انسانی

دم زدن از اصول متعالی و عالیة انسانی یکی دیگر از شگردهای فتنه‌گران است. هیچ فتنه‌گری هرگز خود را مخالف قانون، عدالت و مردم



معرفی نمی‌کند؛ بلکه دائماً حاکمان وقت را به بی‌قانونی، ظلم و مردم‌ستیزی متهم می‌کند. آنان همواره از اصول متعالی انسانی دم می‌زنند؛ از صلح و عدالت و آزادی و امنیت سخن می‌گویند؛ شعارهایی که همواره و همه‌جا خواسته همگان بوده است. البته معنای این سخن این نیست که هر کس چنین شعارهایی را داد واقعاً فتنه‌گر است، اما نباید فراموش کرد که فتنه‌گران نیز چنین شعارهایی سر می‌دهند. می‌توان آنان را از این راه شناخت که در حالی از قانون‌گرایی، امنیت، صلح، آزادی و عدالت سخن می‌گویند که خود مرتکب بدترین قانون‌شکنی‌ها می‌شوند و با مجموعه رفتارهای خود، امنیت مردم و آزادی آنان را به خطر می‌اندازند و بدین ترتیب به حقوق اجتماعی آنان تجاوز می‌کنند. آن‌ها در حالی خود را مدافع اصول اخلاقی معرفی می‌کنند که خود بدترین بی‌اخلاقی‌ها را مرتکب می‌شوند؛ بدترین تهمت‌ها را به مخالفان خود می‌زنند و ناجوانمردانه‌ترین شایعه‌ها و دروغ‌ها را علیه مخالفان رواج می‌دهند.

##### ۵. نفی گذشته افتخارآمیز جامعه

تخریب گذشته حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه، به صورت کامل تا جایی که ساده‌اندیشان را حتی درباره بدیهی‌ترین مسائل به تردید می‌اندازد، یکی دیگر از شگردهای فتنه‌گران است. اربابان فتنه برای آنکه بتوانند به اهداف پلید خود دست یابند، لازم است علیه وضع موجود سیاه‌نمایی کنند؛ به نحوی که همه فعالیت‌های صورت‌گرفته در گذشته را

زیر سؤال می‌برند. آنان با ابزار و وسایل و توان تبلیغی خود می‌کوشند برای مردم چنین وانمود کنند که ادامه روند موجود به فلاکت و نابودی جامعه کشیده خواهد شد و مخالفت‌های داخلی و خارجی را برمی‌انگیزد و هزینه‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی فراوانی بر کشور و مردم تحمیل می‌کند.

### ۶. تحریک احساسات

تحریک احساسات به هر وسیله ممکن یکی دیگر از شگردهای همه فتنه‌گران است. فتنه‌انگیزان سعی می‌کنند از احساسات و عواطف مردم به سود خود بهره‌برداری کنند. به عنوان مثال، یکی از اموری که در جهان اسلام آثار روانی فراوانی بر جای گذاشت، مسئله کشته شدن عثمان، خلیفه مسلمانان بود. به‌رغم نارضایتی شدید مردم از عثمان، کمتر کسی به قتل او راضی بود؛ اما این مسئله اتفاق افتاد و طبیعتاً احساسات بسیاری از مسلمانان جریحه‌دار شد. به‌ویژه با داستان‌ها و دروغ‌هایی که درباره نحوه کشته شدن او ساختند و کوشیدند چهره‌ای مظلوم و کاملاً بی‌گناه از عثمان به نمایش بگذارند. همه مورخان و محققان اذعان کرده‌اند یکی از سرسخت‌ترین دشمنان عثمان، عایشه همسر پیامبر بود. او مدت‌ها بود در شهر مکه عکرم مخالفت با عثمان را برافراشته بود و آرزوی مرگ او را در سر داشت و به گونه‌های مختلف مردم را تحریک می‌کرد که علیه او قیام کنند؛ اما به محض

۱. یعقوبی، تاریخ‌المقبوبی، ج ۲، ص ۱۷۶.

شنیدن خبر قتل عثمان و بیعت مردم مدینه با امام علی علیه السلام، با اینکه به سوی مدینه در حال حرکت بود، سفر خود را نیمه‌تمام رها کرد و به مکه بازگشت و موضع خود را درباره عثمان به طور کامل تغییر داد. او در کنار حجر اسماعیل به صورت علنی و آشکار به مخالفت با امام علی علیه السلام پرداخت و با سخنرانی‌های احساسی و عاطفی خود کوشید مردم را به بهانه خون‌خواهی عثمان، علیه امام علی علیه السلام بسیج کند. وی که به دلیل همسری پیامبر محبوبیت فراوانی در بین مردم داشت و به تعبیر امام علی علیه السلام اطوع الناس فی الناس بود،<sup>۱</sup> توانست با تحریک احساسات مردم و استفاده از موقعیت اجتماعی خود، بسیاری از آنان را علیه امام علی علیه السلام تحریک کند. طولی نکشید که مکه را به عنوان پایگاهی برای مخالفان حکومت مرکزی قرار داد و بعد از مدتی طلحه و زبیر نیز به او ملحق شدند.

معاویه نیز یکی از دستاویزهایش برای برپایی فتنه صفین، تحریک احساسات مردم ناآگاه شام به دلیل قتل عثمان بود. او از پیراهن خون‌آلود عثمان و انگشتان قطع شده نائله، همسر عثمان، بهره بسیار برد. وی به مدت یک سال، پیراهن خون‌آلود خلیفه را بر منبر آویخت و گاه نیز در انظار عمومی آن را بر تن می‌کرد و با یادآوری مظلومیت خلیفه، اشک مردم را جاری می‌ساخت.<sup>۲</sup> معاویه آن قدر با احساسات دینی مردم بازی کرد که

۱. ابن عبد البر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۳۱۸؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۵۹؛ نصر بن مزاحم المنقری، وقعة صفین، صص ۱۲۷ و ۱۲۸.

گروهی از مردم شام با خود عهد کردند تا وقتی قاتلان خلیفه را به سزای اعمالشان نرسانند، از همسران خود کناره بگیرند و آسایش و راحتی را بر خود حرام کنند.<sup>۱</sup>

برخی شواهد نشان می‌دهد معاویه از همان زمان که مخالفت‌های عمومی علیه عثمان اوج گرفته بود، به این مسئله می‌اندیشید. این نکته نیز از دید عثمان مخفی نبود؛ از این رو وقتی امتناع معاویه را در یاری رساندن به خود دید، او را مورد خطاب قرار داد و گفت:

تو می‌خواهی من کشته شوم و سپس به خون‌خواهی من برخیزی.<sup>۲</sup>

بسیار روشن بود که معاویه هرگز دنبال خون‌خواهی عثمان نیست و فقط می‌خواهد با این مسئله، احساسات مردم را برانگیزاند تا به مطامع دنیوی خود دست یابد. به همین دلیل وقتی به‌طور کامل قدرت را به دست گرفت، هیچ سخنی در این باره به میان نیاورد و حتی در پاسخ به دختر عثمان که مجازات قاتلان پدرش را می‌خواست، گفت:

این کار نشدنی است و تو به همین راضی باش که دختر عموی خلیفه مسلمینی.<sup>۳</sup>

## ۷. شبهه افکنی

یکی دیگر از شگردهای فتنه‌انگیزان، ایجاد شبهه در ذهن مردم است.

۱. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۳۵۹.

۲. یعقوبی، *تاریخ الیعقوبی*، ج ۲، ص ۱۷۵.

۳. جعفر سبحانی، *فروغ ولایت*، ص ۳۶۱.

ثمره شبهه این است که حق و باطل را بر مردم مشتبه می‌سازد. به تعبیر امام علی علیه السلام، شبهه را به این جهت شبهه نامیده‌اند که باطنی باطل و نادرست دارد، اما در ظاهر شبیه به حق است.<sup>۱</sup>

قرآن کریم نیز می‌فرماید کسانی که انگیزه بدعت در دین دارند، به تشابهات قرآن تمسک می‌کنند. توضیح آنکه آیات قرآن، طبق دسته‌بندی خود آن، به دو دسته محکمت و تشابهات تقسیم می‌شوند. محکمت یعنی آیاتی که دلالتشان بر معانی مورد نظر، از چنان وضوحی برخوردار است که احتمال معانی متفاوت را بر نمی‌تابند و تشابهات یعنی آیاتی که تاب معانی متفاوتی را دارند و تشخیص معنای درست آن‌ها در میان آن‌همه معانی، کار آسان نیست. برای فهم تشابهات حتماً باید آن‌ها را به محکمت ارجاع داد. مبنای تفسیر قرآن و مبنای فهم آن، محکمت است. در عین حال، قرآن می‌فرماید برخی از افراد، به منظور فتنه‌افکنی تشابهات قرآن را می‌گیرند و بدون ارجاع آن‌ها به محکمت، تفسیرهای بی‌مبنا را پایه کار خود قرار می‌دهند. اینان برای ایجاد ابهام و تردید در دل مؤمنان و در نتیجه انحراف افکار عمومی، به تشابهات تمسک می‌کنند:

فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...<sup>۲</sup>

اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود] از تشابه آن پیروی می‌کنند؛ با آنکه تأویلش را جز

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان‌الحکمه، حدیث شماره ۹۱۰۱.

۲. آل عمران، آیه ۷.

خدا و راسخان در علم کسی نمی‌داند.

امام علی علیه السلام نیز در چند مورد این مسئله را تذکر داده است که هدف شبهه‌افکنان، ایجاد فتنه است و رابطه‌ای وثیق میان شبهه و فتنه وجود دارد:

احذروا الشبهه؛ فانها وضعت للفتنة؛<sup>۱</sup>

از شبهه دوری کنید؛ زیرا که شبهه به قصد فتنه ساخته شده است.

آن حضرت در نامه‌ای که بعد از جنگ نهروان خطاب به معاویه نوشت،

ضمن بیان برخی نصایح فرمود:

فاحذرِ الشبهة و اشتمالها علي لُبْسِهَا فَإِنَّ الْفِتْنَةَ طَالَمَا أُعْدِدَتْ جَلَابِيهَا و أُغْشَتْ  
الابصارَ ظَلَمْتُهَا؛<sup>۲</sup>

از شبهه بپرهیز و از آمیختگی آن به حق و باطل نیز، که روزگاران است فتنه پرده بر خود افکنده و تیرگی‌های آن دیده‌ها را پوشانده.

## ۸. تفرقه‌افکنی

یکی دیگر از شگردهای اربابان فتنه برای فتنه‌انگیزی، ایجاد تششت و تفرقه در جامعه است. یک جامعه یک‌پارچه و متحد، به‌طور طبیعی سد محکمی در برابر هرگونه فتنه‌انگیزی است؛ به همین دلیل فتنه‌گران فقط زمانی می‌توانند ماهی مراد خویش را صید نمایند که در صفوف متحد مردم شکاف ایجاد کنند. دامن زدن به اختلاف‌های مذهبی، قومی و زبانی می‌تواند زمینه مناسب را برای ایجاد فتنه فراهم سازد. ایجاد و تقویت گروه‌های

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، حدیث شماره ۹۱۰۲.

۲. نهج البلاغه، نامه ۶۵، ص ۳۵۰.

مخالف نظام یکی از شگردهایی است که مخالفان نظام برای براندازی آن به کار می‌برند. بر همین اساس به نظر می‌رسد رشد قارچ‌گونه گروه‌های معنویت‌گرا در کشورهای اسلامی از جمله در کشور جمهوری اسلامی ایران، باید با حساسیت و دقت بیشتری مورد مطالعه قرار گیرد.

**مولوی** در تبیین این شگرد فتنه‌گران داستانی خواندنی و جالب در **مثنوی معنوی** نقل می‌کند.<sup>۱</sup> داستان، با اندکی تغییر، از این قرار است که پادشاهی یهودی که دشمنی سرسختی با مسیحیان داشت، از هر راهی که وارد شد نتوانست جلوی رشد و گسترش مسیحیت را بگیرد. یکی از وزرای او که در مکر، حيله‌گری و سیاست‌ورزی بی‌نظیر بود، به پادشاه گفت از راه نظامی و مبارزه آشکار نمی‌توان با مسیحیت مقابله کرد. تدبیری دیگر باید اندیشید. باید از راه ایجاد تفرقه ابتدا یکپارچگی آنان را به هم ریخت و به گونه‌ای عمل کرد که درگیر نزاع‌های داخلی و اختلاف‌های قومی شوند. بعد از آن می‌توان ضربه نهایی را بر آنها وارد کرد. این وزیر حيله‌گر برای عملیاتی کردن نقشه خود از پادشاه خواست گوش و دست او را ببرد و بینی‌اش را بشکافد و به همگان نیز این را اعلام نماید و در نهایت او را به شهری دور تبعید کند. نقشه وزیر این بود که بعد از آنکه مطرود و مبعوض پادشاه واقع شد، به مسیحیان اعلام کند که در باطن نصرانی بوده است و وقتی پادشاه این حقیقت را فهمیده، چنین بلایی بر او روا داشته است. پادشاه نیز این نقشه وزیر زیرک خود را پذیرفت و برای رهایی از شرّ

۱. مولوی، **مثنوی معنوی**، دفتر اول، ابیات ۳۲۴-۷۴۰.

مسیحیان، آن را مو به مو اجرا کرد.

مسیحیان که از این فتنه پیچیده غافل بودند، فریب لفاظی‌ها و سخن‌پراکنی‌های وزیر مطرود پادشاه را خوردند و گرد او جمع شدند و ورود چنین شخص مقتدری را به آیین مسیحیت جشن گرفتند. آگاهی فراوان وزیر از مضامین کتاب مقدس نیز دلیلی دیگر بر محبوبیت فراوان او در جامعه مسیحیان بود. صدها هزار نفر از مسیحیان آرام آرام گرد او جمع شدند. وزیر هم که بر تفسیر انجیل و مضامین کتاب مقدس مسلط بود، اسرار انجیل را برای آنان شرح می‌داد. مسیحیان نیز از صمیم دل و با همه وجود سخنان او را پذیرفتند و بذر محبت او را در دل کاشتند و او را نایب حقیقی عیسی علیه السلام و منجی مسیحیان دانستند. در این میان فقط گروهی اندک از مسیحیان صاحب فراست بودند که به فعالیت‌های وزیر بدبین بودند. اینان می‌دیدند که او در میان نکته‌های زیبا، سخنان زهرآلودی نیز بیان می‌کند و گرچه ظاهر سخنانش همچون نقره، زیبا و دلنشین است، باطنی زشت و سیاه دارد که هر کسی که به آن دست بزند، دستش سیاه می‌شود. اما تردیدهای این گروه اندک نه فقط تأثیری در جامعه مسیحیان نداشت، که موجب طرد خود آنان نیز شد. چند سال بر همین منوال گذشت و کار به جایی رسید که:

دین و دل را کل بدو بسپرد خلق پیش امر و حکم او می‌مرد خلق

از آن طرف، پادشاه یهود منتظر اجرایی شدن نقشه وزیر خود بود. وزیر نیز بعد از شش سال که از پادشاه جدا شده بود، در پیغامی به او گفت اکنون



نوبت آن است «کافکنم در دین عیسی فتنه‌ها». مسیحیان دوازده فرقه و دسته و قبیله بودند. هر قبیله‌ای نیز رهبر و مقتدای خود را داشت. در عین حال، وجه مشترک همه قبایل این بود که سرسپرده وزیر بودند. وزیر با درک کامل این موقعیت، کوشید بهترین استفاده را از آن ببرد. در خلوت خود تلاش کرد برای هریک از این دوازده گروه، مرام‌نامه و آیین‌نامه جداگانه و متفاوتی تدوین کند:

ساخت طوماری به نام هر یکی      نقش هر طومار دیگر مسلکی

حکم‌های هر یکی نوعی دگر      این خلاف آن ز پایان تا به سر

او احکام کاملاً متضاد و مختلفی برای هریک از این گروه‌ها تدوین کرد. به‌عنوان مثال، رکن دین را برای یک گروه ریاضت و گرسنگی معرفی کرد. برای گروهی دیگر چنین نوشت که ریاضت و رهبانیت هیچ سود و فایده‌ای ندارد و راه معنویت فقط احسان است و جود و بخشش. برای حزب و گروه دیگر چنین نوشت که نه جوع و نه جود هیچ‌کدام رکن ایمان نیستند؛ راه ایمان فقط توکل و تسلیم است. عمل به شریعت را برای یک گروه لازم دانست و برای گروهی دیگر چنین نوشت که اوامر و نواهی الهی همگی بهانه است و مهم اظهار عجز در مقابل خدا است و لازم نیست به شریعت عمل شود.

زین نمط وین نوع، ده طومار و دو      برنوشت آن دین عیسی را عدو

بعد از اینکه برای هر قبیله و گروهی، نسخه‌ای جداگانه پیچید و همه آنها را آماده کرد، چهل پنجاه روز از مردم فاصله گرفت و در خلوت

نشست. به گونه‌ای که همه تشنه دیدار و سخن او شدند. همگی لابه‌کنان از او می‌خواستند از خلوت به در آید و هدایت آنان را به دست بگیرد و مشکلات روزمره آنان را حل کند. او در پاسخ این تقاضاها می‌گفت:

گفت جانم از محبان دور نیست لیک بیرون آمدن دستور نیست  
وی بدون آنکه در جمع مریدانی که مشتاقانه در خانه او گرد آمده بودند حاضر شود، از اندرون خانه صدا زد: عیسی مسیح به من دستور داده است در کنج خانه بمانم و گوشه خلوت گزینم و هیچ‌گونه معاشرت عمومی نداشته باشم؛ اما با هریک از رؤسای قبایل و احزاب دوازده‌گانه مسیحی جلسه‌های جداگانه‌ای ترتیب داد. در جلسه خود با هریک از آنان، ضمن آنکه او را به‌عنوان نایب و جانشین حقیقی خود معرفی می‌کرد، از او می‌خواست اگر دیگران در مقابل این حکم که حکم خدا و حکم عیسی مسیح است مقاومت کردند، با آنان مقابله کند و اجازه انحراف در دین مسیح و رهبری مسیحیت را ندهد. در عین حال تأکید می‌کرد به هیچ‌وجه تا زمانی که او زنده است حق اظهار این مسئله را ندارد:

گفت هریک را به دین عیسوی نایب حق و خلیفه من تویی  
و آن امیران دگر اتباع تو کرد عیسی جمله را اشیاع تو  
لیک من تا زنده‌ام این وامگو تا نمیرم این ریاست را مجو  
تا نمیرم من تو این پیدا مکن دعوی شاهی و استیلا مکن  
اینک این طومار و احکام مسیح یک‌به‌یک برخوان تو بر امت فصیح  
مشابه همین رفتار را با همه رؤسای احزاب و قبایل نیز انجام داد و

«هرچه آن را گفت این را گفت نیز». بعد از این توطئه وحشتناک و تفرقه‌افکنانه، باز هم تمام ملاقات‌های خود را به مدت چهل روز تعطیل کرد و بعد از چهل روز خبر مرگ او در شهر پیچید. همه مسیحیان از اطراف جمع شدند و تشییع جنازه باشکوهی از او به عمل آوردند. آرام آرام زمزمه تعیین جانشینی برای او در میان مردم پیچید. در این هنگام یکی از رؤسای قبایل پا پیش نهاد و با ارائه طوماری از وزیر فقید، خود را منصوب از ناحیه او و جانشین بر حق عیسی علیه السلام برای رهبری امت معرفی کرد. همه امیران دیگر نیز طومارهای خود را بیرون آوردند و بدین ترتیب هرکدام دیگری را به تقلب و توطئه متهم کرد. در نتیجه، جنگی داخلی شکل گرفت که در نتیجه آن:

|                                   |                               |
|-----------------------------------|-------------------------------|
| صد هزاران مرد ترسا کشته شد        | تا ز سرهای بریده پشته شد      |
| خون روان شد همچو سیل از چپ و راست | کوه کوه اندر هوا زین گرد خاست |
| تخم‌های فتنه‌ها کو کشته بود       | آفت سرهای ایشان گشته بود      |

در پی این جنگ‌های داخلی خانمان برانداز، یکی دیگر از پادشاهان یهودی علیه مسیحیان قیام کرد و چون مسیحیان درگیر جنگ قدرت بودند، نتوانستند چنانکه باید در مقابل آنها بایستند و بدین وسیله دشمنان توانستند با ایجاد تفرقه در امت عیسی علیه السلام، به اهداف پلید خود دست یابند.

## ۹. جلب حمایت‌های خارجی

سران فتنه می‌کوشند بعد از انجام تحرکاتی در داخل و کسب

موفقیت‌هایی، از طریق حمایت‌های مادی و معنوی خارجی و قدرت‌های بیگانه، دستیابی به اهداف خود را آسان کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از رسانه‌های بیگانه، از طریق حمایت قدرتمندان و استفاده از منابع مالی آنان و دریافت کمک‌های فکری و نظری و نیز تحت فشار قرار دادن قدرت موجود، زودتر به اهداف مورد نظر خود دست پیدا کنند. البته تئوریسین‌های انقلاب‌های مخملی و کودتاهای رنگی نیز به فتنه‌گران توصیه می‌کنند اگر می‌خواهند از کمک‌های خارجی، آمریکایی و اروپایی بهره‌مند شوند، لازم است که در ابتدا قابلیت و توانمندی خود در ایجاد شورش‌های خیابانی و حرکت‌های به اصطلاح مردمی را نشان بدهند.

**جین شارپ در کتاب از دیکتاتوری تا دموکراسی می‌گوید:**

در صورت وجود حرکت‌های مخالف داخلی، حمایت‌های جهانی از آن‌ها می‌تواند بسیار مفید واقع شود. برای مثال، تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی، ممنوعیت‌ها، قطع روابط دیپلماتیک، اخراج از سازمان‌های بین‌المللی، محکومیت توسط بخش‌های مختلف سازمان ملل متحد و موارد مشابه، می‌تواند کمک عظیمی برای این حرکت‌ها باشد. به هر حال، در غیاب یک نهضت مقاومت قدرتمند داخلی، احتمال وقوع موارد بالا کم است و در صورت اجرا نیز تأثیر چندانی نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

## ۱۰. ایجاد سازمان‌های اجتماعی مردم‌نهاد

تئوریسین‌های انقلاب‌های مخملی به مریدان خود توصیه می‌کنند، یکی

۱. جین شارپ، از دیکتاتوری تا دموکراسی، ص ۱۱.

از راه‌های براندازی نرم، ایجاد و تقویت گروه‌های اجتماعی مستقل و سازمان‌های به اصطلاح مردمی است. البته روشن است که منظور از این مطلب این نیست که همه سازمان‌های مردم‌نهاد و مستقل، ابزار دست فتنه‌گران هستند؛ بلکه منظور آن است که فتنه‌گران از این شگرد هم بهره‌برداری می‌کنند. زیرا از طریق این سازمان‌های اجتماعی مردم‌نهاد، بهتر و سریع‌تر می‌توان در لایه‌های مختلف اجتماعی نفوذ کرد و آنان را به سوی هدف مورد نظر سوق داد. این سازمان‌ها طیف وسیعی را در بر می‌گیرند؛ از سازمان‌های معنوی و اخلاقی گرفته، تا سازمان‌های اقتصادی و فرهنگی، ورزشی، تجاری، دانش‌آموزی، گروه‌های موسیقی، انجمن‌های ادبی و امثال آن. طراحی هدفمند این سازمان‌ها و به‌کار گماشتن نیروهای مورد نظر در آن‌ها می‌تواند در مواقع لازم اهداف فتنه‌گران را در سطوح مختلف جامعه پیش ببرد. این سازمان‌ها زمینه‌های شکل‌گیری مقاومت‌های سازمانی در برابر نظام حاکم را فراهم می‌کنند. در حالی که انسان‌های منفرد و غیر سازمانی، هرچه هم قوی و پرتلاش باشند، نمی‌توانند فشار قابل توجهی بر نظام حاکم وارد سازند. برخی از تئوریسین‌های انقلاب‌های مخملی نیز تأکید کرده‌اند که ایجاد چنین سازمان‌هایی پیش‌نیاز موفقیت در مبارزات بعدی است. بدون ایجاد چنین سازمان‌هایی نباید توقع براندازی نرم نظام حاکم را داشت. فایده دیگر چنین سازمان‌هایی این است که فتنه‌گران در موقع لزوم می‌توانند با هزینه‌ای بسیار اندک و در زمانی کوتاه، همه آن‌ها را در قالب شوراهایی برای اداره امور حکومت، پس از براندازی نظام حاکم، به‌کار بگیرند.

## ۱۱. ایجاد فاصله میان مردم و حکومت

بدون تردید هیچ حکومتی بدون پشتوانه مردمی نمی‌تواند پابرجا بماند. اگر هم چند صباحی بتواند با تلبیس‌ها و حیل‌های سیاسی خود را روی پا نگه دارد، طولی نمی‌کشد که خود به خود یا با مخالفتی کوچک و حرکتی ناچیز از میان خواهد رفت.

وابستگی حکومت دینی و مردم‌سالاری اسلامی در حدوث و بقای خود به «مقبولیت مردمی» بر کسی پوشیده نیست. یکی از مهم‌ترین ارکان اقتدار مردم‌سالاری دینی، حمایت‌های مردمی و مقبولیت عمومی است؛ تا جایی که مردم حاضرند برای حفظ و تقویت آن از جان و مال و فرزند خود بگذرند و این بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی در نظام مردم‌سالار دینی و قوی‌ترین مانع بر سر راه فتنه‌گران است.

تا زمانی که مقبولیت مردمی حکومت دینی پابرجا باشد، فرمول فتنه نه فقط کاربردی نخواهد داشت، که نتیجه عکس می‌دهد.

به همین دلیل تئورسین‌های فتنه تلاش می‌کنند این ارتباط وثیق اعتقادی را از طریق ایجاد شبهه در مشروعیت دینی نظام اسلامی و نیز عرفی و عادی جلوه دادن حکومت دینی، سست کنند و از میان بردارند. آنان سعی می‌کنند زمینه اعتقادی و دینی حکومت را از بین ببرند و در نتیجه ارتباط ایمانی و عمیق میان مردم و رهبری را به ارتباطی طبیعی و عادی تبدیل کنند.

## ۱۲. در آمیختن حق و باطل

یکی دیگر از شگردهای فتنه‌گران، در آمیختن حق و باطل با همدیگر است. کسانی که قصد ایجاد فتنه دارند، سعی می‌کنند سخنان باطل خود را در پوششی از سخنان حق ارائه دهند.

امام علی علیه السلام چه زیبا این شگرد فتنه‌انگیزان را برملا می‌سازد، آنگاه که در تحلیل پیدایش فتنه، بعد از اشاره به دو عامل هواپرستی و بدعت‌گرایی، می‌فرماید:

فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفْ عَلَيَّ الْمُتَادِينَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ كِبْسِ الْبَاطِلِ لَانْقَطَعَتْ عَنْهُ السِّنُّ الْمُعَانِدِينَ وَ لَكِنْ يُوْخَذُ مِنْ هَذَا ضَعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضَعْفٌ فَيَمِزْجَانِ فَهِنَالِكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَيَّ أَوْلِيَانَهُ وَ يَنْجُو «الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى»<sup>۱</sup>

اگر باطل با حق آمیخته نمی‌شد حق‌جویان آن را می‌شناختند و اگر حق به باطل پوشیده نمی‌گردید، دشمنان مجال طعنه زدن به آن را نمی‌داشتند. لیکن اندکی از حق و اندکی از باطل را می‌گیرند و با هم می‌آمیزند و در این هنگام شیطان فرصت می‌یابد تا بر دوستانش مسلط گردد و کسانی که لطف خداوند از پیش شامل حالشان شده است، نجات می‌یابند.

طبیعی است کسی که می‌خواهد در جامعه اسلامی و در میان مسلمانان فتنه‌گری کند، نمی‌تواند علناً با معارف اسلامی و ارزش‌های دینی مخالفت کند؛ زیرا در همان ابتدا با شکست مواجه خواهد شد، یا نمی‌تواند به صورت آشکار انگیزه‌های باطنی خود را برای مردم بازگو نماید. اگر مردم

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۰، ص ۴۳.

بدانند که ارباب فتنه دنبال منافع دنیوی خود و به دنبال کسب قدرت برای خود هستند، هرگز حاضر نمی‌شوند هیزم آتش آنان گردند. به همین دلیل، فتنه‌گران می‌کوشند آمیزه‌ای از سخنان حق و باطل را به شکلی جذاب و تأثیرگذار به مردم ارائه دهند و لباسی از حق را بر اندام انگیزه‌های باطل خود بپوشانند. اگر بگویند ما قانون خدا و مقررات دینی را قبول نداریم، کسی از آن‌ها نمی‌پذیرد؛ لذا با شعار حقوق بشر و دموکراسی پیش می‌آیند. اگرچه این‌ها الفاظی زیبا هستند، در پشت این الفاظ زیبا، غالباً انگیزه‌های شیطانی نهفته است. امام علی علیه السلام در حدیثی می‌فرماید:

قَطَعَ ظَهْرِي رِجْلَانِ مِنَ الدُّنْيَا: رَجُلٌ عَلِيمٌ اللِّسَانَ فَاسِقٌ، وَ رَجُلٌ جَاهِلٌ الْقَلْبَ نَاسِكٌ، هَذَا يَصِدُّ بِلِسَانِهِ عَنِ فَسَقِهِ وَ هَذَا بِنَسْكَهٍ عَنِ جَهْلِهِ، فَاتَّقُوا الْفَاسِقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ الْجَاهِلَ مِنَ الْمُتَعَبِّدِينَ أَوْلَيْكَ فِتْنَةٌ كُلُّ مُفْتَوْنٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: يَا عَلِيُّ هَلَاكَ أُمَّتِي عَلِيٌّ يَدِي [كُلِّ] مُنَافِقٍ عَلِيمٍ اللِّسَانِ؛<sup>۱</sup>

دو نفر پشت مرا در دنیا شکستند: مرد زبان‌باز فاسق و مرد نادان ناسک. نفر اول با زبان خود فسقش را می‌پوشاند و نفر دوم با مناسکش نادانی‌اش را مخفی می‌کند. از عالمان فاسق و جاهلان متعبد بپرهیزید. زیرا اینان عاملان فتنه هستند. من از پیامبر شنیدم که فرمود ای علی، نابودی امت من از ناحیه منافقان زبان‌باز است.

روشن است که ضعف فرهنگی و علمی جامعه و بیگانه بودن مردم با معارف اصیل اسلامی و ناتوانی تشخیص حق از باطل می‌تواند فتنه‌گران را

۱. شیخ صدوق، *حصال*، ص ۶۹، حدیث ۱۰۳.



در دستیابی به هدف خود موفق‌تر سازد. به همین دلیل است که ضعف فرهنگی و بی‌بصیرتی سیاسی در جامعه اسلامی را باید بزرگ‌ترین خطر برای ادامه حیات سیاسی حکومت اسلامی دانست.



\_\_\_\_\_ فصل پنجم: عوامل پیدایش فتنه \_\_\_\_\_



انما بَدءُ وِقوعِ الفتنِ اهواءٌ تتبعُ و احكامٌ تُبَدَعُ، يُخالفُ فيها كتابُ الله و يتولى عليها رجالٌ رجلاً علي غير دين الله. فلو انَّ الباطلَ خَلصَ من مَرَجِ الحقِّ لم يَخَفَ علي المرتادين و لو انَّ الحقَّ خَلصَ من لِبسِ الباطلِ لانقَطعتْ عنه ألسُنُ المعاندين و لكن يُؤخَذُ من هذا ضِعْثٌ و من هذا ضِعْثٌ فَيَمزِجانِ فهناك يستولي الشيطانُ علي اوليائه و ينجو «الذين سبقت لهم من الله الحسنى»؛<sup>۱</sup>

همانا پیدایش فتنه‌ها هواهایی است که پیروی می‌شوند و بدعت‌هایی است که گذارده می‌شوند. در چنین شرایطی با کتاب خدا مخالفت می‌شود و مردانی مردان دیگر را پیروی می‌کنند. اگر باطل با حق آمیخته نمی‌شد حق جویان آن را می‌شناختند و اگر حق به باطل پوشیده نمی‌گردید، دشمنان مجال طعنه زدن به آن را نمی‌داشتند. لیکن اندکی از حق و اندکی از باطل را می‌گیرند و با هم می‌آمیزند و در این هنگام شیطان فرصت می‌یابد تا بر دوستانش مسلط گردد و کسانی که لطف خداوند از پیش شامل حالشان شده است، نجات می‌یابند.

پیش از آنکه به بیان عوامل پیدایش فتنه و توضیح سخنان امام علی علیه السلام در این باره پردازیم، لازم است مقدمه‌ای درباره‌ی عوامل شکل‌دهنده‌ی رفتارهای اختیاری انسان بیان کنیم.<sup>۲</sup>

اگر بخواهیم منشأ و ریشه‌ی اصلی تحولات فکری و رفتاری انسان‌ها را

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۵۰، ص ۴۳.

۲. برای توضیح بیشتر در این زمینه، ر.ک: در پرتو آذرخش، صص ۵۰-۵۵.

بررسی کنیم، لازم است عوامل شکل‌دهنده رفتارهای اختیاری او را بشناسیم. هر کار اختیاری‌ای که از انسان سر می‌زند معلول دو دسته از عوامل است:

۱. عوامل شناختی، نگرشی و بینشی؛

۲. عوامل روحی، گرایشی و انگیزشی.

انسان تا در مقام فکر و تحلیل رفتارهای خود به این نتیجه نرسد که کاری خوب و ارزشمند است، هرگز به آن اقدام نمی‌کند؛ البته این بینش و داوری درباره‌ی خوب یا بد بودن یک فعل، مبتنی بر یک دسته از باورهای کلی ناظر به خدا، جهان و انسان است. کسی که دارای جهان‌بینی مادی باشد، طبیعتاً کارهایی را خوب و باارزش می‌داند که لذت یا سود این جهانی داشته باشد و هیچ توجهی به جهانی دیگر ندارد؛ زیرا اصولاً به چنان جهانی باور ندارد. اما کسی که دارای جهان‌بینی الهی است و برای انسان و جهان، صاحب و خالق قائل است و به جهان دیگر نیز اعتقاد دارد، کارهایی را ارزشمند می‌داند که دست‌کم خلاف خواست خداوند نباشد و در مسیر سعادت حقیقی و واقعی او نیز قرار بگیرد. دایره‌ی دید او به جهان مادی محدود نیست؛ بلکه طبیعت و ماورای طبیعت، هر دو را شامل می‌شود. طبیعتاً داوری ارزشی چنین اشخاصی درباره‌ی کارها با گروه اول متفاوت است.

در کنار عوامل اندیشه‌ای و بینشی، کارهایی که از انسان سر می‌زند بعضاً ناشی از عوامل انگیزشی و گرایشی است. در مواردی می‌بینیم افرادی

از نظر فکری و اعتقادی، انجام یک کار را خلاف مصالح خود می‌دانند و آن را کاری ناپسند معرفی می‌کنند، اما به دلیل علاقه و میلی که به آن دارند، آن را انجام می‌دهند. مانند بسیاری از کسانی که به مواد مخدر آلوده هستند. شاید کمتر کسی باشد که زشتی این عمل را باور نداشته باشد، اما معتادان به دلیل علاقه و میلی که به آن دارند، به استعمال چنین موادی گرایش دارند. البته این دو عامل، تأثیر و تأثری جدی در یکدیگر دارند. انحراف‌های فکری به انحراف در گرایش‌ها و انگیزش‌ها منجر می‌شود و انحراف در انگیزش نیز انحراف‌های فکری را تسهیل می‌کند. بر این اساس، اگر تفکر کسی، تفکری باطل و نادرست باشد، طبیعتاً رفتارهای او نیز نتیجه‌درستی نخواهد داشت و نیز اگر گرایش‌ها و امیال افراد، گرایش‌های باطل و نادرست باشد، طبیعتاً او را به سوی افکار و اندیشه‌های نادرست نیز سوق خواهد داد. لذا برای تصحیح رفتارهای خود و دیگران باید این دو دسته از عوامل را تصحیح کنیم. فکر سالم و صحیح موجب می‌شود انسان با سهولت بیشتری حقایق عالم را فهم کند. میل و انگیزش صحیح و سالم نیز موجب می‌شود از انسان رفتارهای خوب و سعادت‌آفرین صادر شود. هرگونه انحرافی در افکار و امیال افراد نیز موجب می‌شود تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی‌شان به انحراف کشیده شود و آنان را از سعادت حقیقی دور سازد.

به عنوان مثال، در جریان اغتشاش‌های بعد از انتخابات ریاست جمهوری دهم در جمهوری اسلامی ایران و بازجویی‌های صورت گرفته از

عاملان و بانیان اغتشاش، اقرارهای برخی از آنان نشان می‌دهد که انحراف فکری چگونه توانسته است زمینه ایجاد انحراف‌های عملی آنان و در نتیجه بستر فتنه در کشور را پدید آورد. یکی از این افراد به صراحت اعلام کرد که منشأ اصلی تحلیل‌ها و نظریه‌های انحرافی و فتنه‌انگیز او، انحراف فکری و عقیدتی‌اش بوده است. وی مدعی شد در تأملات تنهایی‌اش و با بررسی دیدگاه‌ها و رفتارهای خود از دهه هفتاد به بعد، به این نتیجه رسیده است که به سبب تبعیت و تقلید از تئوری پردازان و اندیشمندان غربی و تطبیق غیر علمی اندیشه‌های غربیان با شرایط ایران، نتوانسته است تحلیلی واقعی از شرایط نظام جمهوری اسلامی و مبانی حضرت امام و انقلاب اسلامی داشته باشد. بنابراین عامل اصلی تأثیرگذاری خویش در فتنه اجتماعی و سیاسی بعد از انتخابات دهم را پیروی کورکورانه از نظرات اندیشمندانی چون ماکس وبر و تعمیم دیدگاه‌های او بر شرایط کشور ما دانست.<sup>۱</sup>

بعد از این بحث مقدماتی، اکنون علل و عوامل پیدایش فتنه در جامعه اسلامی را از دیدگاه امام علی (علیه السلام) بررسی می‌کنیم.

آن حضرت در سخنی که پیشتر از او نقل کردیم، منشأ اصلی فتنه‌های اجتماعی را دو عامل می‌داند: انحراف در خواسته‌ها و گرایش‌های افراد و انحراف در باورهای دینی و داوری‌های ارزشی آنان. گاهی خواسته‌ها و امیالی در انسان پیدا می‌شود و انسان نیز آنچنان که باید به آن‌ها توجه

۱. ر.ک: روزنامه کیهان، متن کامل اعترافات سعید حجاریان در دادگاه، چهارشنبه، ۴ شهریور ۱۳۸۸، شماره ۱۹۴۴۶، ص ۳.



نمی‌کند؛ در نتیجه کنترلی بر روی آنها ندارد و به مقتضای آنها عمل می‌کند. این امیال و هوس‌ها، آرام آرام نه فقط منشأ گرفتار شدن انسان در دام فتنه می‌شود، که خود منشأ پیدایش فتنه‌های بزرگ‌تر اجتماعی نیز می‌گردد.

عامل دیگر، مسئله بدعت در دین است. در یک جامعه دینی طبیعتاً اموری که رنگ و لعاب دینی داشته باشد، بیشتر و سریع‌تر مورد پذیرش مردم قرار می‌گیرد. در این جوامع برخی می‌کوشند مسائلی را به نام دین مطرح کنند و بدعت‌هایی در دین ایجاد کنند که رهزن فکر و عمل انسان‌های ساده‌لوح و ساده‌اندیش است. کسانی که با معارف دینی آشنایی عمیق ندارند، وقتی سخنی از این افراد می‌شنوند که چاشنی‌ای از آیات و روایات ضمیمه آن شده است، گمان می‌کنند که آنها از جانب دین سخن می‌گویند و به اهداف پنهان آنها توجهی ندارند. نتیجه این بدعت‌ها این می‌شود که شبکه‌ای از ارتباط‌های اجتماعی پدید می‌آید که خلاف معیارهای دینی است و افراد هرچند در ظاهر در زمره اهل ایمان به‌شمار می‌روند، در باطن و بدون آنکه خود بدانند، شخصیتی دیگر دارند و باورها و اعتقاداتشان غیر دینی و بدعت‌آلود است.

### ۱. خودخواهی و هواپرستی

منشأ بسیاری از فتنه‌های اجتماعی، حب جاه و مقام و ریاست‌طلبی و خودخواهی و خودبزرگ‌بینی است. خودخواهی موجب می‌شود در مواردی

که خواسته‌های انسان با موازین دینی و الهی سازگاری ندارد، به توجیه رفتار یا تأویل‌های ناشایسته‌ای از معارف دینی دست بزند. از دیدگاه چنین افرادی، معیار ارزش کارها، موافقت و سازگاری آن‌ها با هوس‌ها و خواهش‌های نفسانی آنان است. هر کاری که مطابق امیال و خواسته‌های آنان باشد، خوب و هر کاری که مخالف امیال و اهداف شخصی و گروهی‌شان باشد، بد است.

تحلیل روان‌شناختی مسئله به این صورت است که برخی افراد مؤمن و مسلمان که عمدتاً از افراد ذی‌نفوذ و تأثیرگذار جامعه هم هستند و به تعبیر دیگر از طبقه‌الیت‌ها و نخبگان جامعه شمرده می‌شوند، از حکومت وقت توقعاتی شخصی دارند؛ توقعاتی از قبیل دستیابی به پست و مقام یا بهره‌برداری بیشتر از ثروت‌ها و امکانات ملی و امثال آن. اما هنگامی که این خواسته‌ها مورد توجه حکومت قرار نمی‌گیرد، برای دستیابی به امیال و هوس‌هایشان به راه‌اندازی تشکلات، گروه‌ها، حزب‌ها و جبهه‌ها اقدام می‌کنند. آن‌ها ظاهر و ویرین فعالیت خود را مبارزه با ظلم، بی‌عدالتی و بی‌قانونی قرار می‌دهند، اما باطن آن و پشت پرده اقدام‌های آنان چیزی جز ریاست‌طلبی، خودخواهی و حبّ جاه نیست. هدف آنان این است که هم از حکومت و نظام عادلانه اسلامی انتقام بگیرند و هم به خواسته‌های خود دست پیدا کنند.

البته روشن است که نویسنده قصد ندارد منشأ هر حرکتی در جهت ایجاد حزب، جبهه، گروه یا تشکل را لزوماً هواهای نفسانی و غیر الهی بداند. ممکن است شخص یا اشخاصی پیدا شوند که به انگیزه الهی و به

منظور پیشبرد اهداف دینی و الهی، حزب، گروه، تشکل و جبهه تأسیس کنند؛ اما به هر حال، این تحلیل هم دور از واقعیت نیست که بسیاری از افراد به منظور دستیابی به خواسته‌ها و هوس‌های پست و غیر الهی خود به تأسیس چنین مراکزی اقدام می‌کنند. یکی از نشانه‌های تشکیلات و احزاب فتنه‌انگیز و فتنه‌خیز این است که معمولاً بعد از یک ناکامی و شکست در دستیابی به قدرت تأسیس می‌شوند.

هواپرستی می‌تواند ابعاد و شاخه‌های فراوانی داشته باشد. به‌عنوان مثال، ریاست‌طلبی، شهرت‌طلبی، زراندوزی و ثروت‌گرایی از شاخه‌های همین عامل است. در اینجا به‌منظور تأثیر این عامل در فتنه‌های اجتماعی، به ذکر شواهد و نمونه‌هایی از تاریخ اسلام می‌پردازیم.

#### ۱-۱. ریاست‌طلبی

نمونه‌های تاریخی این تحلیل را می‌توان در تأسیس «حزب پیمان‌شکنان» توسط طلحه، زبیر و عایشه و همچنین دشمنی‌ها و کارشکنی‌های معاویه علیه حکومت علوی مورد مطالعه قرار داد. توضیح آنکه، به اذعان همه مورخان، طلحه و زبیر نخستین کسانی بودند که با امام علی علیه السلام بیعت کردند؛<sup>۱</sup> اما بلافاصله پس از پایان مراسم بیعت، خصوصی به

۱. ر.ک: ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۳۰۲؛ طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۴۵۱؛ ابن کثیر، *البدایه و النهایه*، ج ۷، ص ۲۵۳؛ ابن قتیبه، *الامامه و السیاسه*، ج ۱، ص ۴۷؛ ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۳، ص ۶۱۰.

نزد آن حضرت رفتند و خواستار مشارکت در امر حکومت شدند<sup>۱</sup> و ادعا کردند که اساساً انگیزه اصلی آنان از بیعت همین بوده است.<sup>۲</sup> آن دو به امام علی علیه السلام تأکید کردند که باید در امور حکومتی و تصمیم‌های کلان کشوری با آنان رایزنی شود و به اصطلاح به بازی گرفته شوند و از اینکه آن حضرت در تصمیم‌های خود و تقسیم قدرت و نحوه توزیع ثروت با آنان مشورت نمی‌کند سخت برآشفته و معترضانه از آن حضرت توضیح خواستند و البته با پاسخ قاطع و محکم امام علی علیه السلام مواجه شدند.<sup>۳</sup> آنان وقتی دیدند که نمی‌توانند در تصمیم‌های حکومت مرکزی به سود خود نقش آفرینی کنند، از امام علی علیه السلام خواستند دست‌کم مسئولیت برخی مناطق جهان اسلام از قبیل بصره و کوفه را به آنان واگذارند و مدعی بودند با این کار شاید اندکی از حق از دست رفته آنان در دوران خلفای گذشته جبران شود.<sup>۴</sup> وقتی که از این راه هم نتوانستند به مقصود خود برسند، فتنه جمل را راه‌اندازی کردند.

عامل اصلی ایجاد فتنه صفین نیز همین ریاست‌طلبی، خودخواهی و هواپرستی حاکمان شام بود. معاویه سال‌ها بعد از شهادت امام علی علیه السلام به صراحت بیان کرد که جنگ او با آن امام و یارانش برای دفاع از اسلام و

۱. یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۲. ابن قتیبه، الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۵۱.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۵.

۴. ر.ک: احمد البلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۸؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۱.

ارزش‌های اسلامی و احیای روزه و نماز و حج و زکات نبوده است. او به دنبال حکومت، ریاست و خلافت بوده است.<sup>۱</sup>

مولوی در تأویل آیه فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ می‌گوید: چهار صفت در انسان هست و آن‌ها را چهار مرغ فتنه‌جو معرفی می‌کند؛ چهار مرغی که رهن‌راه معنویت و حقیقت‌اند. اگر کسی می‌خواهد ابراهیم‌وار به مقام دوستی خداوند نایل شود، باید آن چهار مرغ را از سر راه خویش بردارد. آن چهار صفت فتنه‌جو و رهن‌راه عبارت‌اند از: حرص و شهوت و جاه و آرزو: زانک این تن شد مقام چهار خو نامشان شد چار مرغ فتنه‌جو خلق را گر زندگی خواهی ابد سر ببر زین چار مرغ شوم بد ... سر ببر این چار مرغ زنده را سرمدی کن خلق ناپاینده را بط و طاوس‌ست و زاغ‌ست و خروس این مثال چار خلق اندر نفوس بط حرص‌ست و خروس آن شهوت‌ست جاه چون طاوس و زاغ امنیت‌ست<sup>۲</sup>

## ۲-۱. دنیاطلبی

یکی از مهم‌ترین علل پیدایش فتنه، دنیاطلبی است. به‌ویژه گرایش به ثروت و زراندوزی موجب می‌شود کسانی که امکان دستیابی به این اهداف را در نظام اسلامی برای خود نمی‌بینند، به فتنه و آشوب پردازند.

۱. شمس‌الدین الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، صص ۱۴۶-۱۴۷.

۲. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ابیات ۳۱-۴۴.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

در یکی از مناجات‌های حضرت موسی علیه السلام با خداوند، خطاب رسید که ای موسی علیه السلام! همچون ستمکاران و کسانی که دنیا را پدر و مادر خود می‌دانند بر دنیا تکیه نکن... ای موسی علیه السلام بدان که دنیادوستی آغاز همه فتنه‌ها است...<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

آگاه باشید که دوستی دنیا اساس همه گناهان، دروازه همه بلاها و مجمع هر فتنه‌ای است.<sup>۲</sup>

آن امام عزیز در تحلیلی کلی، انگیزه مشترک همه مخالفان خود را - اعم

از ناکتین، قاسطین و مارقین - دنیاطلبی می‌داند و می‌فرماید:

چون به کار برخاستم گروهی پیمان بسته شکستند و گروهی از جمع دین‌داران بیرون جستند و گروهی دیگر با ستمکاری دلم را خستند. گویا هرگز کلام پروردگار را نشنیدند یا شنیدند و کار نبستند که می‌فرماید: «سرای آن جهان از آن کسانی است که برتری نمی‌جویند و راه تبه‌کاری نمی‌پویند و پایان کار، ویژه پرهیزگاران است» آری به خدا دانستند، لیکن دنیا در دیده آنان زیبا بود و زیور آن در چشم‌هایشان خوش‌نما.<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام زمانی زمام حکومت را در دست گرفت که به جای

ارزش‌هایی همچون زهد و ساده‌زیستی، انباشت سرمایه‌های نامشروع و

زندگی اشرافی، نشسته بود؛ حتی پاره‌ای از صحابه پرآوازه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

۱. هادی نجفی، موسوعه احادیث اهل البیت، ج ۸، ص ۲۸۸، حدیث شماره ۱۰۰۱۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، حدیث ۸۶، ص ۲۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۳، ص ۱۱.

نیز در دام این بلا گرفتار آمده بودند. یکی از علل خودداری برخی از افراد از بیعت با امام علی علیه السلام همین مسئله بود. برخی از مورخان گفته‌اند علت خودداری زید بن ثابت و کعب بن مالک از بیعت با امام علی علیه السلام، دنیازدگی و دنیاطلبی آنان بود.<sup>۱</sup> به‌راستی کسی که سرمایه او به اندازه‌ای باشد که شمش‌های طلا و نقره‌اش را با تبر جدا کنند،<sup>۲</sup> چگونه می‌تواند با حکومت علی علیه السلام کنار آید؟

نگاهی به کارنامه اقتصادی سران فتنه جمل نیز همین حقیقت را نشان می‌دهد که عامل اصلی پیدایش این فتنه، دنیاطلبی و ثروت‌اندوزی آنان بوده است. طلحه بن عبیدالله یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران آن دوران به حساب می‌آمد.<sup>۳</sup> هدایای دریافتی او از خلیفه سوم، افزون بر درهم‌های بی‌شمار، شمش‌های طلا و باغ‌ها و زمین‌های پردرآمد، دویست هزار دینار بوده است.<sup>۴</sup>

زبیر بن عوام نه فقط در مدینه دارای زندگی تجملی و اشرافی بود، بلکه در نقاط مختلف جهان اسلام، مانند مصر، اسکندریه، کوفه و بصره نیز زمین‌ها و خانه‌هایی داشت.<sup>۵</sup> طبیعی است این گروه نمی‌توانند در مقابل حاکمی که در همان نخستین روز حکومتش اعلام می‌کند «آنچه عثمان تیول

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۴۵۲.

۲. علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۴۲.

۳. ابن شیه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۳، صص ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱.

۴. احمد البلاذری، انساب الاشراف، ج ۶، ص ۱۰۸.

۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۱۰.

برخی کرده و اموالی که به ناحق بخشیده است به بیت‌المال باز خواهد گرداند»<sup>۱</sup> ساکت بنشینند و به فتنه‌گری نپردازند. دنیاطلبی سران فتنه قاسطین نیز بر همگان روشن است. عمرو بن عاص در ابتدای خلافت امام علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به معاویه نوشت:

هر کار که می‌توانی انجام بده؛ زیرا فرزند ابوطالب، چنانکه چوب را پوست می‌کنند، تو را از هر مال و سرمایه‌ای که داری، جدا خواهد کرد.<sup>۲</sup> شاید گمان شود که عامل دنیاطلبی و زراندوزی را نتوان درباره فتنه‌گران نهروان بیان کرد؛ زیرا دنیاطلبی با شب‌زنده‌داری، نماز و روزه طولانی چندان قابل جمع نیست. اما نباید فراموش کرد بسیاری کسانی که دین را پلی برای دستیابی به دنیا قرار می‌دهند. مالک اشتر، صحابی بصیر امام علی علیه السلام چه زیبا این حقیقت را درباره خوارج فهمیده بود، آنگاه که خطاب به آنان می‌گفت:

ای گروه پیشانی‌سیاه! گمان می‌کردیم نماز شما از سر بی‌رغبتی به دنیا و شوق به لقاء الله است؛ در حالی که اکنون می‌بینیم از مرگ گریزان و به سوی دنیا شتابانید.<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام نیز درباره روان‌شناسی این دسته از مردم چنین می‌فرماید: با اعمال آخرت، دنیا می‌طلبند و با اعمال دنیا در پی کسب مقام‌های معنوی نیستند. خود را کوچک و متواضع جلوه می‌دهند. گام‌ها را ریاکارانه کوتاه برمی‌دارند؛ دامن خود را جمع می‌کنند و خود را همانند

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۶۹.

۲. همان، ص ۲۷۰.

۳. نصر بن مزاحم المنقری، وقعة صفین، ص ۴۹۱.



مؤمنان واقعی می‌آرایند و پوشش الهی را وسیله نفاق و دورویی و دنیاطلبی می‌سازند.<sup>۱</sup>

## ۲. بدعت‌گذاری در دین

یکی دیگر از سرچشمه‌های پیدایش فتنه، انحراف از احکام و مقررات اسلامی از طریق تحریف یا تغییر پاره‌ای از آنها است. به تعبیر دیگر، نوگرایی بی‌منا در احکام دینی و بدعت‌گذاری در دین، یکی دیگر از ارکان پیدایش فتنه است. البته نیاز به توضیح ندارد که هرگونه نوآوری در دین به منزله بدعت نیست؛ بلکه براساس مبانی تفکر شیعی، عالمانی که از مقتضیات زمان و مکان آگاهی دارند، همواره متناسب با موضوع‌های جدید و بر پایه اصول و مبانی اسلامی، احکامی نو صادر می‌کنند و عامل زنده بودن دین و آموزه‌های دینی در همه زمان‌ها و مکان‌ها نیز همین است. اما بدعت بدین معنا است که کسی آموزه‌ای را وارد دین کند که هیچ اصل و اساسی در دین نداشته است.

بدعت در حقیقت مکمل عامل اول، یعنی هوا و هوس است. به این صورت که ابزاری است در دست هوس‌رانانی که اطلاعاتی از دین دارند و سعی می‌کنند با تمسک به آیات و احادیث و ارائه تفسیرهای خاصی از آنها، راهی برای توجیه هوا و هوس خود بیابند. بدعت در دین معمولاً از سوی عالمان، دین‌شناسان، روشنفکران و اندیشمندان صورت می‌گیرد و نه

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۲، ص ۳۲.

مردم عادی. این‌ها هستند که با جعل احکامی بی‌مبنا به نام دین، افراد غیر متخصص و غیر عالم را به گمراهی می‌کشانند. لغزش این گروه موجب لغزش جمع کثیری از مردمان می‌شود. از آنجا که عالمان از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردارند و نفوذ ویژه‌ای در قشرهای مختلف مردم دارند، به‌طور طبیعی مرجع و منبع فکری و رفتاری بسیاری از مردم عادی به‌شمار می‌روند. در نتیجه وقتی چنین عالمی، بدعتی در دین خدا ایجاد کند، حامیان و مدافعان و مقلدان او، بدون آنکه توانایی تشخیص احکام حقیقی و احکام بدعت‌آلود را داشته باشند، به انگیزه دین‌داری و حمایت از عالمان دین، پشت سر آن عالم بدعت‌گذار حرکت خواهند کرد. در مقابل، عالمان آگاه و روشن‌بینی که از آن احکام تقلبی و دروغین آگاهی دارند و بدعت‌گذاری آن عالمان فاسد را می‌فهمند، به حکم وظیفه دینی و عقلی خود، در مقابل آن بدعت‌ها ایستادگی می‌کنند و عده‌ای دیگر از مردم نیز به حمایت از اینان در مقابل دسته اول می‌ایستند. این تقابل و رویارویی ممکن است آرام آرام به فتنه‌ای عظیم در جامعه اسلامی بدل شود.

مگر غیر از این است که بدعت‌های صورت‌گرفته در صدر اسلام موجب شد عده بسیاری از مردم مسلمان و صحابه پیامبر ﷺ، قریه‌السی الله به جنایت‌هایی هولناک علیه خاندان پیامبر ﷺ و شهدای کربلا دست بزنند؟ مگر امام باقر ﷺ درباره انگیزه قاتلان امام حسین ﷺ نفرمود:  
 كل يتقربون الي الله بدمه.

مگر عمر بن سعد برای تحریک و تهییج سپاهیان خود به جنگ با امام

حسین علیه السلام و یاران مظلومش، با شعار یا خیل الله اِركبي و بالجنة اِشري<sup>۱</sup> دستور حمله به خیام امام حسین علیه السلام را صادر نکرد؟ و مگر بسیاری نیز از این فرمان با شعار الله اکبر و با عشق به خدا و پیامبر و به انگیزه تبعیت از دستورات دین، این فرمان را عملی نکردند؟ این است نتیجه ایجاد بدعت در دین! امام علی علیه السلام بدعت گذاری را یکی از صفات مبغوض ترین و منفورترین انسانها در نزد خداوند می داند و انسانهای بدعت گذار را منشأ فتنه و به انحراف کشاندن مردمان معرفی می کند و می فرماید:

خداوند دو کس را بیش از همه دشمن می دارد: نخست کسی که خداوند او را به حال خودش وا گذاشته و او از راه راست منحرف شده و دلش شیفته سخنانی است که بدعت آور است و به گمراهی فرا می خواند. چنین انسانی فتنه ای است برای فتنه جوینان. او راه روشن پیشینیان را نیافته و آنان را که در زمان حیات یا پس از مرگش از وی دنباله روی می کنند، گمراه می سازد. او هم بار گناهان دیگران را بر دوش می کشد و هم در گرو خطاهای خویش است و دوم کسی است که انبوهی از نادانی را در خود فراهم ساخته و در میان مردم نادان برای فریب دادنشان به هر سوی می شتابد. در تاریکی های فتنه می تازد و در بستن پیمان سازش میان مردم کور است. انسان نماها او را دانشمند می نامند؛ در حالی که چنین نیست... به ناحق در میان مردم بر کرسی داوری نشست، و بیان اموری را که بر دیگران مشتبه شده به عهده گرفت. اگر مسئله مبهمی را نزد او طرح کنند، آرای سست و بی پایه اش را در کار می آورد و براساس آن حکم قطعی می دهد. او مانند مگسی که گرفتار تارهای عنکبوت شده درگیر

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۱، باب ۳۷، حدیث ۱.

شبهات است و نمی‌داند که آیا در حکم خود بر صواب بوده یا بر خطا...  
خون‌های به ناحق ریخته و میراث‌های غارت شده از داورهای ظالمانه  
او در فریاد و ناله‌اند.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام در خطبه‌ای دیگر، عامل اصلی غرق شدن بسیاری از افراد  
در دریای فتنه‌ها را چنگ زدن آنان به بدعت‌ها و رها کردن سنت‌ها معرفی  
کرده و می‌فرماید:

قَدْ خَاصُوا بِحَارِ الْفِتَنِ وَ اخَذُوا بِالْبِدَعِ دُونَ السُّنَنِ؛

جمعی در دریای فتنه غرق شدند، به بدعت‌ها چنگ زدند و سنت‌ها را  
رها کردند.<sup>۲</sup>

### ۳. رابطه متقابل عوامل یادشده با یکدیگر

همان‌طور که گفتیم، این دو عامل، مکمل یکدیگرند. جمع این دو  
موجب ایجاد فتنه و شکل‌گیری تشکیلات فتنه می‌شود. مسلمانی که به دنبال  
دلخواه و هوس‌های خود می‌رود، همواره نگران و مضطرب است. او امیال  
و خواسته‌هایی دارد که دین، پیروی از آن‌ها را منع کرده است. در نتیجه  
تعارضی میان کشش‌های درونی و باورها و اعتقادات او پیش می‌آید.  
طبیعتاً انسان نمی‌تواند با تعارض و تضاد درونی زندگی کند و به دنبال راه  
حل خواهد گشت. یا باید هواهای نفسانی خود را قربانی کند یا دین را. اما  
اگر راه سومی پیدا شود که جامع هر دو باشد، طبیعتاً مطلوب چنین افرادی

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷، صص ۱۸ و ۱۹.

۲. همان، خطبه ۱۵۴، ص ۱۵۲.

خواهد بود. اینجا است که برخی از این افراد که اطلاعات دینی قوی‌تر و بیشتری دارند، معمولاً سعی می‌کنند تفسیری از دین و معارف دینی ارائه دهند که با هواهای نفسانی‌شان سازگار باشد؛ لذا دیدگاه‌های خود را با دست و پا کردن برخی توجیهات، به نام دین ارائه می‌دهند.

به‌عنوان مثال، برای توجیه میل به رقص و پایکوبی و برخی از موسیقی‌هایی که در دین تحریم شده است، گفته می‌شود این‌ها از انواع هنرند و دین هم با هنر مخالفتی ندارد و حتی مشوق آن نیز هست. با عناوینی همچون موسیقی و رقص ملی و باستانی می‌کوشند به توجیه احکام دین دربارهٔ تحریم غنا و رقص پردازند. گویا وقتی دین، موسیقی غنایی یا رقص را حرام کرده است، صرفاً منظورش موسیقی‌ها و رقص‌های مدرن غربی بوده است. بنابراین سعی می‌کنند با این حرف‌های نو و بدعت‌ها، آن هواهای نفسانی خود را توجیه کنند.

نتیجهٔ توأم شدن این دو عامل این می‌شود که در جامعهٔ دینی و اسلامی، به جای آنکه روابط اجتماعی و تشکیلات اجتماعی، برای اجرای دین و تحقق احکام الهی و در راستای تحقق اهداف دینی باشد، روابطی شکل می‌گیرد که نه فقط بر پایهٔ دین و به‌منظور دفاع از آموزه‌های دینی نیست، که بر پایهٔ باطل و امور ضد دینی است. پایه و اساس آن تشکیلات، پیروی از هوای نفس و بدعت‌ها است؛ روابطی که بر اساس اهداف سیاسی و حزبی و گروهی است:

يَتَوَلَّىٰ عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَيَّ غَيْرِ دِينِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

اینجاست که فتنه به طور کامل شکل می‌گیرد و در چنین شرایطی است که افرادی که تا دیروز مؤمن و نمازخوان بودند، اکنون به دین و ایمان و گذشته ایمانی خود پشت می‌کنند.

---

۱. همان، خطبه ۵۰، ص ۴۳.

فصل ششم: پیامدهای فتنه





امام علی علیه السلام در جاهای مختلفی به پیامدهای اجتماعی، دینی و فرهنگی فتنه در جامعه اسلامی اشاره کرده است. توجه به این پیامدها موجب می‌شود برداشت جامع‌تری از مسئله فتنه داشته باشیم. بدون تردید نباید به مسئله فتنه فقط به عنوان یک تهدید نگاه کرد؛ بلکه فتنه می‌تواند یک فرصت خوب برای جامعه اسلامی و حکومت دینی باشد. به تعبیر مولوی، می‌توان از فتنه سرخرو شد یا می‌توان از آن بی‌مراد بود:

هر فتنه همچون میزان است. بسیاران از او سرخرو شوند و بسیاران بی‌مراد شوند.<sup>۱</sup>

همه چیز به نوع مواجهه ما با فتنه‌ها وابسته است. در این فصل می‌کوشیم برخی از پیامدهای منفی و مثبت فتنه را بیان کنیم:

### ۱. پیامدهای منفی فتنه

#### ۱-۱. پیدایش «تشکیلات فتنه»

یکی از پیامدهای منفی وقوع فتنه در جامعه اسلامی، پیدایش تشکیلات فتنه و به تعبیر امام علی علیه السلام «برپایی و گسترش پرچم‌های گمراهی» است. فتنه موجب می‌شود فتنه‌گران هویت جمعی و تشکیلات اجتماعی منظم‌تر و

۱. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ص ۸۱۳.

منسجم‌تری پیدا کنند. پیامد فتنه این است که کسانی که تا قبل از وقوع فتنه هیچ اطلاع و شناختی از یکدیگر نداشتند، همدیگر را پیدا می‌کنند و امکانات و نیروهای پراکنده خود را هماهنگ‌تر و منسجم‌تر می‌سازند. امام علی علیه السلام حوادث بعد از خود (فتنه بنی‌امیه) را به پرچم ضلالتی تشبیه می‌کند که همچون درختی استوار بر زمین کوبیده شده است و شاخه‌های خود را به قسمت‌ها و بخش‌های مختلف می‌پراکند و به همین دلیل افراد بیشتری را زیر چتر خود جای می‌دهد.<sup>۱</sup>

نتیجه پیدایش «تشکیلات فتنه» این می‌شود که فتنه‌گران می‌کوشند مرام‌نامه و اساس‌نامه‌ای برای خود تدوین کنند؛ مبانی فکری خود را ساماندهی نمایند و برای آینده تشکیلات خود برنامه‌ریزی دقیق‌تری داشته باشند تا بتوانند در جامعه از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار شوند و نیروهای بیشتری را جذب کنند.

## ۲-۱. فراموش شدن ارزش‌ها

یکی دیگر از پیامدهای منفی فتنه، فراموش شدن و از بین رفتن ارزش‌های اسلامی است. اگر در عوامل پیدایش فتنه و بسترهای شکل‌گیری آن تأمل شود، مشاهده می‌شود که چنین نتیجه و پیامدی خیلی دور از انتظار نیست. ایجاد شبهه در دین و باورهای اجتماعی مردم، بی‌توجهی به مقررات اسلامی و ضوابط اداری و اقتصادی نظام اسلامی، ثروت‌گرایی و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸، ص ۱۰۱.

مال‌اندوزی، بدعت در دین و هواپرستی، از جمله بسترها و عوامل ایجاد فتنه بودند. طبیعتاً اگر در نتیجه این علل و عوامل فتنه‌ای رخ دهد، حاصلی جز از بین رفتن احکام و ارزش‌های اسلامی نخواهد داشت.

امام علی علیه السلام چه زیبا حوادث بعد از خودش را که محصول فتنه بودند، توصیف می‌کند:

سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَخْفَىٰ مِنَ الْحَقِّ وَلَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا أَكْثَرَ مِنَ الْكُذْبِ عَلَيَّ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا لَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ سِلْعَةٌ أَبْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا ثَلِمَ حَقُّ تِلَاوَتِهِ وَلَا انْفَقَ مِنْهُ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَلَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ أَنْكَرَ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا أَعْرَفَ مِنَ الْمُنْكَرِ فَقَدْ نَبَذَ الْكِتَابَ هَمَلَةً وَتَنَاسَاهُ حَفْظَةً؛<sup>۱</sup>

و زودا که پس از من بر شما روزگاری آید که چیزی از حق پنهان‌تر نباشد و از باطل آشکارتر و از دروغ بستن بر خدا و رسول او بیشتر؛ و نزد مردم آن زمان، کالایی زیانمندتر از قرآن نیست اگر آن را چنانکه باید بخوانند، و نه پرسودتر از قرآن، اگر معنی کلماتش را برگردانند؛ و در شهرها چیزی از معروف ناشناخته‌تر نباشد و شناخته‌تر از منکر. حاملان کتاب خدا آن را واگذارند و حافظانش آن را به فراموشی سپارند.

### ۳-۱. حاکمیت حاکمان سودجو

از دیگر پیامدهای منفی فتنه، حاکمیت حاکمان ستمگر، سودجو و دیکتاتورمآب است؛ حاکمانی که هرچند در ظاهر خود را خیرخواه مردم معرفی می‌کنند، در باطن جز در فکر حزب و گروه خود نیستند و اندیشه‌ای

۱. همان، خطبه ۱۴۷، ص ۱۴۳.

جز ثروت اندوزی، قدرت طلبی و خوشگذرانی ندارند. دشمن حقیقت‌اند و هتّاک و گستاخ با اهل حق. امام علی علیه السلام در اواخر عمر مبارکشان در سال چهل هجری، پس از آنکه فتنه‌های مختلفی را پشت سر گذاشت و مبارزه‌های بی‌امانی با فتنه‌گران کرد، با بصیرت منحصر به فرد خویش دربارهٔ پیامدهای برخی از این فتنه‌ها در آینده‌ای نزدیک چنین فرمود:

همانا پس از من مردی بر شما چیره شود که گلویی گشاده دارد و شکمی فراخ و برون افتاده. بخورد هر چه یابد و بجوید آنچه نباید. اگر توانید او را بکشید، و نتوانیدش کشت. او شما را فرمان دهد تا مرا دشنام گوید و از من بیزاری جوید. اما دشنام، مرا دشنام دهید که برای من زکات است و برای شما نجات. اما بیزاری، از من بیزاری مجوید که من بر فطرت مسلمانی زادم و در ایمان و هجرت از همه پیش افتادم.<sup>۱</sup>

## ۲. پیامدهای مثبت فتنه

### ۲-۱. جداسازی مرزها

یکی از ثمرات مثبت وقوع فتنه‌های اجتماعی در جامعه اسلامی این است که مرزهای مؤمنان راستین از مؤمنان زبانی و گفتاری جدا می‌شود. تا زمانی که فتنه‌ای رخ نداده است، انسان گمان می‌کند همهٔ افراد یکرنگ و یکدست‌اند؛ اما زمانی که فتنه و آزمایش اجتماعی بزرگی رخ می‌دهد، صفاها جدا می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. همان، خطبهٔ ۵۷، ص ۴۷.

۲. مرتضی مطهری، *آشنایی با قرآن*، ج ۳، صص ۴۹-۵۱.

فتنه‌ها همچون غربال می‌مانند که ریز و درشت را از یکدیگر جدا می‌کنند. آنگاه معلوم می‌شود در زیر این خاکسترهای نرم و لطیف چه آتش‌های سوزانی نهفته بوده است و در زیر آن الفاظ زیبا و جذاب، چه اراده‌های پلیدی پنهان بوده است و این یکی از بزرگ‌ترین خدمات فتنه به جامعه اسلامی است. فتنه، باطن‌گشا است؛ باطن افراد را آشکار می‌کند. چه بسا بر خود افراد نیز امر مشتبه شود و خود را انسان‌هایی خیرخواه و خوش‌طینت بدانند؛ اما ناگهان می‌بینند که بر اثر وقوع فتنه‌ای، و بعضاً در آخرین امتحان، همه داشته‌های خود را از دست می‌دهند و پرونده مردودی خود را تحویل می‌گیرند:

|                              |                                      |
|------------------------------|--------------------------------------|
| گر تو نقدی یافتی مگشا دهان   | هست در ره سنگ‌های امتحان             |
| سنگ‌های امتحان را نیز پیش    | امتحان‌ها هست در احوال خویش          |
| گفت یزدان از ولادت تا به حین | یفتنون کل عام مرتین                  |
| امتحان بر امتحان است ای پدر  | هین به کمتر امتحان خود را مخر        |
| بلعم باعور و ابلیس لعین      | زامتحان آخرین گشته مهین <sup>۱</sup> |

قرآن کریم می‌فرماید ایمان برخی از افراد ایمان حرفی و زبانی است؛ بعد از ابتلای به فتنه است که معلوم می‌شود چه درجه‌ای از ایمان داشته‌اند:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ<sup>۲</sup>

۱. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، ابیات ۷۴۹-۷۵۳.

۲. حج، آیه ۱۱.

برخی از مردم خدا را فقط با زبان می‌پرستند. همین که خیر به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می‌کنند؛ اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنان برسد، دگرگون می‌شوند. (به این ترتیب) هم دنیا را از دست داده‌اند و هم آخرت را و این همان خسران آشکار است.

گفته شده است شأن نزول این آیه مربوط به برخی از مسلمانان مدینه است. اینان تا آنگاه که در رفاه و نعمت زندگی می‌کردند و اغلب حوادث زندگی‌شان از نوع حوادث خوشایند و دلخواه‌شان بود، در دفاع لفظی و گفتاری از اسلام، سنگ تمام می‌گذاشتند و در تمجید از پیامبر اسلام، گوی سبقت را از دیگران می‌ربودند. سخنان زیبا در دفاع از شخصیت پیامبر ﷺ بر زبان می‌راندند؛ اما همین که دچار گرفتاری و بلایی می‌شدند و امور زندگی‌شان بر وفق مراد نمی‌چرخید، به خدا و پیامبر ﷺ و دین اسلام بدبین می‌شدند و علیه آن‌ها سخن می‌گفتند.<sup>۱</sup>

## ۲-۲. پختگی اجتماعی و سیاسی

یکی دیگر از پیامدهای مثبت فتنه در جامعه اسلامی، پختگی اجتماعی و سیاسی مردم است. اگر میزان حساسیت مردم در برابر مسائل اجتماعی و سیاسی را قبل و بعد از وقوع فتنه‌ها مقایسه کنیم، تفاوت چشم‌گیری در داوری‌ها و تحلیل‌های آنان می‌بینیم. وقوع یک فتنه در جامعه اسلامی، موجب می‌شود مردم در تحلیل‌های سیاسی خود و در شناخت دوست و دشمن، ده‌ها درجه رشد کنند. اصولاً ملت‌هایی که در سختی‌ها و

۱. ر.ک: ابوعلی طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۷، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.

مصیبت‌های بزرگ اجتماعی رشد می‌کنند، در مقایسه با سایر ملت‌ها از درک و شعور سیاسی و اجتماعی بسیار بالاتری برخوردارند. نوع نگاه آنان به حوادث اجتماعی و موضع‌گیری‌ها و تصمیم‌های سیاسی، خیلی عمیق‌تر و دقیق‌تر و حساس‌تر است؛ برخلاف ملتی که به صورت یکنواخت در حال سپری کردن زندگی خود هستند و بعضاً ممکن است در ناز و نعمت هم به سر ببرند. چنین ملت‌هایی ممکن است با اندک مصیبت و بلایی از هم فروپاشند.

### ۲-۳. به فعلیت رسیدن استعدادها

تجربه نشان داده است که مصیبت‌ها و سختی‌ها بیش از هر چیز دیگری می‌تواند استعدادهای نهفته در وجود انسان را نمایان کند. در بلاها و مصیبت‌های سخت و طاقت‌فرسا است که به قول رودکی «فضل و بزرگواری و سالاری» نمایان می‌شود. چوب عود زمانی می‌تواند آن بوی مطبوع خود را ظاهر سازد که آتش بگیرد. تا این سوزش نباشد، چنان عطری هم در فضا پراکنده نمی‌شود و تا سوز درون نباشد، سخن مطبوع و دلنشین هم شنیده نخواهد شد.

به قول سعدی:

قول مطبوع از درون سوزناک آید که عود چون همی‌سوزد جهان از وی معطر می‌شود  
به تعبیر شهید مطهری، شاهکارهایی که بشر پدید آورده است اغلب معلول دو عامل است: عشق و مصیبت. البته عشق هم زمانی می‌تواند عامل

پدید آمدن یک شاهکار شود که عاشق در فراق معشوق به سر ببرد و وصال صورت نگیرد. چرا که وصال، آغاز خمودی و سستی است. بهترین اشعار را شاعرانی سروده‌اند که یا عاشق و گرفتارِ فراق بوده‌اند یا گرفتارِ مصیبت و رنج و بلا. بنابراین مصیبت‌ها و سختی‌ها می‌توانند عامل تحریک و تحرک بیشتر شوند.<sup>۱</sup>

فتنه‌های اجتماعی نیز می‌تواند برای حیات اجتماعی و سیاسی یک ملت چنین نتیجه‌ای داشته باشد. ملت‌هایی که در طول تاریخ از ماندگاری و قدرت بیشتری برخوردار بوده‌اند، عموماً ملت‌های رنج‌کشیده و مصیبت‌دیده بوده‌اند. شاید بتوان گفت یکی از دلایل قدرت جهانی یهودیان در دوران حاضر همین بوده است که اینان توانسته‌اند در طول تاریخ چند هزار ساله خود، از کوران حوادث سهمگینی عبور کنند و هویت و وحدت و همگرایی خود را نه فقط از دست ندهد، که تقویت هم کنند.

آزمون‌های بزرگ اجتماعی و فتنه‌هایی که در یک کشور اسلامی پدید می‌آید، می‌تواند همین نتیجه را برای جامعه و حکومت اسلامی در پی داشته باشد. جامعه و حکومت اسلامی در صورتی می‌تواند خود را در سیل حوادث جهانی حفظ کند که از تجربه مواجهه با سختی‌ها و مصیبت‌ها برخوردار باشد و آزمون‌های دشوار را با موفقیت پشت سر بگذارد. کسی می‌تواند به هنگام وقوع سیل جان خود را حفظ کند که تجربه شنا در دریای موج را داشته باشد. وقوع یک فتنه اجتماعی می‌تواند دست‌کم در درازمدت

۱. مرتضی مطهری، توحید، ص ۳۱۴.



چنین نتیجه‌ای برای جامعه داشته باشد. اگر نیم‌نگاهی به تاریخ پرافتخار تشیع بیندازیم، آن را پر از رنج و محنت و سختی و در عین حال، پر از افتخارات علمی و مبارزاتی می‌بینیم. جامعه شیعه در طول تاریخ اسلام، همواره از سوی حکومت‌های مختلف با سرکوب‌های زیادی روبه‌رو بوده است؛ اما به دلیل حفظ وحدت و هویت جمعی خود توانسته است در این آزمون‌های سخت و طاقت‌فرسا، استعداد‌های نهفته خود را بروز دهد و نتیجه آن شکل‌گیری جامعه و حکومتی شجاع، مقتدر، فداکار و ایثارگر شده است. این جامعه توانسته است در طول سی سال گذشته در مقابل بزرگ‌ترین دشمنان و سخت‌ترین فتنه‌ها سربلند بیرون آید و انشاءالله این راه را با اقتدار ادامه خواهد داد و الگویی برای همه ملت‌ها خواهد شد.

**مولوی چقدر زیبا آن روی دیگر رنج‌ها، سختی‌ها و بلاها را بیان می‌کند:**

|                                  |                                 |
|----------------------------------|---------------------------------|
| رنج گنج آمد که رحمت‌ها در او است | مغز تازه شد چو بخراشید پوست     |
| ای برادر موضع تاریک و سرد        | صبر کردن بر غم و سستی و درد     |
| چشمه حیوان و جام مستی است        | کان بلندی‌ها همه در پستی است    |
| آن بهاران مضممر است اندر خزان    | در بهار است آن خزان مگریز از آن |
| همره غم باش و با وحشت بساز       | می‌طلب در مرگ خود عمر دراز      |



-  
-

\_\_\_\_\_ فصل هفتم: شیوه‌های مبارزه با فتنه \_\_\_\_\_



پس از آشنایی با بسترهای اجتماعی فتنه و علل و عوامل پیدایش آن و همچنین آشنایی اجمالی با پیامدهای مثبت و منفی فتنه، اکنون نوبت آن است که شیوه‌های مبارزه با فتنه‌های اجتماعی را تبیین کنیم. فتنه‌ها هرچند جهات مثبتی نیز دارند، اما وجود آن جهات مثبت، دلیل بر این نیست که ما در مقابل آن‌ها مقاومت نکنیم یا در جامعه به آن‌ها اجازه بروز و ظهور بدهیم. وظیفه ما جلوگیری از فتنه‌های سیاسی و دینی در جامعه است؛ اما راه این مبارزه چیست؟ در یک اصل کلی می‌توان گفت؛ بهترین راه مبارزه با فتنه، خشکاندن ریشه‌ها و عوامل فتنه است. بعد از آنکه بسترهای فتنه و ریشه‌های ایجاد فتنه معلوم شد، راه مبارزه با فتنه‌ها نیز مشخص است. اگر اساس فرهنگ اجتماعی را باورها و ارزش‌ها بدانیم، در آن صورت فرهنگی می‌تواند در مقابل آفت‌ها و آسیب‌ها، مقاوم و نفوذناپذیر باشد که اولاً باورها و ارزش‌های آن از پشتوانه‌های فکری و نظری بالایی برخوردار باشد و ثانیاً آن باورها و ارزش‌ها در جان و دل مردم نفوذ کرده باشد.

در عین حال به منظور بهره‌برداری بیشتر، این اصل کلی را به سه بخش

اساسی تقسیم می‌کنیم:

۱. شیوه‌های در امان ماندن از گردباد فتنه؛

۲. شیوه‌های مبارزه کوتاه‌مدت و روبنایی؛

۳. شیوه‌های مبارزه بلندمدت و زیربنایی.

و برای هر کدام از این شیوه‌ها، تاکتیک‌هایی را بیان می‌کنیم:

## ۱. شیوه‌های در امان ماندن از گردباد فتنه

### ۱-۱. عمل بر اساس یقین

یکی از راه‌های در امان ماندن از گردباد فتنه‌ها این است که در فضای فتنه، محور و مدار حرکت و سخن خود را امور یقینی قرار دهیم. فقط به چیزهایی که یقین داریم عمل کنیم و تصمیمی را اتخاذ کنیم که هیچ تردیدی در درستی آن نداریم. سخنی را بگوییم که هیچ شکی در صدق و درستی آن نداشته باشیم. بدین شیوه هم از گردباد فتنه‌ها نجات می‌یابیم و هم فتنه‌گران را ناامید و خلع سلاح خواهیم کرد؛ زیرا ابهام، شایعه و اتهام‌های بی‌اساس و دروغ، بهترین و کم‌هزینه‌ترین ابزار فتنه‌گران است. این حقیقت در قرآن کریم و روایات با عنوان رعایت تقوای الهی بیان شده است. قرآن کریم بهترین و استوارترین راه در امان ماندن از فتنه‌ها و مقابله با توطئه‌های دشمنان و مخالفان اسلام و حکومت اسلامی را رعایت صبر و تقوا می‌داند و می‌فرماید:

لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ!

قطعاً در مال‌ها و جان‌هایتان آزموده خواهید شد و از اهل کتاب و مشرکان آزار بسیاری خواهید شنید و [لی] اگر صبر کنید و پرهیزگاری

۱. آل عمران، آیه ۱۸۶.

نمایند این حاکی از عزم استوار [شما] در کارها است.  
 امام علی علیه السلام نقش تقوا در هنگام فتنه را به این صورت بیان می‌کند:  
 اعلموا انه من يتق الله يجعل له مخرجاً من الفتن و نورا من الظلم؛  
 بدانید کسی که تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه خروج از فتنه‌ها و  
 چراغ هدایتی در ظلمت‌ها را در اختیار او قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>  
 رعایت تقوای الهی در فضای فتنه یعنی اینکه تمامی تصمیمات انسان  
 فقط بر اساس امور یقینی باشد و از مسائل شبهه‌ناک و گوش دادن به  
 شایعات، بیش از هر زمان دیگری بپرهیزد. اصولاً تقوا یعنی خارج نشدن از  
 چارچوب موازین الهی در همه مسائل فردی و اجتماعی و سیاسی.

## ۲-۱. رجوع به قرآن

در فضای فتنه، یعنی در فضایی که حق و باطل به هم آمیخته شده است  
 و گرد و غبار چنان بر هوا برخاسته که نه راه حق را می‌توان تشخیص داد و  
 نه جاده‌های انحرافی را، یکی از بهترین معیارها رجوع به قرآن است. اگر در  
 فضای فتنه، اندیشه‌ها و افکار متضاد را بتوان به درستی بر قرآن عرضه کرد،  
 آنگاه می‌توان حق و باطل آن‌ها را تشخیص داد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی عیار عبور از فتنه‌ها را چنین بیان می‌کند:  
 فَإِذَا التَّبَسُّتَ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ؛<sup>۲</sup>  
 زمانی که فتنه‌ها چون ظلمت و تاریکی یکپارچه شما را فراگرفت، پس

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳، ص ۱۹۴؛ همچنین ر.ک: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه،  
 حدیث شماره ۱۵۷۴۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۷، باب ۱ (فضل القرآن و اعجازه)، حدیث ۱۶.

به قرآن پناه ببرید.

راه نجات از فتنه‌ها، تمسک به قرآن و مراجعه به معارف قرآنی است. نخبگان جامعه باید سعی کنند ضمن مراجعه روشمند به قرآن کریم، در فهم مقاصد قرآن از چارچوبه موازین عقلانی فهم متن خارج نشوند و هوا و هوس‌های خود را به قرآن تحمیل نکنند. کسانی که قرآن و معارف قرآنی را محور زندگی خود قرار دهند، از آسیب‌های فتنه‌گران در امان خواهند بود.

### ۳-۱. تمسک به اهل بیت پیامبر ﷺ

یکی دیگر از راه‌های در امان ماندن از آسیب‌های معنوی جنگ‌های نرم تمسک به اهل بیت پیامبر اسلام ﷺ است. این سفارشی است که پیامبر اکرم ﷺ برای نجات از فتنه‌های بعد از خود به برخی از یارانش کرد. آن حضرت خطاب به عمار فرمود:

ای عمار! بعد از من فتنه‌هایی رخ خواهد داد. در آن شرایط از علی و

حزب علی پیروی کن؛ چراکه علی با حق است و حق با علی ...<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام با بیان‌های مختلف، یکی از راه‌های در امان ماندن از آسیب‌های فتنه را تمسک به اهل بیت پیامبر، به‌عنوان نزدیک‌ترین افراد به آن حضرت و یاران و گنجینه‌های علم و ابواب رسالت، می‌داند. آن حضرت پس از اشاره به بعثت پیامبر اسلام ﷺ و دعوت او و بعد از اشاره به فتنه‌هایی که بعد از پیامبر اکرم ﷺ رخ داد، می‌فرماید:

۱. خزاز قمی، *کفایه‌الامیر*، ص ۱۲۲: یا عمار ستکون بعدی فتنه فاذا کان ذلک فاتبع علیا و حزبه فانه مع

الحق و الحق معه یا عمار انک ستقاتل بعدی مع علی صنفین: الناکثین و القاسطین ثم تفتلک الفتنه الباغیه.



جمعی در دریای فتنه غرق شدند. به بدعت‌ها چنگ زدند و سنت‌ها را رها کردند. مؤمنان گوشه‌ای نشستند و گمراهان و دروغ‌گویان به زبان آمدند. ما اهل بیت همچون پیراهن تن پیامبر هستیم. ما یاران و گنجینه‌های علم و ابواب رسالتیم و به درون خانه جز از در آن نمی‌توان درآمد و هر کس از غیر در وارد شود او را دزد خوانند.<sup>۱</sup>

زمانی که *ابوسفیان و عباس*، عموی پیامبر، بعد از رحلت پیامبر و تجمع برخی از مردم مدینه در سقیفه برای تعیین جانشین آن حضرت، به نزد امام علی علیه السلام آمدند و از او خواستند که قدم جلو گذارد تا با او به‌عنوان خلیفه پیامبر بیعت کنند، امام علی علیه السلام که عمق این فتنه و خطرات کشنده آن را برای انقلاب نوپای اسلامی می‌دید، با ظرافت از آنان خواست که از اهل بیت پیامبر علیهم السلام پیروی کنند و امواج فتنه را با تمسک به کشتی‌های نجات امت بشکنند و خود را جلوتر از ائمه و دلسوزتر از آنان برای اسلام ندانند:

ایها الناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاة.<sup>۲</sup>

در جایی دیگر خطاب به مردم بصره درباره حوادث آینده و فتنه‌های

پیش رو می‌فرماید:

اگر فرمان مرا برید، ان شاء الله شما را به راه بهشت می‌برم، هرچند سخت و دشوار باشد و تلخکامی آن پدیدار.<sup>۳</sup>

۱. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۵۴، ص ۱۵۲.

۲. همان، خطبه ۵، صص ۱۲ و ۱۳.

۳. همان، خطبه ۱۵۶، ص ۱۵۵.

## ۲. شیوه‌های مبارزه کوتاه‌مدت و روبنایی

### ۲-۱. جلوگیری از مسلح شدن فتنه‌گران

یکی از کارهای اولیه‌ای که باید انجام گیرد، این است که به هر ترتیبی جلوی مسلح شدن فتنه‌گران و آشوب‌گران گرفته شود. دلیل این امر روشن است و به توضیح بیشتر نیازی ندارد. شاید به همین دلیل است که امام صادق علیه السلام از خرید و فروش سلاح در زمان فتنه نهی کرده و در پاسخ کسی که گفت من اسلحه خرید و فروش می‌کنم، فرمود:

لا تبعه فی فتنه؛

به هنگام فتنه از فروش سلاح خودداری کن.<sup>۱</sup>

### ۲-۲. مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع فتنه‌گران

فتنه‌گران می‌کوشند با برنامه‌ریزی و گام‌به‌گام، هدف‌های خود را به پیش ببرند. به همین دلیل در هر مرحله‌ای ممکن است خواسته‌ای جزئی و کوچک را مطرح کنند. سطحی‌نگران گمان می‌کنند که این خواسته جزئی مهم نیست و مصلحت حفظ نظام اسلامی اقتضا می‌کند از برخی قوانین، کوتاه آمد و خواسته‌های آنان را مورد توجه قرار داد؛ اما هم مردم و هم حاکمان نظام اسلامی باید مراقب باشند تا تحت هیچ شرایطی به خواسته‌های غیر قانونی و نامشروع فتنه‌گران تن ندهند. کافی است یک گام با آنان همراهی شود، آنگاه باید منتظر نتایج هولناک آن بود.

۱. هادی نجفی، موسوعه احادیث اهل البیت، ج ۸، ص ۲۸۹، حدیث شماره ۱۰۰۱۶.

**طلحه** و **زبیر** هرگز آن انگیزه نهانی و نهایی خود را در ابتدای کار بر زبان نیاوردند. خواسته اولیه آنان در ظاهر خواسته چندان حساسیت‌برانگیزی نبود. آنان متقاضی مشارکت در امر حکومت یا منصوب شدن به‌عنوان مشاوران عالی امام علی علیه السلام بودند. اما این درخواست با مخالفت شدید امام علی علیه السلام مواجه شد و زمانی که دیدند به هیچ صورتی نمی‌توانند به این هدف دست پیدا کنند، تقاضای حکومت بر شهرهای بصره و کوفه را داشتند. اما امام علی علیه السلام نیز با این بیان که فقط کسانی را به زمامداری برمی‌گزیند که به دین‌باوری و امانت‌داری‌شان اطمینان یابد،<sup>۱</sup> بذر نومی‌دی را در دل آن دو پاشید و آنگاه بود که آن‌ها برای عملیاتی کردن مرحله اصلی و فاز نهایی فرمول فتنه، تصمیم گرفتند به مکه بروند و هدف اصلی خود را که اقدام علیه حکومت قانونی علی علیه السلام بود، از آن سرزمین مقدس آغاز کنند.

این در حالی بود که در آغاز شکل‌گیری فتنه جمل و در نخستین مرحله آن، عده‌ای از یاران ساده‌اندیش امام علی علیه السلام از سر خیرخواهی، نزد امیرمؤمنان آمدند و از ایشان درخواست کردند تا به گونه دیگری این فتنه را مدیریت کند. به این صورت که به‌طور موقت با این زیاده‌خواهان و قانون‌شکنان همراهی کند و خواسته‌های آنان را برآورده سازد و پس از آنکه پایه‌های حکومتش استوار گردید، با آنان به‌طور جدی برخورد کند. آن حضرت در پاسخ به این گروه فرمود:

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۱.

مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن درباره آنکه والی  
 اویم؟ به خدا که نپذیرم تا جهان سرآید و ستاره‌ای در آسمان پی ستاره‌ای  
 برآید. اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم، تا چه رسد که  
 مال، مال خدا است.<sup>۱</sup>

در مقابله با فتنه‌ها، حکومت اسلامی باید تا جایی که ممکن است در  
 مقابل زیاده‌خواهان ایستادگی کند و سر سوزنی از اجرای قوانین کوتاه نیاید  
 و به هیچ‌یک از خواسته‌های غیر قانونی فتنه‌گران تن ندهد. تردیدی نباید  
 داشت که نتیجه چنین پایداری و استقامتی در درازمدت، به نفع حکومت  
 اسلامی است و درس عبرتی خواهد شد برای سایر فتنه‌گران.

### ۲-۳. بردباری و مدارا

شیوه دیگری که امام علی علیه السلام در برخورد با فتنه‌های زمان خود به‌کار  
 می‌گرفت، مدارا بود. وقتی گفت‌وگوها و روشنگری‌ها به نتیجه نمی‌رسید،  
 چنین نبود که بی‌درنگ با مخالفان برخورد خشونت‌آمیز کند؛ حتی آن  
 حضرت در مقابل تقاضای عمومی برای زندانی کردن سران فتنه،<sup>۲</sup> می‌فرمود:  
 هر کس تا زمانی که به رویارویی مسلحانه علیه حکومت اسلامی برنخیزد و  
 به توطئه علیه نظام اسلامی اقدام نکند، در امان خواهد بود.  
 امام علی علیه السلام با آنکه از انگیزه *طلحه* و *زبیر* برای رفتن به مکه آگاه بود و

۱. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۲۶، ص ۱۲۴.

۲. احمد الدینوری، *الاخبار الطوال*، ج ۲، صص ۴۰۵-۴۰۶، بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۳،  
 ص ۱۴۶.

می‌دانست جز جنگ‌افروزی مقصود دیگری ندارند، با آنان مدارا کرد و در پاسخ به پیشنهاد ابن عباس که از وی می‌خواست آن دو را زندانی کند و از رفتن به مکه باز دارد، فرمود:

آیا از من می‌خواهی آغازگر ستم باشم... و بر اساس ظن و گمان به مجازات افراد بپردازم و پیش از انجام کار مؤاخذه کنم؟ هرگز. به خدا قسم از رفتار عادلانه... که خدا مرا بدان امر فرموده، روی نمی‌گردانم.<sup>۱</sup>

آن حضرت در برخورد با خوارج نیز همین روش را برگزید. حتی گستاخی خوارج به جایی رسیده بود که بارها به هنگام ایراد خطبه از سوی آن حضرت، سخنان او را قطع می‌کردند و شعار می‌دادند: «به حکمیت تن دادی و پستی را پذیرفتی، حکم جز خدا را نیست».<sup>۲</sup> اما عکس‌العمل امام در مقابل آنان این بود که به ایشان فرمود:

شما را از نمازگزاردن در مساجد باز نمی‌داریم؛ سهمیه بیت‌المالتان را قطع نمی‌کنیم و تا زمانی که دست به شمشیر نبرده و علیه نظام اسلامی توطئه نکرده‌اید، با شما نمی‌جنگیم.<sup>۳</sup>

#### ۲-۴. هوشیاری در برابر فرصت‌طلبان

یکی از راه‌های مبارزه و مقابله با فتنه‌های اجتماعی، هوشیاری در برابر فرصت‌طلبان است. این حقیقت را از سیره امام علی علیه السلام در برخورد با

۱. مصنفات الشيخ المفید، ج ۱، ص ۱۶۶.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۰۶، بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۲۸.

۳. ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۳۹۸، ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۶۰۹.

فرصت طلبانی که می‌خواستند از فتنه سقیفه استفاده کنند و اساس اسلام و حکومت اسلامی را از میان بردارند، به‌خوبی می‌توان به دست آورد. همان‌گونه که می‌دانیم، با دسیسه‌های مختلفی که در جای خود باید به تحلیل آن‌ها پرداخت، بلافاصله بعد از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در حالی که هنوز جنازه مبارک آن حضرت دفن نشده بود، عده‌ای از مسلمانان در مکانی نزدیک مدینه که به سقیفه بنی‌ساعده شهرت داشت، گرد هم آمدند و به‌رغم سفارش‌های مکرر پیامبر، زمام جانشینی او را به *ابوبکر* سپردند. این در حالی بود که همگان به‌خوبی می‌دانستند جانشین واقعی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، *علی* است. در عین حال به دلیل غفلت و نادانی عده‌ای از صحابه و فضای غبارآلودی که گردانندگان صحنه سقیفه پدید آوردند و مشکلات داخلی و خارجی‌ای که حکومت نوپای اسلامی با آن دست و پنجه نرم می‌کرد، بسیاری از افراد در دام آن فتنه گرفتار آمدند و شد آنچه نباید می‌شد.

اما در همین فضای غبارآلود و فتنه‌انگیز، عده‌ای از کسانی که از اساس با حکومت اسلامی مخالف بودند و زمینه را برای وارد کردن ضربه‌ای اساسی به کیان اسلام و حکومت اسلامی فراهم می‌دیدند، به نزد امام *علی* آمدند و از او خواستند برای احقاق حق خویش قیام کند و در مقابل گردانندگان سقیفه بایستد و قول دادند که آنان نیز از هیچ کمکی به آن حضرت برای دستیابی به حق خویش فروگذار نخواهند کرد. *ابوسفیان* همراه با *عباس*، عموی پیامبر، به نزد امام *علی* آمد و با توهمی کودکانه

گمان کرد با خواندن اشعاری احساسی و تحریک‌آمیز می‌تواند علی را اسیر دسیسه خویش کند. *ابوسفیان* در گفت‌وگویش با امام علی علیه السلام گفت: جز با بارش خون نمی‌توان این گرد و غباری که توسط گردانندگان سقیفه فضای مدینه را گرفته است، پاک کرد. او به امام علی علیه السلام وعده داد که اگر برای احقاق حق خویش قیام کند، در حمایت از او مدینه را از جنگجویان پیاده و سواره پر خواهد کرد. اما علی علیه السلام، این مرد میدان‌های دشوار، با بصیرت و تیزی خود پشت صحنه حمایت‌های *ابوسفیان* را به خوبی مشاهده کرد و با جمله‌ای آتشین او را به جای خود نشاناد:

به خدا قسم تو جز فتنه‌انگیزی مقصود دیگری نداری و دیرزمانی است که بدخواهی را برای اسلام پیشه خود ساخته‌ای. ما را به خیرخواهی تو حاجت نیست.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام در جمله‌ای حکیمانه، به همگان سفارش می‌کند که در فتنه‌های اجتماعی، هوشیاری خود را حفظ کنند و مواظب باشند در دام فرصت‌طلبان و فتنه‌انگیزان گرفتار نشوند و مورد سوء استفاده آنان قرار نگیرند:

کن فی الفتنه کابن اللبون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب؛

در فتنه‌ها همچون شتر دوساله باش؛ نه پشتی دارد تا سوارش شوند و نه پستانی تا شیرش را دوشند.<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۲، ص ۴۴۹؛ ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، صص ۱۰ و ۱۱؛

شیخ مفید، *الارشاد*، ج ۱، ص ۱۹۰؛ احمد البلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۲۷۱.

۲. *نهج البلاغه*، حکمت ۱، ص ۳۶۱.

نه یاریگر فتنه‌انگیزان باید بود و نه مورد سوء استفاده آنان قرار گرفت. رفتار انسان در هنگام فتنه باید به گونه‌ای باشد که فتنه‌انگیزان نتوانند در او طمع برند و بر پشت او سوار شوند و او را نردبام رسیدن به امیال و خواسته‌های حیوانی خود کنند.

## ۵-۲. روشنگری و افشاگری

سیره امام علی علیه السلام در مبارزه با فتنه‌های زمان خویش، روشنگری و تبیین بود. یکی از نخستین گام‌هایی که آن حضرت در مواجهه با مخالفان خود برمی‌داشت این بود که تا حد ممکن با فروتنی و تواضع کامل با آنان به گفت‌وگو می‌پرداخت و سخنان، براهین و ادله آنان را می‌شنید و شبهه‌های فکری آنان را پاسخ می‌داد. به‌عنوان مثال، امام علی علیه السلام با برخی از افراد گروه اندک قاعدین که حاضر نشدند با آن حضرت بیعت کنند،<sup>۱</sup> به گفت‌وگو پرداخت و تلاش کرد آنان را به راه حق بازگرداند؛ یا با *طلحه* و *زبیر*، سران فتنه جمل، به کرات گفت‌وگو کرد و از هیچ تلاشی برای روشنگری آنان فروگذار نکرد و حتی حاضر شد بخشی از اموال و دارایی‌های خود را به آنان بدهد تا بدین وسیله آنها از زیاده‌خواهی و تصرف در اموال عمومی

۱. کسانی همچون عبدالله بن عمر، سعد بن ابی وقاص، حسان بن ثابت، زید بن ثابت، اسامه بن زید، محمد بن مسلمه، کعب بن مالک و عبدالله بن سلام، از جمله کسانی بودند که از بیعت با امام علی علیه السلام خودداری کردند. این افراد هرچند فی‌نفسه خطری جدی برای حکومت امام علی علیه السلام به حساب نمی‌آمدند، به دلیل سابقه دیرینه آنان در اسلام و نفوذ فراوانی که در جهان اسلام داشتند، کناره‌گیری آنان از بیعت می‌توانست دستاویزی برای دیگر مخالفان باشد.



درگذرند و با فتنه خود، موجب ریختن خون انسان‌های بی‌گناه نشوند.<sup>۱</sup>  
گفت‌وگوها و مکاتبه‌های امام علی علیه السلام با معاویه نیز به حدی رسید که محققى همچون *ابن ابی الحدید* آرزو می‌کند ای کاش کار امام علی علیه السلام بدانجا نمی‌رسید که معاویه خود را همسان او بپندارد و در پاسخ نامه‌های پندآموز و نصایح الهی او، سخنانی وقیح و شرم‌آور درباره آن حضرت بنویسد.<sup>۲</sup>  
امام علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به مردم کوفه به افشاگری درباره سران فتنه جمل پرداخت و دلایل آنان برای مقابله با خود را بهانه‌ای بیش ندانست:

اما بعد، من شما را از کار *عثمان*، به گونه‌ای که شنیدنش چون دیدن آن باشد، آگاه می‌سازم: مردم بر او خرده گرفتند و من یکی از مهاجران بودم که بیشتر خشنودی او را می‌خواستم و کمتر از دیگران او را سرزنش می‌کردم. اما *طلحه* و *زبیر* آسان‌ترین کارشان آن بود که بر او بتازند و نرم‌ترین برنامه‌شان اعمال فشار بر وی بود. *عایشه* نیز ناگهان خشم درونی خود را از وی آشکار کرد. سپس گروهی برای کشتن *عثمان* مهیا شدند و او را کشتند و مردم بدون اکراه و اجبار، بلکه از روی رضا و اختیار با من بیعت کردند.<sup>۳</sup>

آن حضرت در سخنی جداگانه به افشاگری درباره *طلحه* پرداخت و در تحلیل مخالفت او با خود، فرمود:  
به خدا *طلحه* بدین کار نپرداخت و خونخواهی *عثمان* را بهانه نساخت،

۱. *مصنفات الشیخ المفید*، ج ۱، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

۲. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱۶، ص ۱۳۶.

۳. *نهج البلاغه*، نامه ۱، ص ۲۷۱.

جز از بیم آنکه خون عثمان را از او خواهند؛ زیرا که در این باره متهم می‌نمود و در میان مردم آزمندتر از او به کشتن عثمان نبود.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام همین سخن را درباره عایشه و زبیر، دیگر سران فتنه جمل نیز فرمود:

آنان به دنبال خونی هستند که خود ریخته‌اند.<sup>۲</sup>

حضرت در خطبه یک‌صد و سی و هفتم نهج البلاغه به روشنگری بیشتری درباره طلحه و زبیر می‌پردازد:

آنان حقی را می‌خواهند که خود رها کردند و خونی را می‌جویند که خود ریختند ... نخستین گامی که باید در راه عدالت بردارند، آن است که خود را محکوم شمارند ...<sup>۳</sup>

در جریان فتنه نهروان نیز روشنگری‌های امام موجب نجات بسیاری از فتنه‌زدگان شد. روشنگری‌های امام علی علیه السلام و پاره‌ای از یاران او مانند ابن عباس، موجب شد حدود دو سوم از جمعیت دوازده هزار نفری خوارج نهروان مجدداً به سپاه امام علی علیه السلام برگردند و از فتنه نهروان رهایی یابند.<sup>۴</sup>

امام علی علیه السلام درباره شعار اصلی خوارج که می‌گفتند: لا حکم الا لله، فرمود که سخن حقی است، اما آنان از این سخن، منظور باطلی دارند. همه مسلمانان قبول دارند که در مقابل حکم خداوند هیچ کس حق تشریح ندارد؛

۱. همان، خطبه ۱۷۴، ص ۱۸۰.

۲. همان، خطبه ۲۲، ص ۲۲؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۳۱۸؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۵۱.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۷، ص ۱۳۴.

۴. ابن اعثم، الفتوح، ص ۷۴۵؛ ر.ک: طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۶۴.

اما منظور از این سخن آن است که حاکم و فرمانروایی جز خداوند نیست. حالی که مردم را حاکمی باید نیکوکردار یا تبه‌کار، تا در حکومت او مرد با ایمان کار خویش کند و کافر بهره خود برد. تا آنگاه که وعده حق سر رسد و مدت هر دو در رسد.<sup>۱</sup>

## ۶-۲. نشان دادن ظاهری بودن وحدت فتنه‌انگیزان

در موارد بسیاری، فتنه‌گران، هرچند در ظاهر وحدت و یکپارچگی خود را حفظ می‌کنند، در حقیقت اختلاف‌های درونی فراوانی دارند. یکی از راه‌های مقابله با فتنه‌گران این است که آن اختلاف‌های درونی برای مردم برملا شود. توضیح آنکه در تئوری فتنه اصل بر این است که به‌منظور تقویت جبهه فتنه و ایجاد سیاهی‌لشکر، همه کسانی را که کمترین وجه مشترکی با سران فتنه دارند در زیر یک پرچم جمع کنند؛ به اصطلاح می‌کشند تا وحدت نقطه‌ای داشته باشند. در واقع لزومی به داشتن خط مشترک نیست؛ اگر در یک نقطه هم مشترک باشند، کافی است. به همین دلیل جبهه فتنه، اتحاد و وحدتی بسیار شکننده دارد.

یکی از اندیشمندان و نظریه‌پردازان سیاسی غرب به نام ریچارد رورتی (۱۹۳۱-۲۰۰۷) در سفری که در سال ۱۳۸۴ به ایران داشت، در جلسه‌ای خطاب به حاضران گفت:

در کشوری مانند ایران که حاکمیت آن از پایگاه گسترده مردمی برخوردار است، مخالفان نمی‌توانند ائتلاف و پیوند خود را با تشکیل حزب یا جبهه

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴۰، ص ۳۹.

سیاسی حفظ کنند؛ زیرا یک حزب سیاسی شامل افرادی است که در بسیاری از نقاط عقیدتی و اجتماعی و سیاسی با یکدیگر اشتراک نظر دارند و به همین علت یکی از اصول ضروری در تأسیس احزاب سیاسی، تهیه مرامنامه و اساسنامه است تا دیگران در صورت انطباق نظرات خویش با دیدگاه‌های ارائه شده در اساسنامه و مرامنامه حزب، به عضویت آن درآیند. از این روی هرچه محور همبستگی یک حزب، نقاط بیشتری داشته باشد، تعداد کسانی که در همه این نقاط اشتراک نظر دارند، کمتر خواهد بود. از سوی دیگر، جبهه سیاسی نیز مجموعه‌ای از چند حزب و گروه است و از آنجا که هریک از احزاب و گروه‌ها به‌طور جداگانه برای خود اساسنامه و مرامنامه دارند، جمعیت ائتلاف‌کنندگان در یک جبهه سیاسی نمی‌تواند حاصل جمع تعداد اعضا و هواداران احزاب و گروه‌های حاضر در آن جبهه باشد.<sup>۱</sup>

توصیه این نظریه پرداز کهنه‌کار این است که اگر قرار باشد در کشوری مثل ایران یک اپوزیسیون قوی و پرجمعیت شکل بگیرد، باید محور ائتلاف از «خط» به «نقطه» تبدیل شود.

وحدت نقطه‌ای هرچند در کوتاه‌مدت موجب افزایش کمی فتنه‌گران و جبهه مخالفان می‌شود، در درازمدت یکی از نقاط ضعف جدی برای آنان محسوب می‌شود؛ زیرا چنین وحدتی کاملاً شکننده است. برای مبارزه با فتنه‌گران باید از همین نقطه ضعف آنان استفاده کرد و افکار عمومی را از وحدت صوری و ظاهری آنان آگاه نمود.

۱. ر.ک: سرمقاله روزنامه کیهان، با عنوان «تشکیلات سبز یا فرش قرمز پیش پای آمریکا؟!»، ۲۶ مرداد ۱۳۸۸، شماره ۱۹۴۳۸.

با نگاهی به فتنه‌های دوران امام علی علیه السلام می‌توان همین وحدت نقطه‌ای را در برخی از آن‌ها مشاهده کرد. وجه مشترک همه مخالفان علی علیه السلام در یک جمله سلبی خلاصه می‌شد و آن اینکه «علی نباید حاکم باشد». اما در بُعد ایجابی شاید هیچ نقطه مشترکی بین آن‌ها وجود نداشت. آنان حتی نمی‌توانستند متحدانه و به صورت یکپارچه نماز جماعتی برگزار کنند. به همین دلیل در همان ایام، به هنگام برگزاری نماز جماعت و بر سر اینکه کدامیک از **طلحه** و **زبیر** امام جماعت باشد، با یکدیگر درگیر شدند.<sup>۱</sup> امیرمؤمنان چه زیبا این اختلاف درونی آنان را افشا کرد، آنگاه که فرمود:

هریک از آن دو (**طلحه** و **زبیر**) امیدوار است که حکومت به او برسد و آن را به سوی خود می‌کشانند و از دوستش برمی‌گردانند... هر یک کینه دوستش را در دل دارد و دیری نباید که این واقعیت آشکار گردد. به خدا سوگند اگر آنچه می‌خواهند به چنگ آورند یکی از آن‌ها دیگری را به هلاکت رساند و او را از میان بردارد.<sup>۲</sup>

وحدت سران جمل از این سنخ بود. **طلحه** و **زبیر**، دشمنان خونین **عثمان** و مسببان واقعی قتل او، با **مروان بن حکم**، داماد **عثمان**<sup>۳</sup> و از مدافعان جانی

۱. ر.ک: طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۴۷۳، مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۳۶۷.

۲. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۴۸، ص ۱۴۴.

۳. حکم بن ابی العاص پدر مروان از دشمنان لجوج و استهزاکنندگان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و مطرود آن حضرت واقع شد. مروان و پدرش حکم به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مدینه تبعید شدند و به خاطر سوابق منفی، شفاعت عثمان درباره آنها چه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و چه نزد ابوبکر و عمر پذیرفته نشد. اما خلیفه سوم، مروان را به دامادی خویش درآورد و وزارت و دبیری دستگاه خلاف را به وی سپرد.

او، در یک جبهه بودند. یکپارچگی عجیبی بود! طلحه و زبیر از یک طرف و خویشاوندان و وزیران و استانداران عثمان از قبیل سعید بن عاص، مغیره بن احنس و عبدالرحمن بن عوام، از طرف دیگر، همگی در یک جبهه قرار داشتند و معاویه نیز با همه توان در کار حمایت معنوی از این گروه بود. برای هرکدام نامه‌ای جداگانه فرستاده بود که اگر علی را از سر راه بردارید با شما بیعت خواهم کرد.<sup>۱</sup> در پایان نیز این وحدت ظاهری فروشکست و وقتی مروان دید که طلحه از ادامه جنگ با علی به تردید افتاده و رمق ادامه مبارزه را ندارد؛ تیری در کمان گذاشت و او را از پای درآورد و آخرین جمله طلحه چه جمله عبرت‌آموزی بود برای همه فتنه‌گران:

خون هیچ مرد بزرگی چون من پایمال نشد.

## ۷-۲. تلاش برای آرام کردن اوضاع

برخورد حساب‌شده و تلاش برای آرام کردن اوضاع و فراهم کردن زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و روانی به منظور فهم حقایق، یکی دیگر از

۱. معاویه با فرستادن نامه‌هایی جداگانه برای طلحه و زبیر به آنان وعده خلافت داد و حتی به دروغ نوشت که از مردم شام برای آنان بیعت گرفته است. (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۱ و ج ۱۰، صص ۲۴۶ و ۲۴۷) امام علی علیه السلام با اشاره به این توطئه می‌فرماید: «شگفتا که آنان به خلافت ابوبکر و عمر تن دادند، اما بر من ستم روا داشتند! در حالی که می‌دانستند من از آن دو کمتر نیستم... معاویه از شام برای آنان نامه نوشت و فریشان داد؛ اما آنان این مسئله را پنهان داشتند و با شعار خونخواهی عثمان، سبک‌مغزان را فریفتند.» (الشیخ المفید، مصنفات، ج ۱، الجمل، ص ۲۶۸؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۶۳، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۱۰)

وظایف رهبران جامعه اسلامی بعد از بروز فتنه و آشوب‌های فکری و فرهنگی و اجتماعی است.

امام علی علیه السلام بعد از جریان حکمیت و بهانه‌گیری‌های برخی از اصحابش در پاسخ به این پرسش که «چرا میان خود و آنان برای داوری و حکمیت، مدت و مهلت قرار دادی؟» و چرا شتابزده و به سرعت عمل نکردی؟ فرمود:

فَإِنَّمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ لِيَتَّبِعَنَ الْجَاهِلُ وَيَتَّبِعَتِ الْعَالَمُ وَلَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّحَ فِي هَذِهِ الْمُدَّةِ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَلَا تُؤَخَّذَ بِأَكْطَامِهَا، فَتُعْجَلَ عَنِ تَبَيُّنِ الْحَقِّ وَتَفْقَادَ لِأَوَّلِ الْعِي؛<sup>۱</sup>

علتش این بود که نادان خطای خود را به وضوح بداند و آگاه بر عقیده خودش استوار بماند و شاید که خداوند در این مدت صلح و آرامش کار این ملت را اصلاح کند و مجبور نشود به عجله جست‌وجوی حق را واگذارد و از آغاز به گمراهی گردن گذارد.

از سیره حضرت می‌توان این شیوه مبارزه با فتنه را به دست آورد که حاکمان اسلامی در برخورد با فتنه‌ها نباید عجله کنند؛ بلکه باید شرایط را به گونه‌ای فراهم سازند که واقعیت‌ها برای مردم بیشتر نمایان شود و صف بدخواهان از بی‌خبران و مردم عادی جدا شود.

امام علی علیه السلام چند مسئله را به عنوان فایده مهلت قرار دادن برای داوری و حکمیت برمی‌شمارد:

أ. برخورد صبورانه موجب می‌شود تا کسانی که همه جوانب امور را

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵، صص ۱۲۳ و ۱۲۴. (تذکر: در این نوشتار ترجمه دکتر جعفر شهیدی از نهج البلاغه مورد استناد بوده است؛ اما ترجمه‌های نقل شده لزوماً این‌گونه نیست و نویسندگان در مواردی به منظور انتقال بهتر و صحیح‌تر مطالب، تغییراتی در ترجمه دکتر شهیدی داده است.)

نمی‌دانند و از واقعیت‌ها آگاهی لازم را ندارند، بتوانند در فرصتی مناسب به تحقیق و بررسی بپردازند و از ابعاد مختلف مسئله آگاهی یابند و در نتیجه هدف و انگیزه اصلی فتنه‌گران را بفهمند.

ب. اشخاصی که بر حقایق امور آگاهی داشتند، با رفع پاره‌ای از ابهام‌ها، بر دانایی و ایمانشان افزوده شود و استوارتر بر عقیده خود بمانند و با دلگرمی و باور بیشتری به دفاع از عقیده و آرمان خود بپردازند.

ج. در این مدت احتمال قانع ساختن افراد ناآگاه به وسیله اندیشمندان و نخبگان فراهم گردد. نخبگان جامعه می‌بایست ابعاد مختلف طرح پیچیده شامیان و مکر و حيله شیطانی آنان را برای دیگران می‌شکافتند.

د. در شرایط آرام و عادی بهتر می‌توان حقایق را شناخت و شناساند. حقیقت این است که در شرایط التهاب، اضطراب، دلهره و شتاب، بسیاری از مردمان نمی‌توانند ارزیابی درستی از اوضاع داشته باشند و بدخواهان نیز می‌توانند به شبهه‌افکنی خود ادامه دهند.

## ۲-۸. جداکردن صف فتنه‌گران و فتنه‌زدگان

یکی از نخستین کارهایی که لازم است در برخورد با فتنه و کور کردن چشمان آن صورت گیرد، جداکردن صف «فتنه‌زدگان» از «فتنه‌گران» است. بسیاری از کسانی که در جبهه فتنه قرار دارند، فریفته شعارهای زیبا و فریبنده سران فتنه می‌شوند. آنان را نباید خیلی سرزنش کرد و نباید همه افرادی را که در جبهه فتنه قرار دارند به یک چوب راند.



به تعبیر زیبای امام علی علیه السلام:

ما کل مفتون يُعائب؛<sup>۱</sup>

هر فریب‌خورده‌ای را سرزنش نتوان کرد.

بسیاری از کسانی که فریب فتنه را می‌خورند، از نادانی خود، آگاه نیستند. آن‌ها در چنگال‌های نامرئی فریب‌کاری و دغلكاری فتنه‌گران گرفتار آمده‌اند، اما خود نمی‌دانند و گمان می‌کنند به صورت مستقل تصمیم گرفته‌اند؛ گمان می‌کنند به صورت خودجوش و از روی اندیشه و فکر و عقیده حرکت کرده‌اند، در حالی که در زندان فریب و نیرنگ فتنه‌گران گرفتار شده‌اند. به همین دلیل به محض اینکه به آگاهی برسند و فرصتی برای تأمل در حوادث اطراف خود به دست آورند، دیگر حيله و فریب فتنه‌گران کارگر نخواهد بود. دیگر به‌عنوان هیزم آتش فتنه، خود را هزینه‌ی جاه‌طلبی‌ها، قدرت‌طلبی‌ها و قانون‌شکنی‌های عده‌ای خاص نخواهند کرد. اینجا است که وظیفه‌ی نخبگان و عالمان جامعه اسلامی بسیار سنگین است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة الله؛<sup>۲</sup>

زمانی که بدعت‌ها در امت من ظاهر شد، عالمان باید علمشان را ظاهر کنند و به مقابله با آن‌ها بپردازند و اگر چنین نکنند، مشمول لعنت خداوند خواهند بود.

۱. همان، حکمت ۱۵، ص ۳۶۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۷۲، باب ۱۳، حدیث ۳۵.

## ۹-۲. برخورد به هنگام و شجاعانه

برخورد به هنگام و به موقع با فتنه‌ها یکی دیگر از مهم‌ترین وظایف حاکمان اسلامی است. چراکه اگر درنگ و تعللی بیش از اندازه در این زمینه رخ دهد، ممکن است ویروس فتنه فراگیر شود و به سادگی نتوان آن را از پای درآورد. وقتی که فتنه بروز پیدا کرد، باید شجاعانه با آن به مبارزه برخاست؛ هر چند فتنه‌انگیزان از یاران، دوستان و هم‌زمان پیشین باشند. البته اقدام شجاعانه و قاطع در مقابل فتنه‌گران نباید موجب شود که مرزهای اخلاقی و حدود اسلامی شکسته شود.

اقدام شجاعانه و قاطعانه امام علی علیه السلام در برخورد با مخالفان خود، در چارچوب موازین اخلاقی بود.<sup>۱</sup>

می‌دانیم که فتنه خوارج در روزهای پایانی جنگ طولانی مدت صفین پدید آمد و فتنه‌گران نیز همان هم‌زمان، سربازان و دوستان امام علی علیه السلام بودند. کسانی که از شدت شب‌زنده‌داری، پیشانی‌هایشان پینه بسته بود و غالب آنان از قاریان و حافظان قرآن بودند؛ اما آن حضرت در برخورد با این فتنه بسیار شکننده، با افتخار می‌گوید:

من فتنه را نشاندم و کسی جز من شجاعت این کار را نداشت، از آن پس که موج تاریکی آن برخاسته بود و گزند آن همه‌جا را فراگرفته بود.<sup>۲</sup>

۱. برای توضیح بیشتر، ر.ک: حسن یوسفیان و احمدحسین شریفی، «امام علی و مخالفان»، در

دانشنامه امام علی، ج ۶، صص ۲۴۳-۲۴۶.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۳، ص ۸۵.

### ۳. شیوه‌های مبارزه بلندمدت و زیربنایی

دستور قرآن کریم در مبارزه با فتنه چنین است:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ<sup>۱</sup>

روشن است که این مقاتله و مبارزه و جهاد، لزوماً از نوع جهاد سخت و مبارزه مسلحانه نیست؛ بلکه راه مبارزه با بسیاری از فتنه‌ها، جهاد علمی و فرهنگی و به اصطلاح مبارزه نرم و آرام است. چرا که فتنه اصولاً از سنخ جنگ‌های نرم است؛ هرچند ممکن است در انتها به مبارزه سخت نیز منجر شود.

هر فتنه‌ای در ابتدا، به شیوه نرم و از راه مسائل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین راه مبارزه با فتنه، ترویج فرهنگ اسلامی و الهی است. این جهاد و مبارزه نرم باید تا جایی ادامه یابد که توان مخالفان دین و نظام اسلامی به حداقل برسد؛ به گونه‌ای که نتوانند هیچ ضربه‌ای به نظام اسلامی وارد سازند. در جنگ‌های نرم، هریک از افراد در خط مقدم جبهه هستند؛ بنابراین باید هرکدام از آنان، در حد توان، تجهیزات لازم برای مبارزه و مقابله با دشمن را داشته باشد. باید همواره شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که تشخیص حق و باطل برای جامعه سهل باشد. البته روشن است که انسان مختار است و اگر کسی خواست آگاهانه و آزادانه راه باطل را اختیار کند، کسی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد؛ اما وظیفه حکومت اسلامی آن است که شرایط را همواره برای تبیین حق فراهم سازد تا تشخیص حق

۱. بقره، آیه ۱۹۳.

و باطل برای حق‌طلبان دشوار نشود. قدرت تبلیغی و رسانه‌ای و علمی نظام اسلامی باید تا حدی باشد که فتنه‌گران توانایی فریب مردم را نداشته باشند. در این قسمت به برخی از راه‌های بلندمدت مبارزه با فتنه و جنگ‌های نرم اشاره می‌کنیم و البته مجدداً تأکید می‌کنیم که این بحث نیازمند تأمل و توسعه بیشتری است و راهکارهای این کتاب صرفاً دستمایه‌ای است برای تحقیقات بیشتر و عمیق‌تر.

### ۳-۱. ترویج ارزش‌ها

از آنجا که یکی از علل پیدایش فتنه در جامعه اسلامی، ضعف اخلاقی افراد است، برای خشکاندن ریشه‌های فتنه لازم است اخلاق اسلامی در همه سطوح و ساحت‌های زندگی مردم ترویج شود و نظام جامع اخلاقی و رفتاری انسان مسلمان تدوین و عملیاتی شود. باید اخلاق اجتماعی، اخلاق سیاسی، اخلاق علم‌اندوزی، اخلاق نقد، اخلاق جنسی، اخلاق خانواده، اخلاق معاشرت، اخلاق شهروندی و امثال آن همگی بر اساس مبانی اسلامی و به شیوه‌ای کاربردی برای سطوح مختلف تدوین شود و محور فعالیت‌های تربیتی و تعلیمی قرار گیرد.

به عنوان مثال در برخی احادیث، ترویج ازدواج به‌عنوان راهی برای جلوگیری از فتنه معرفی شده است. امام باقر علیه السلام در پاسخ مردی که گفت برای دخترم خواستگار آمده است و از آن حضرت مشورت خواست، فرمود:

مَنْ خَطَبَ إِلَيْكُمْ فَرَضِيْتُمْ دِيْنَهُ وَ أَمَانَتَهُ كَانَتْ مِنْ كَانِ فَرَوْجِوْهُ وَ أَلَا تَفْعَلُوْا تَكُنْ

### فِتْنَةُ فِي الْأَرْضِ وَ فِسادِ كَبِيرٍ؛<sup>۱</sup>

کسی که به خواستگاری دختر شما آمد و شما به دین‌داری و امانت‌داری او راضی بودید، دختر خود را به او بدهید و این مهم نیست که چه ویژگی‌های دیگری دارد و اگر این کار را نکنید، زمینه فتنه و فساد بزرگ در زمین را فراهم کرده‌اید.

از این حدیث معلوم می‌شود که ترویج ازدواج و تأمین روابط سالم جنسی در جامعه یکی از راه‌های مقابله با فتنه است. این کار موجب می‌شود که دشمنان نتوانند از راه انحراف‌های جنسی، نسل جوان را در استخدام و اختیار خود درآورند.

### ۲-۳. تقویت باورها

اگر فتنه‌گران از راه ایجاد بدعت در دین کار خود را پیش می‌برند، پس راه مبارزه با آن و خشک کردن ریشه‌های وقوع فتنه، تقویت بنیه‌های اعتقادی و دینی مردم است. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های نظام اسلامی باید تقویت بنیه‌های اعتقادی و دینی مردم باشد. اگر در خداشناسی مردم ضعف وجود داشته باشد، به تبع آن این ضعف در سطحی شدیدتر در دین‌شناسی و پیامبرشناسی افراد نمایان خواهد شد و به تبع آن به صورتی قوی‌تر و مخرب‌تر در امام‌شناسی نیز نمود پیدا می‌کند و در نهایت و به طریق اولی و به شکل شدیدتر و عمیق‌تری، ضعف در اعتقاد به ولایت فقیه و نظام مردم‌سالاری دینی را نیز در پی خواهد داشت. در چنین صورتی نباید از

۱. هادی نجفی، موسوعه احادیث اهل‌البیت، ج ۸، ص ۲۹۰، حدیث شماره ۱۰۰۲۲.

مردم انتظار داشت از روی اعتقاد دینی خود از حکومت اسلامی و نظام ولایی و مردم‌سالاری دینی دفاع و در راه حفظ نظام، جانفشانی کنند و از ایثار جان و مال و مقام در راه دفاع از این نظام دریغی نداشته باشند. بنابراین برای دفاع از نظام اسلامی و حکومت دینی و مقابله ریشه‌ای با فتنه‌ها، راهی جز تقویت بنیه‌های اعتقادی و باورهای دینی مردم وجود ندارد. اصولاً نظام جمهوری اسلامی اگر تاکنون توانسته است در برابر فتنه‌های داخلی و جنگ‌های خارجی و تحریم‌های بین‌المللی مقاومت کند و روز به روز بر اقتدار و توانمندی خود بیافزاید و به‌رغم قرار گرفتن در ناامن‌ترین منطقه دنیا و حضور نیروهای نظامی خارجی در چهار گوشه مرزهای آن، یکی از امن‌ترین کشورهای دنیا به‌شمار آید، به سبب پشتوانه‌های اعتقادی و ایمانی آن در میان مردم است. این حقیقتی است که به اثبات و ارائه شاهد نیاز ندارد. در عین حال، مناسب است در اینجا به برخی از سخنان معمار نظام جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی علیه السلام در این خصوص اشاره کنیم:

این‌هایی که خون دادند، جوان‌های ما که به خیابان ریختند، بانوان ما که به خیابان ریختند... باید دید که این‌ها... مذاقشان و مسلکشان دموکراتیک بود؟ این‌ها جمهوری می‌خواستند مثل جمهوری‌ای که شوروی می‌خواهد؟... ملت ما که خون خودش را ریخت و فریاد کرد الله‌اکبر و فریاد کرد جمهوری اسلامی، اسلام این‌ها را وادار کرد به یک همچون جانبازی و خونریزی و فدایی دادن، یا آن معنایی که شوروی‌ها می‌خواهند؟ یا آن معنایی که آمریکایی‌ها می‌خواهند؟ یا آن معنایی که اسرائیل می‌خواهد؟ آن‌ها هم جمهوری‌اند... آنی که این نهضت را پیش برد، آنی بود که

می‌گفت من شهادت را فوز می‌دانم. شهادت را برای دموکراتیک فوز می‌دانند؟! ... ما خون دادیم برای آن جمهوری؟ ما خون دادیم برای جمهوری غرب؟ ما برای اسلام خون دادیم، جوان‌های ما برای اسلام خون دادند.<sup>۱</sup>

مردم برای جمهوری نمی‌آیند به شهادت برسند. مردم برای اسلام می‌گویند ما شهید می‌خواهیم بشویم. الان هم می‌گویند، کفن می‌پوشند برای اسلام، نه کفن برای جمهوری، برای جمهوری دموکراتیک... آنها [دشمنان انقلاب] یافته بودند که این جهت [اسلامیت نظام] یک جهتی است که اصیل است، اصل مطلب است، این را باید شکست. با قلم‌ها، با گفتارها شروع کردند به این سنگر حمله کردن، اسلام حالا دیگر به درد نمی‌خورد. اسلام مال نمی‌دانم هزار و چهارصد سال پیش از این بود ... از اولی که شما این سد را شکستید و برگشتید که جمهوری اسلامی را درستش بکنید، این دسته از مردمی که دنبال این بودند که آن رمزی که شما پیروز شدید، چی بود؟ فهمیدند که رمز اسلام بوده است، حمله کردند به همان جهت اسلامیتش. نمی‌خواستند بگذارند که رأی بدهید برای جمهوری اسلامی، در بسیاری از جاها جلوی رأی را گرفتند ...<sup>۲</sup>

امام خمینی علیه السلام چند ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در پاریس در مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه تایمز انگلیس، ارتباط حکومت اسلامی و ارزش‌های اجتماعی و سیاسی در اسلام را با جهان‌بینی و نظام توحیدی به زیبایی ترسیم می‌کند و بسیاری از ارزش‌های اجتماعی و سیاسی را از اندیشه توحید استخراج می‌کند:

۱. صحیفه نور، ج ۶، صص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۱۱۰.

اعتقادات من و همهٔ مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و یا پیامبر اسلام و پیشوایان به حق بعد از آن حضرت بیان فرموده‌اند که ریشه و اصل همهٔ آن عقاید، که مهم‌ترین و باارزش‌ترین اعتقادات ماست، اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفرینندهٔ جهان و همهٔ عوالم وجود و انسان تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همهٔ حقایق مطلع است و قادر بر همه‌چیز است و مالک همه‌چیز. این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد و بنابراین هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید و از این اصل ما نیز معتقدیم که قانون‌گذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است. همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان‌ها است و بنابراین، انسان باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگران که به اسارت دعوت می‌کنند قیام کند و خود و جامعهٔ خود را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بندهٔ خدا باشند و از این جهت است که مبارزات اجتماعی ما علیه قدرت‌های استبدادی و استعماری آغاز می‌شود و نیز از همین اصل اعتقادی توحید، ما الهام می‌گیریم که همهٔ انسان‌ها در پیشگاه خداوند



یکسان‌اند. او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل برابری انسان‌ها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطا است؛ بنابراین با هر چیزی که برابری را در جامعه بر هم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را در جامعه حاکم می‌سازد، باید مبارزه کرد. البته این آغاز مسئله است و بیان یک ناحیه محدود از این اصل و اصول اعتقادی ما؛ که برای توضیح و اثبات هر یک از بحث‌های اسلامی، دانشمندان در طول تاریخ اسلام کتاب‌ها و رساله‌های مفصلی نوشته‌اند.<sup>۱</sup>

اندیشه سیاسی اسلام با اندیشه‌های اخلاقی و فقهی آن بیگانه نیست و فهم اندیشه سیاسی اسلام و به‌طور کلی نظام ارزشی اسلام بدون توجه به جهان‌بینی اسلامی و تفکر توحیدی و نظام نبوت و ولایت ممکن نیست؛ بنابراین برای دفاع بنیادین از نظام اسلامی در برابر فتنه‌ها و شبهه‌ها، لازم است همواره و در همه سطوح تأثیرگذار در جامعه، به‌ویژه در مدارس و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، برنامه‌هایی برای تقویت بنیه‌های اعتقادی و تعمیق جهان‌بینی اسلامی وجود داشته باشد.

### ۳-۳. تهیه طرح جامع تعلیم و تربیت اسلامی

گسترده‌گی دانشگاه‌ها و طیف وسیع دانشجویان و میلیون‌ها دانش‌آموزی که سالانه در مدارس مشغول تحصیل‌اند، ما را از سخن گفتن درباره ضرورت داشتن طرحی جامع در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی بی‌نیاز

۱. همان، ج ۵، ص ۳۸۷.

می‌کند. خیل عظیم نوجوانان و جوانانی که بخش زیادی از عمر خود را در مدارس و دانشگاه‌ها می‌گذرانند، ایجاب می‌کند به آموزش و پرورش آنان به صورت جدی‌تری پرداخته شود. اگر به منابع درسی و آموزشی آنان توجه نشود و مدارس و دانشگاه‌های ما، به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی، صرفاً جای جولان نظریه‌های غربی و سکولار باشد، باید هر زمان انتظار وقوع فتنه‌های بزرگی را داشت. حقیقت این است که باور و اعتقاد مقدمه لازم برای عمل است. اگر کسی در باورهای خود به یک موضوع دچار تردید شود، پای او به میدان عمل باز نمی‌شود و اگر ما نظام تعلیمی و تربیتی خود را مورد بازنگری جدی قرار ندهیم، دیری نمی‌پاید که جامعه ایمانی ما از درون تهی خواهد شد.

#### ۳-۴. ایجاد روحیه حقیقت‌شناسی

اگر یکی از شرایط و بسترهای پیدایش فتنه، شخصیت‌محوری به جای حقیقت‌محوری است، یکی از راه‌های مبارزه با آن نیز ترویج روحیه حقیقت‌محوری است. ارباب فرهنگ باید تلاش کنند تا این روحیه را در مردم ایجاد کنند که ضمن شناخت حقیقت، آن را معیار سنجش عملکرد افراد قرار دهند. درست است که برای برخی از یاران امام علی (علیه السلام) وجود **عمار** در سپاه امام، معیار حقیقت راه امام بود و نشانه درستی رفتارشان (و شگفتا که اینان حق مجسم و مدار حقیقت علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) را نمی‌دیدند و به جلوه‌ای از حقیقت، **عمار**، نظر دوخته بودند!)، اما روشن

است که در همه روزگاران نمی‌توان **عمار** را معیار حقیقت دانست. اکنون معماری وجود ندارد تا بتوان با ردیابی او حقیقت را شناخت. در این روزگار باید به دنبال شناخت خود حقیقت بود. معیار حقیقت را باید شناخت تا از دام فتنه و فریب‌رهایی یافت؛ البته روشن است که تزریق چنین روحیه‌ای در میان عموم مردم کاری زمان‌بر و بسیار حرفه‌ای و هنرمندانه است و این وظیفه‌ای است که در روزگار حاضر بیش از هر زمان دیگری بر دوش همه دلسوزان اسلام و فرهنگ و نظام اسلامی سنگینی می‌کند.

امام علی علیه السلام در توصیف جنگ با اهل قبله و شرایط مبارزان چنین جنگی می‌فرماید:

قَدْ فَتِحَ بَابُ الْحَرْبِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقِبْلَةِ وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ  
وَ الصَّبْرِ وَ الْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ؛<sup>۱</sup>

میان شما و اهل قبله در جنگ گشوده شد و این علم را بر ندارد مگر آنکه بینا و شکیبیا است و داند که حق در کجا است.

### ۳-۵. تقویت دانش دشمن‌شناسی

عالمان اخلاق تأکید می‌کنند هر انسانی برای اخلاقی زیستن نیازمند دو نوع آگاهی است: آگاهی از خوبی‌ها و آگاهی از بدی‌ها. هر کسی باید خوبی‌ها را بشناسد تا بدان‌ها عمل نماید و بدی‌ها و رذیلت‌ها را نیز تشخیص دهد تا از آن‌ها دوری کند. به همین دلیل می‌توان گفت که یکی از راه‌های مبارزه با فتنه‌ها، تقویت دانش دشمن‌شناسی است. اگر کسی

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳، ص ۱۷۹.

می‌خواهد راه حق را طی کند و در صراط حقیقت استوار بماند، حتماً نیازمند شناخت راه باطل و باطل‌گرایان است. یکی از راه‌های تشخیص حق و باطل، برای بسیاری از مردمان عادی، شناخت اهل باطل است. تأکید حضرت امام علیه السلام و رهبری معظم انقلاب بر اینکه اگر دشمنان و رادیوهای بیگانه به امری تشویق کردند، مردم ما باید خلاف آن را عمل نمایند و اگر از فردی یا جریانی دفاع کردند، مردم باید حساسیت ویژه‌ای به آن‌ها داشته باشند، حاکی از همین حقیقت است. دشمنان و بیگانگان هرگز خیر و صلاح جامعه اسلامی و مردم مسلمان را نمی‌خواهند. آنان به دنبال منافع و هدف‌های شیطانی خود هستند.

امام علی علیه السلام نیز بر این واقعیت تأکید می‌کند که هرگز به حقیقت و سعادت دست نمی‌یابید مگر آنکه روی برتافتگان از راه حق و درماندگان از سعادت را بشناسید:

وَ اعْلَمُوا انْكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكْتُمْ وَ لَنْ تَأْخُذُوا بِمِشَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ وَ لَنْ تَمْسُكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ؛  
بدانید که تا واگذارنده رستگاری را نشناسید، رستگاری را نخواهید شناخت و تا شکننده پیمان قرآن را ندانید، با قرآن پیمان استوار نخواهید ساخت و تا واگذارنده قرآن را به جای نیاورید، در قرآن چنگ نتوانید انداخت.<sup>۱</sup>

۱. همان، خطبه ۱۴۷، ص ۱۴۴.

## کتابنامه

## قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، چهارم، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ش.

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد. بی تا. غررالحکم و دررالكلم. دار الثقافه العامه.
۲. ابن ابی الحدید. ۱۳۸۵ق. شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. الثانيه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن اثیر. ۱۴۰۹ ق. اسد الغابه فی معرفه الصحابه. بیروت: دار الفكر.
۴. ابن سعد. ۱۴۰۵ق. الطبقات الکبری. بیروت: دار بیروت.
۵. ابن شبه النمیری. ۱۴۱۰ق. تاریخ المدینه المنوره. قم: دار الفكر.
۶. ابن منظور. بی تا. لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۷. ابواسحاق، ابراهیم بن محمد ثقفی. ۱۳۵۶. الغارات. تصحیح میرجلال الدین حسینی. تهران: انجمن آثار ملی.
۸. احمد بن ابی یعقوب. بی تا. تاریخ الیعقوبی. بیروت: دار صادر.
۹. احمد بن داود الدینوری: الاخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.

١٠. احمد بن فارس. ١٤١١. *معجم مقاييس اللغة*. تصحيح عبدالسلام محمد هارون. بيروت: دار الجيل.
١١. الاسكافي، محمد بن همام. *التمحيص*. نرم افزار كتابخانه اهل بيت عليه السلام.
١٢. البلاذري، محمد بن يحيى. ١٤١٧ق. *انساب الاشراف*. بيروت: دار الفكر.
١٣. بي تا. *صحيفة نور*. مجموعه رهنمودهای امام خميني. تهران: مركز مدارك فرهنگي انقلاب اسلامي.
١٤. الحر العاملي، محمد بن الحسن. ١٤٠٣ق. *وسائل الشيعه*. الخامسة. بيروت: دار احياء التراث العربي.
١٥. خزاز رازي، علي بن محمد. ١٤٠١ق. *كفايه الاثر*. تصحيح عبداللطيف حسيني. قم: بيدار.
١٦. الخوارزمي، الموفق بن احمد. ١٤١٤ق. *المناقب*. تحقيق مالك المحمودي. الثانية. قم: مؤسسه النشر الاسلامي.
١٧. الدمشقي، اسماعيل ابن كثير. بي تا. *البدايه و النهايه*. تحقيق مكتب التراث. بيروت: دار احياء التراث العربي.
١٨. الدينوري، عبدالله ابن قتيبه. ٣٨٢ق. *الامامه و السياسه*. الثالثه. مصر: شركة مصطفى البايي الحلبي.
١٩. الذهبي، شمس الدين محمد. ١٤١٤ق. *سير اعلام النبلاء*. العاشره. بيروت: مؤسسه الرساله.
٢٠. رباني گلپايگاني، علي. ١٣٧٧. *فرق و مذاهب كلامي*. قم: مركز جهاني علوم اسلامي.
٢١. رومي، جلال الدين. ١٣٧٣. *مثنوي معنوي*. تصحيح رينولد نيكلسن. پنجم. تهران: آگاه.

۲۲. سبحانی، جعفر. ۱۳۶۸. *فروغ ولایت*. قم: صحیفه.
۲۳. سبحانی، جعفر. ۱۳۷۰. *بحوث فی الملل و النحل*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیة قم.
۲۴. شارپ، جین. ۱۳۸۵. *از دیکتاتورى تا دموکراسى*. تهران: طرح نو.
۲۵. طباطبایى، سید محمدحسین. ۱۴۱۴ق. *المیزان فی تفسیر القرآن*. چهارم. قم: جامعه مدرسین.
۲۶. الطبرسى، ابوعلی الفضل بن الحسن. ۱۴۰۶ق. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تصحیح هاشم رسولی محلاتی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. الطبرى، محمد بن جریر. ۱۳۵۸ق. *تاریخ الطبری* (تاریخ الامم و الرسل و الملوك). القاہرہ: مطبعہ الاستقامہ.
۲۸. الطوسى (الشیخ). ۱۴۱۴ق. *الامالى*. تحقیق مؤسسۃ البعثہ. قم: دارالثقافہ.
۲۹. العاملی، جعفر مرتضی. ۴۰۲ق. *الصحيح من سيره النبي الاعظم*. الثانيه. قم: جامعه مدرسین.
۳۰. عبدالرحمن بن خلدون. ۱۴۱۳ق. *تاریخ ابن خلدون*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۱. عزالدین بن اثیر. ۱۴۰۸ق. *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. فروزانفر، بدیع الزمان. ۱۳۷۰. *احادیث مشنوی*. پنجم. تهران: امیرکبیر.
۳۳. القرطبی، یوسف بن عبد البر. ۱۴۱۵ق. *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۴. الكلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۱۰ق. *الکافی*. الخامسه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۳۵. محمد بن احمد ابن ادريس. ۴۱۰ق. السرائر. دوم. قم: جامعه مدرسین.
۳۶. محمد بن علی ابن اعثم. ۴۱۱ق. الفتوح. بی جا. دار الاضواء.
۳۷. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق). ۳۶۲ش. الخصال. قم: جامعه مدرسین.
۳۸. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق). ۴۱۶ق. علل الشرايع. دار الحججہ للثقافه.
۳۹. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق). بی تا. التوحید. قم: مؤسسۀ نشر اسلامی.
۴۰. محمدی ری شهری، محمد. ۴۱۲ق. موسوعه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام. قم: دار الحدیث.
۴۱. محمدی ری شهری، محمد. ۱۴۱۳. میزان الحکمه. الرابعه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴۲. مسعودی، علی بن الحسین. بی تا. مروج الذهب. تحقیق محیی الدین عبد الحمید. بیروت: دارالمعرفه.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۹. قرآن در آیینۀ نهج البلاغه. قم: مؤسسۀ امام خمینی علیه السلام.
۴۴. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۱. در پرتو آذرخش. قم: مؤسسۀ امام خمینی علیه السلام.
۴۵. مصطفوی، حسن. ۱۳۶۸. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۴۶. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۸. آشنایی با قرآن. چهارم. تهران: صدرا.
۴۷. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۱. توحید. تهران: صدرا.
۴۸. مفید (شیخ). ۴۱۳ق. الارشاد. تحقیق مؤسسۀ آل البيت. قم: المؤتمر العالمی



لالفية الشيخ المفيد.

۴۹. مفيد (شيخ). ۱۴۱۳ق. *مصنفات الشيخ المفيد*. ج ۱. *الجمال*. قم: المؤتمر العالمي لآلفية الشيخ المفيد.
۵۰. المنقري، نصر بن مزاحم. ۱۴۰۳ق. *وقعه صفيين*. تحقيق عبدالسلام محمد هارون. الثانية. القاهرة: المؤسسة العربية الحديثه.
۵۱. نجفي، هادي. ۱۴۲۳ق. *موسوعه احاديث اهل البيت*. بيروت: دار احياء التراث العربي.
۵۲. يوسفیان، حسن و احمد حسين شريفی. ۱۳۸۰. «امام على و مخالفان». در *دانشنامه امام على*، زير نظر على اكبر رشاد. ج ۶. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامي.

### نشریات

۵۳. *روزنامه کیهان*. سرمقاله سردبير با عنوان «تشکيلات سبز يا فرش قرمز پيش پای آمريکا؟!». ۲۶ مرداد ۱۳۸۸. شماره ۱۹۴۳۸.
۵۴. *روزنامه کيهان*. متن کامل اعترافات سعيد حجاریان در دادگاه. چهارشنبه، ۴ شهریور ۱۳۸۸. شماره ۱۹۴۴۶.



## فهرست آیات

## بقره (۲)

- وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (۱۱)..... ۸۵  
 وَ لَنْبَلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ  
 الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵)..... ۳۰  
 وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ (۱۹۱)..... ۱۲  
 وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ (۱۹۳)..... ۱۴، ۱۶۳  
 وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ (۲۱۷)..... ۱۲  
 فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ (۲۶۰)..... ۱۱۷

## آل عمران (۳)

- هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ أُخْرُ  
 مَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ  
 ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ (۷)..... ۴۰، ۹۳  
 وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوَلَهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ  
 وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۱۴۰)..... ۲۸  
 وَ لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ (۱۴۱)..... ۲۸  
 أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ  
 الصَّابِرِينَ (۱۴۲)..... ۲۸

لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَتَسْمَعُونَ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ  
وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذْيَ كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ  
الْأُمُورِ (١٨٦) ..... ٣٠، ١٤٢

نساء (٤)

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ  
وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (٩٣) ..... ١١

مائده (٥)

أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا  
(٣٢) ..... ١١

اعراف (٧)

وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (١٦٨) ..... ٣١

انفال (٨)

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ  
الْعِقَابِ (٢٥) ..... ١٣  
وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ (٢٨) ..... ٣٧، ٣٢، ٣٠  
وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ (٣٩) ..... ١٤

توبه (٩)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ  
اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (١٦) ..... ٢٨

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ  
حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ  
إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ (۱۰۷)..... ۸۵

## کھف (۱۸)

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (۱۰۳)..... ۴۲  
الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰۴). ۴۲  
أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ وَزَنًا (۱۰۵)..... ۴۲

## طه (۲۰)

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنُفْتِنَهُمْ فِيهِ  
وَوَرِثَ رِزْقَ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ (۱۳۱)..... ۳۰

## انبیاء (۲۱)

وَنَبَلُّوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً (۳۵)..... ۳۱

## حج (۲۲)

وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَيَّ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ  
انْقَلَبَ عَلَيَّ وَجْهَهُ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۱)..... ۱۳۳  
لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةَ قُلُوبُهُمْ (۵۳)..... ۳۱

## قصص (۲۸)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ

إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ (٥٨)..... ٤٣

### عنكبوت (٢٩)

أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (٢)..... ٢٩، ٤١  
وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ  
الْكَاذِبِينَ (٣)..... ٢٩، ٤١

### احزاب (٣٣)

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ (٤٦)..... ٧٥  
وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا (٤٧)..... ٧٥  
رَبَّنَا آتِنَاهُمْ صِغْفِيرًا مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (٤٨)..... ٧٥

### ذاريات (٥١)

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ (١٣)..... ٣٧

### مجادله (٥٨)

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ  
كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ  
الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ  
اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (٢٢)..... ٣٤

## فهرست روایات

- احذروا الشبهه؛ فإنها وضعت للفتنة ..... ۹۴
- إذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة الله .... ۱۶۱
- اعلموا انه من يتق الله يجعل له مخرجا من الفتن و نورا من الظلم ..... ۱۴۳
- الا و إن بليتكم قد عادت كهيتها يوم بعث نبيّه صلى الله عليه و آله و الذي بعثه  
 بالحق لتبليّن بلبلة و لتغربلن غربلة و لتساطن سوط القدر حتى يعود  
 اسفلكم اعلاكم و اعلاكم اسفلكم و ليسبقن سابقون كانوا قصروا و ليقصرن  
 سابقون كانوا سبقوا ..... ۲۵
- الى الله اشكو من معشر يعيشون جهالاً يموتون ضلالاً ليس فيهم سلعة أبور من  
 الكتاب اذا تلى حق تلاوته و لا سلعة انفق بيعة و لا اعلى ثمنا من الكتاب اذا  
 خرف عن مواضعه و لا عندهم انكر من المعروف و لا اعرف من المنكر. ۷۴
- ان الفتن اذا اقبلت شبّهت و اذا ادبرت نبّهت. يُنكرن مقبلات و يُعرفن مدبرات.  
 يخمن حوم الرياح يصبن بلداً و يخطئن بلداً. ألا و ان اخوف الفتن عندي  
 عليكم فتنة بنى امية فإنها فتنة عمياء مظلمة: عمّت خطتها و خصت بليتها و  
 اصاب البلاء من ابصر فيها و اخطأ البلاء من عمى عنها ..... ۴۹
- انك لملبوس عليك. ان الحق و الباطل لا يعرفان بأقدار الرجال. اعرف الحق  
 تعرف اهله و اعرف الباطل تعرف اهله ..... ۵۸
- انما هلك من كان قبلكم انهم منعوا الناس الحق فاشتروه و اخذوهم بالباطل  
 فاقتدوه ..... ۷۱

انما بدءُ وقوعِ الفتنِ اهواءٌ تتبع و احكامٌ تُبتلعُ، يُخالف فيها كتاب الله و يتولى عليها رجالٌ رجالاً على غير دين الله. فلو انَّ الباطلَ خَلص من مزاجِ الحق لم يخفَ على المرتادين و لو انَّ الحقَ خَلص من لبسِ الباطل لانقطعت عنه ألسنُ المعاندين و لكن يُؤخذ من هذا ضِعْثٌ و من هذا ضِعْثٌ فِيمزجان فهناك يستولى الشيطانُ على اوليائه و ينجو «الذين سبقت لهم من الله الحسنى»..... ١٠٩

ايها الناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاة ..... ١٤٥

تمنوا الفتنه؛ ففيها هلاك الجبابرة و طهارة الارض من الفسقة ..... ٢٩

ثم انكم معشر العرب اغراض للبلايا قد اقتربت فاتقوا سكرات النعمة ..... ٦٤

سيأتي عليكم بعدى زمان ليس فيه شيء اخفى من الحق و لا اظهر من الباطل و لا اكثر من الكذب على الله و رسوله و ليس عند اهل ذلك الزمان سلعة أبور من الكتاب اذا تلى حق تلاوته و لا انفق منه اذا حُرّف عن مواضعه و لا فى البلاد شيء أنكر من المعروف و لا اعرف من المنكر فقد نبذ الكتاب حملته و تناساه حفظته ..... ١٣١

سيفتنون باموالهم ..... ٦٣

شبابها ك شباب الغلام و آثارها كآثار السلام ..... ٥١

فاخذر الشبهة و اشتمالها على لبسها فإن الفتنه طالما أغدفت جلايبها و أغشيت الابصار ظلمتها ..... ٩٤

فاذا التبست عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن ..... ١٤٣

فانما فعلت ذلك ليتبين الجاهل و يتبين العالم و لعل الله ان يصلح فى هذه الهدنة امر هذه الامة و لا تؤخذ بأكظامها، فتعجل عن تبين الحق و تنقاد لاول الغي ..... ١٥٩

فلو ان الباطل خَلص من مزاجِ الحق لم يخف على المرتادين و لو ان الحق خَلص من لبسِ الباطل لانقطعت عنه السن المعاندين و لكن يُؤخذ من هذا



- ضغث و من هذا ضغث فيمزجان فهناك يستولى الشيطان على اوليائه و  
ينجو «الذين سبقت لهم من الله الحسنى» ..... ١٠٣
- قد خاضوا بحار الفتن و اخذوا بالبدع دون السنن ..... ١٢٤
- قد فتح باب الحرب بينكم و بين اهل القبلة و لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر  
و الصبر و العلم بمواضع الحق ..... ١٧١
- قد لعمري يهلك في لهب الفتنة المؤمن و يسلم فيها غير المسلم ..... ٥٤
- قطع ظهري رجلا من الدنيا: رجل غليم اللسان فاسق، و رجل جاهل القلب  
ناسك، هذا يصد بلسانه عن فسقه و هذا ينسكه عن جهله، فاتقوا الفاسق  
من العلماء و الجاهل من المتعبدين اولئك فتنة كل مفتون، فاني سمعت  
رسول الله صلى الله عليه و آله يقول: يا على هلاك أمتي على يدي [كل]  
مُناقق غليم اللسان ..... ١٠٤
- كل يتقربون الى الله بدمه ..... ١٢٢
- كن في الفتنة كابن اللبون لا ظهر فيركب و لا ضرع فيحلب ..... ١٥١
- لا تبعه في فتنة ..... ١٤٦
- لا تکرهوا الفتنة في آخر الزمان فانها تُبیرُ المنافقين ..... ٢٩
- لأنا لفتنة السراء اخوف اليكم من فتنة الضراء انكم ابتليتم بفتنة الضراء فصبرتم و  
ان الدنيا خلوة خضرة ..... ٦٤
- لما بلغه ان رجلاً كان يأكل الربا و يُسميه اللباء، قال: لئن امكنتني الله عز و جل  
منه لأضربن عنقه ..... ٧٣
- ما زال الزبير رجلاً من اهل البيت حتى نشأ ابنه المشؤوم عبداً لله ..... ٣٣
- ما كل مفتون يُعاتب ..... ١٦١
- من خطب اليكم فرضيتم دينه و امانته كائنا من كان فزوجوه و الا تفعلوا تكن  
فتنة في الارض و فساد كبير ..... ١٦٤
- من شب نار الفتنة كان وقوداً لها ..... ٥٥

وَاعْلَمُوا انْكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرِّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكْتُمْ وَ لَنْ تَأْخُذُوا بِمِشَاقِ  
الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضْتُمْ وَ لَنْ تَمَسَّكُمْ بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذْتُمْ ١٧٢  
وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرْتُمْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا  
قَلِيلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ..... ٦٣  
يَا عَلِيُّ، إِنَّ الْقَوْمَ سَيُفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ يَمُنُّونَ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ وَ يَتَمَنَّوْنَ رَحْمَتَهُ  
وَ يَأْمَنُونَ سَطْوَتَهُ وَ يَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشَّبَهَاتِ الْكَاذِبَةِ وَ الْإِهْوَاءِ السَّاهِيَةِ  
فَيَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ بِالنَّبِيذِ وَ السُّخْتِ بِالْهَدِيَةِ وَ الرَّبَا بِالْبَيْعِ ..... ٦٢  
يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَ  
مَسَاجِدُهُمْ يُؤَمِّدُ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى، سَكَانُهَا وَ عِمَارُهَا شَرُّ  
أَهْلِ الْأَرْضِ، مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ يَرُدُّونَ مَنْ شَدَّ عَنْهَا  
فِيهَا وَ يَسُوقُونَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا إِلَيْهَا يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «فَبِى حَلْفَتُكَ لَأُبْعَثَنَّ  
عَلَى أَوْلَئِكَ فِتْنَةً أَتْرَكُ الْحَلِيمَ فِيهَا حَيْرَانَ» ..... ٦٨  
يَحْمِنُ حَوَمَ الرِّيَاحِ، يُصْبِنُ بِلْدًا وَ يُخْطِنُ بِلْدًا ..... ٥٢  
يُصْبِنُ بِلْدًا وَ يُخْطِنُ بِلْدًا ..... ٥٣  
يَمُنُّونَ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ وَ يَتَمَنَّوْنَ رَحْمَتَهُ وَ يَأْمَنُونَ سَطْوَتَهُ ..... ٦٧  
يَوْمَ تَقْلَبُ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَ أَطَعْنَا الرَّسُولَ وَ قَالُوا  
رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَ  
الْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ..... ٧٥

## فهرست اشعار

|     |   |
|-----|---|
| ۱۳۷ | آن بهاران مضمهر است اندر خزان.....      |
| ۱۳۳ | امتحان بر امتحان است ای پدر .....       |
| ۱۳۷ | ای برادر موضع تاریک و سرد .....         |
| ۹۸  | اینک این طومار و احکام مسیح.....        |
| ۱۱۷ | بط حرصست و خروس آن شهوتست .....         |
| ۱۱۷ | بط و طاوسست و زاغست و خروس .....        |
| ۱۳۳ | بلعم باعور و ابلیس لعین .....           |
| ۲۴  | تا ز جانها جانشان شد زفت تر .....       |
| ۲۴  | تا که چوبش می زنی به می شود .....       |
| ۹۸  | تا نمیرم من تو این پیدا مکن .....       |
| ۹۹  | تخمهای فتنهها کو کشته بود .....         |
| ۱۳۷ | چشمه حیوان و جام مستی است .....         |
| ۲۷  | چون کند دعوی خیاطی کسی .....            |
| ۹۷  | حکمهای هر یکی نوعی دگر .....            |
| ۱۱۷ | خلق را گر زندگی خواهی ابد .....         |
| ۹۹  | خون روان شد همچو سیل از چپ و راست ..... |
| ۹۶  | دین و دل را کل بدو بسپرد خلق .....      |
| ۱۳۷ | رنج گنج آمد که رحمتها در او است .....   |

- زانک این تن شد مقام چهار خو..... ۱۱۷
- زین سبب بر انبیا رنج و شکست..... ۲۴
- زین نمط وین نوع، ده طومار و دو..... ۹۷
- ساخت طوماری به نام هر یکی..... ۹۷
- سر ببر این چار مرغ زنده را..... ۱۱۷
- سنگ‌های امتحان را نیز پیش..... ۱۳۳
- صد هزاران امتحان است ای پدر..... ۲۷
- صد هزاران مرد ترسا کشته شد..... ۹۹
- قول مطبوع از درون سوزناک آید که عود..... ۱۳۵
- که ببر این را به غلطان فراخ..... ۲۷
- گر تو نقدی یافتی مگشا دهان..... ۱۳۳
- گر نبود امتحان هر بدی..... ۲۷
- گر نداند عامه او را ز امتحان..... ۲۷
- گفت جانم از محبان دور نیست..... ۹۸
- گفت هریک را به دین عیسوی..... ۹۸
- گفت یزدان از ولادت تا به حین..... ۱۳۳
- لیک من تا زنده‌ام این وامگو..... ۹۸
- نفس مؤمن اشغری آمد یقین..... ۲۴
- و آن امیران دگر اتباع تو..... ۹۸
- هر کسی را خدمتی داده قضا..... ۲۲
- هر که در این بزم مقرب‌تر است..... ۲۳
- هست حیوانی که نامش اشغر است..... ۲۴
- همره غم باش و با وحشت بساز..... ۱۳۷

## نمایه

|                             |                                | آ             |                    |  |
|-----------------------------|--------------------------------|---------------|--------------------|--|
| ایران                       | ۲۶، ۸۱، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۵۵، ۱۵۶ | ۱۵۳           | ابن ابی الحدید     |  |
|                             | ب                              | ۱۵۴، ۱۴۹، ۸۷  | ابن عباس           |  |
| بصره                        | ۶۱، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۴۵، ۱۴۷         | ۱۵۰           | ابوبکر             |  |
| بنی امیه                    | ۴۹، ۸۸، ۱۳۰                    | ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۱ | ابوسفیان           |  |
| بنی عباس                    | ۸۸                             | ۱۲۰           | ابوطالب            |  |
|                             | پ                              | ۱۶۶           | اسرائیل            |  |
| پاریس                       | ۱۶۷                            | ۱۱۹           | اسکندریه           |  |
| پیامبر ﷺ                    | ۱۶، ۲۲، ۲۶                     | ۶۵            | اشعری، ابو موسی    |  |
| ۲۹-۳۶، ۳۳، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۵۶   |                                | ۷۳، ۲۹، ۲۳    | امام جعفر صادق ﷺ   |  |
| ۶۱-۶۵، ۷۲-۶۸، ۸۷-۸۵، ۹۰     |                                | ۱۴۶، ۱۱۸      | امام حسین ﷺ        |  |
| ۹۱، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳      |                                | ۱۲۳، ۱۲۲      | امام علی بن موسی ﷺ |  |
| ۱۳۴، ۱۴۵-۱۴۳، ۱۶۱، ۱۵۰، ۱۶۸ |                                | ۸۸            | امام محمد باقر ﷺ   |  |
|                             | ت                              | ۱۶۴، ۱۲۲      | امام موسی کاظم ﷺ   |  |
| تایمز (روزنامه)             | ۱۶۷                            | ۸۸            | امویان             |  |
|                             |                                | ۹۶            | انجیل              |  |
|                             |                                | ۱۶۷           | انگلیس             |  |

|                           |                  |          |                       |
|---------------------------|------------------|----------|-----------------------|
| ۸۱                        | روم              | ۲۵       | تفسیر المیزان         |
| ۲۷، ۲۳                    | رومی، جلال‌الدین |          | ث                     |
| ۱۳۷، ۱۲۹، ۱۱۷، ۹۵         |                  | ۲۵       | ثمود ﷺ                |
|                           | ز                |          | ح                     |
| ۵۷، ۵۵، ۴۵، ۳۲-۳۴         | زبیر بن عوام     | ۹۱       | حجر اسماعیل           |
| ۱۴۷، ۱۱۹، ۱۱۵، ۹۱، ۶۵، ۵۸ |                  | ۵۷       | حسن بن محمد بن حنفیه  |
| ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۲-۱۵۴، ۱۴۸    |                  | ۳۲، ۲۵   | حضرت ابراهیم خلیل ﷺ   |
| ۱۱۹، ۶۵                   | زید بن ثابت      | ۳۲       | حضرت اسماعیل ﷺ        |
|                           | س                | ۹۶-۹۹    | حضرت عیسیٰ ﷺ          |
| ۱۰۰                       | سازمان ملل متحد  | ۱۱۸، ۲۵  | حضرت موسیٰ ﷺ          |
| ۱۳۵                       | سعدی             | ۲۵       | حضرت نوح ﷺ            |
| ۱۵۸                       | سعید بن عاص      |          | خ                     |
|                           | ش                | ۵۶       | خزیمه بن ثابت         |
| ۱۰۰، ۸۱                   | شارب، جین        | ۱۶۷، ۱۶۶ | خمینی، سید روح الله ﷺ |
| ۱۱۶، ۹۲، ۹۱، ۸۷           | شام              |          | د                     |
| ۱۸، ۹                     | شریفی، احمدحسین  | ۱۰۰      | دیکتاتوری تا دموکراسی |
| ۶۶                        | شعب ابی طالب     |          | ر                     |
| ۲۵                        | شعیب ﷺ           |          | رودکی                 |
| ۱۶۶                       | شوروی            |          | رورتی، ریچارد         |

|                                   |                                    |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| قرآن مجید                         | ط                                  |
| ۱۱، ۱۲، ۱۴                        | طباطبایی، سید محمدحسین ۱۳          |
| ۲۱، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۴، ۴۰، ۴۱        | ۳۱، ۲۵                             |
| ۴۳، ۶۲، ۶۸، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۸۵        | طلحه بن عبیدالله ۴۵، ۵۵، ۵۷        |
| ۸۷، ۹۳، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۴-۱۴۲         | ۵۸، ۶۵، ۹۱، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۴۷          |
| ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۷۲                | ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۸            |
| ۸۶ قریش                           |                                    |
| ک                                 | ع                                  |
| کربلا                             | عابد <small>علیه السلام</small> ۲۵ |
| ۱۲۲                               | عایشه ۴۵، ۵۵، ۵۷                   |
| کعب بن مالک ۱۱۹                   | ۵۸، ۹۰، ۱۱۵، ۱۵۳، ۱۵۴              |
| کوفه ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۴۷، ۱۵۳           | عباس ۱۴۵، ۱۵۰                      |
| ل                                 | عبدالرحمن بن عوام ۱۵۸              |
| لوط <small>علیه السلام</small> ۲۵ | عبدالله ۳۳                         |
| م                                 | عثمان ۳۳، ۴۴، ۴۵، ۹۰-۹۲            |
| مالک اشتر ۱۲۰                     | ۱۱۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸            |
| مأمون ۸۸                          | عقیل ۷۰                            |
| مثنوی معنوی ۹۵                    | عمار ۵۶، ۱۴۴، ۱۷۰، ۱۷۱             |
| مدینه ۲۵، ۴۴، ۹۱، ۱۱۹             | عمر بن سعد ۱۲۲                     |
| ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۱                | عمر ۸۷                             |
| ۱۵۷، ۱۵۸ مروان بن حکم             | عمر بن عاص ۸۷، ۱۲۰                 |
| ۱۱۹ مصر                           | ق                                  |
| ۱۳۵ مطهری، مرتضی                  | قبیله بنی اسد ۶۹                   |

|             |             | موج فتنه                 | ۱۹۲                      |
|-------------|-------------|--------------------------|--------------------------|
|             | ن           | ۵۷، ۵۶، ۵۰               | معاويه                   |
| ۹۱          | نائله       | ۱۱۶، ۱۱۵، ۹۴، ۹۲، ۹۱، ۸۷ |                          |
| ۱۵۴، ۴۶، ۴۵ | نهج البلاغه | ۱۵۸، ۱۵۳، ۱۲۰            |                          |
|             | و           | ۱۵۸                      | مغيره بن اخنس            |
|             |             | ۱۴۷-۱۴۹، ۹۱، ۹۰، ۳۲      | مكه                      |
| ۱۱۲         | وبر، ماكس   |                          | مولوى ← رومى، جلال الدين |



## مراکز فروش آثار در تهران

### کتاب اندیشه

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خ شهید بهشتی، پلاک ۵۶ - تلفن: ۸۸۵۰۳۳۴۱

### فروشگاه امیرکبیر

خ انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، نبش خ فخررازی - تلفن: ۶۶۴۰۰۷۵۷

### پخش کتاب مرجع

خ ولی عصر(عج)، بعد از چهارراه زرتشت، نرسیده به سه راه فاطمی، خ صدر، پلاک ۴۴ - تلفن: ۸۸۸۰۲۰۰۱

### پخش کتاب پکتا

چهارراه کالج، ابتدای خ حافظ شمالی، نبش بامشاد، پلاک ۵۲۵ - تلفن: ۸۸۹۴۰۳۰۳

### کتاب مرجع

بلوار کشاورز، خ فلسطین، نرسیده به میدان فلسطین - تلفن: ۸۸۹۶۱۳۰۳

### انتشارات حکمت

خ انقلاب، خ ابوریحان، پلاک ۹۶ - تلفن: ۶۶۴۶۱۲۹۲

### انتشارات آئینه

خ ناصر خسرو، کوچه حاج نایب، پاساژ خاتمی، شماره ۱۲ - تلفن: ۳۳۹۳۰۴۹۶

### نشر ثالث

خ کریمخان زند، بین خ ایرانشهر و خ ماهشهر، پلاک ۱۴۸ - تلفن: ۸۸۲۲۵۳۷۶-۷

### نشر میزان

خ انقلاب، روبروی درب دانشگاه تهران، ابتدای خ فخررازی، پلاک ۸۳ - تلفن: ۶۶۴۶۷۷۷۰

### فروشگاه پکتا

خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوچه اسکو - تلفن: ۶۶۹۷۰۲۱۱

### مرکز پخش شرکت کتاب شهر ایران

خ انقلاب، خ ابوریحان، خ شهید وحید نظری، پلاک ۱۶ - تلفن: ۶۶۴۱۲۷۶۲-۸

### فروشگاه کتاب شهر ایران

خ بهارستان، پلاک ۹۵، روبروی بیمارستان طرفه - تلفن: ۷۷۶۳۷۷۶۶

### مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

نرسیده به چهارراه امیراکرم، خ نوفل لوشاتو، پلاک ۸۷ - تلفن: ۶۶۹۷۰۸۰۶

### انتشارات آستان قدس رضوی (شرکت به نشر)

خ انقلاب، روبروی درب دانشگاه تهران - تلفن: ۶۶۴۰۱۵۴۳

### مجتمع مطبوعات تخصصی کشور (توزیع نشریات)

اتوبان کردستان، ونک پارک، خ علیخانی، ۲۰ متری گلستان، ۱۲ متری سوم، پلاک ۳ - تلفن: ۸۸۲۱۲۰۵۸-۹

### مجتمع آثار مکتوب ایرانیان (توزیع نشریات)

میدان آرژانتین، خ آوند، نبش خ ۲۷، پلاک ۴، واحد ۹ - تلفن: ۸۸۷۸۲۸۶۵\_۸۸۷۸۲۸۷۵

## مراکز فروش آثار در شهرستان‌ها

### ایبهر

فروشگاه کتاب شهر ایران : جاده ترانزیت ، نرسیده به چهارراه معلم ، جنب سازمان تبلیغات - تلفن : ۵۲۴۲۵۷۰ - ۰۲۴۲

### استهبان

فروشگاه کتاب شهر ایران : روبروی امامزاده پیرزاد ، ساختمان خانه سوره

### اصفهان

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) : خ مسجد سید ، اول خ پنجم رمضان - تلفن : ۳۳۶۰۶۸۶ - ۰۳۱۱

مرکز آموزش‌های تخصصی حوزه علمیه اصفهان: چهار باغ پایین، روبروی اداره کل تربیت بدنی، جنب بانک صادرات - تلفن: ۲۲۴۰۶۰۸ - ۰۳۱۱

نشر نوشته : خ فلسطین، ساختمان نوید - تلفن : ۲۲۲۶۴۴۵ - ۰۳۱۱

انتشارات ناھن الائمه (ع) : خ چهارباغ ، جنب مسجد بقیه ا... (عج) - تلفن : ۲۲۲۳۵۳۹ - ۰۳۱۱

### اهواز

کتابفروشی رشد : خ حافظ - تلفن : ۲۲۱۷۰۰۲ - ۰۶۱۱

### ایرانشهر

فروشگاه کتاب شهر ایران : بلوار آزادی شمالی ، جنب پارک بعثت - تلفن : ۲۲۲۳۶۲۷ - ۰۵۴۷

### بجنورد

فروشگاه کتاب شهر ایران : بزرگراه مدرس ، جنب ترمینال - تلفن : ۲۲۵۶۲۲۱ - ۰۵۸۴

### بروجن

فروشگاه کتاب شهر ایران : بلوار ملت ، اداره تبلیغات اسلامی - تلفن : ۴۲۵۲۸۹۱ - ۰۳۸۲

### بم

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ پاسداران ، روبروی بانک رفاه ، داخل پارکینگ تاکسی‌های کرایه - تلفن : ۲۳۱۸۲۸۰ - ۰۳۴۴

### بندر انزلی

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ تکاوران ، جنب اداره ثبت اسناد - تلفن : ۴۲۱۴۹۵۴ - ۰۱۸۱

### بندر عباس

فروشگاه کتاب شهر ایران : بلوار امام خمینی (ره) ، ابتدای اتوبان آزادگان ، اول شهر نمایش - تلفن : ۳۳۴۹۶۰۲ - ۰۷۶۱

### بوشهر

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ شهید مطهری ، جنب مجتمع تجاری زیتون - تلفن : ۵۵۶۲۲۹۲ - ۰۷۷۱

### بیرجند

فروشگاه کتاب شهر ایران : میدان ابوذر ، جنب شهرداری - تلفن : ۲۲۲۳۹۹۰ - ۰۵۶۱

کتاب آفتاب : خ معلم ، بین معلم ۲۳ و ۲۵ - تلفن : ۴۴۳۴۱۸۸ - ۰۵۶۱

### تبریز

فروشگاه کتاب شهر ایران : میدان دانشسرا ، جنب سازمان تبلیغات اسلامی - تلفن : ۵۲۴۱۳۴۲ - ۰۴۱۱

#### خاش

فروشگاه کتاب شهر ایران : بلوار شهید بهشتی ، روبروی اداره آموزش و پرورش - تلفن : ۴۲۱۵۵۳۰ - ۵۴۳

#### خرم آباد

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ آیتالله کمالوند ، جنب سینما استقلال - تلفن : ۲۲۳۲۷۸۰ - ۶۶۱

#### داراب

فروشگاه کتاب شهر ایران : میدان انقلاب ، خ فیضیه

#### دماوند

فروشگاه کتاب شهر ایران : میدان هفده شهریور ، روبروی مخابرات - تلفن : ۵۲۲۹۵۵۶ - ۲۲۱

#### رشت

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ مطهری ، بعد از چهارراه حاجی آباد - تلفن : ۳۲۲۲۶۳ - ۱۳۱

#### رفسنجان

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ شهید بهشتی جنوبی ، جنب اداره تبلیغات اسلامی - تلفن : ۵۲۳۸۰۰۸ - ۳۹۱

#### زاهدان

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ آزادی ، جنب کتابخانه آیتالله کفعمی - تلفن : ۳۲۳۰۱۸۶ - ۵۴۱

#### زابل

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ بیرجندی‌ها - تلفن : ۲۲۳۳۲۷۰ - ۵۴۲

#### ساری

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ انقلاب - تلفن : ۲۲۸۰۲۱۶ - ۱۵۱

#### سراوان

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ امام خمینی (ره) ، تقاطع عدالت ، جنب مسجد جامع - تلفن : ۵۲۳۴۹۸۸ - ۵۴۸

#### نسمیرم

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ قدس ، روبروی درمانگاه شهید مطهری ، مجتمع فرهنگی امام رضا (ع) - تلفن : ۳۲۲۴۰۷۴ - ۳۲۲

#### شهر رضا

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ شهید بهشتی ، مجتمع فرهنگی علی ابن ابیطالب (ع) - تلفن : ۲۲۳۹۶۹۳ - ۳۲۱

#### شیراز

کتابسرای قائم (عج) : فلکه دانشجو ، جنب خوابگاه قدس - تلفن : ۶۲۹۴۱۱۱ - ۷۱۱

دارالکتب شهید مطهری : خ زند ، مقابل خ خیام - تلفن : ۲۳۰۶۲۴۲ - ۷۱۱

کتابفروشی رحیق : دانشگاه شیراز - تلفن : ۶۲۸۸۹۰۰ - ۷۱۱

شرکت بچه‌های کتاب شیراز : چهار راه خیرات ، خ خیام ، نرسیده به مسجد خیرات ، پلاک ۵۹ - تلفن : ۲۳۴۸۷۸۲ - ۷۱۱

#### شاهرود

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ ۱۷ شهریور ، روبروی مسجد قلعه - تلفن : ۲۲۳۹۰۰۲ - ۲۷۳

### شهر کرد

فروشگاه کتاب شهر ایران : بلوار شریعتی، طبقه همکف، ساختمان سازمان تبلیغات اسلامی استان - تلفن: ۰۳۸۱ - ۲۲۶۱۸۰۵

### قزوین

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ فلسطین ، چهارراه عمران - تلفن: ۰۲۸۱ - ۳۳۵۷۵۳۴

کتابفروشی دفتر فرهنگی روایت : خ شهدا ، مسجد شیخ الاسلام ، نبش دفتر امام جمعه - تلفن: ۰۲۸۱ - ۲۲۴۳۳۳۰

### قم

فروشگاه قم : میدان شهدا ، خ حجتیه ، پلاک ۷۳ - تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۸۳۰۶۲۷

### کاشان

انتشارات خانه کتاب کاشان : چهارراه آیت الله کاشانی ، روبروی جهاد کشاورزی - تلفن: ۰۳۶۱ - ۴۴۶۳۳۱۳

### کرمان

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ قدس ، طبقه زیر همکف تیبان - تلفن: ۰۳۴۱ - ۲۲۲۱۱۵۱

### مبارکه

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ بسیج ، جنب بانک صادرات ، مجتمع فرهنگی امام صادق(ع) - تلفن: ۰۳۳۵ - ۵۲۳۹۹۴۴

### مشهد

انتشارات بین المللی الهدی : چهارراه شهدا ، خ آزادی ، مجتمع گنجینه کتاب - تلفن: ۰۵۱۱ - ۲۲۱۴۸۲۸

پخش کتاب آفتاب : چهارراه شهدا ، ضلع شمالی باغ نادری ، کوچه خوراکیان - تلفن: ۰۵۱۱ - ۲۲۳۸۶۱۳

انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی : حرم مطهر ، صحن هدایت - تلفن: ۰۵۱۱ - ۲۲۳۰۷۷۲

مرکز پخش محصولات فرهنگی شاهد : بلوار مدرس، مدرس، ۱۲ ، جنب اداره کل بنیاد شهید - تلفن: ۰۵۱۱ - ۲۲۵۹۶۳۸

فروشگاه کتاب شهر ایران : بلوار مدرس - تلفن: ۰۵۱۱ - ۲۲۱۵۲۱۰

### لردگان

فروشگاه کتاب شهر ایران : بلوار ورودی شهر ، جنب پمپ بنزین شفیعی ، اداره تبلیغات اسلامی - تلفن: ۰۳۸۲ - ۵۲۲۸۹۹۰

### نجف آباد

فروشگاه کتاب شهر ایران : خ شریعتی ، بنیاد فرهنگی آیت الله خامنه ای - تلفن: ۰۳۳۱ - ۲۶۱۶۰۶۸

### نهبندان

فروشگاه کتاب شهر ایران : میدان شهدا ، جنب ساختمان شورای اسلامی شهر - تلفن: ۰۵۶۲ - ۶۲۲۱۱۱۴

### همدان

کتابفروشی شهید مدنی : میدان دانشگاه ، میدان جهاد ، زیر ساختمان جهاد - تلفن: ۰۸۱۱ - ۸۲۶۶۶۶۸

### یزد

کتابفروشی نیکو روش : ابتدای خ امام خمینی (ره) ، بعد از کوچه برخوردار - تلفن: ۰۳۵۱ - ۶۲۶۴۶۹۹

فروشگاه کتاب شهر ایران : بلوار پاک نژاد - تلفن: ۰۳۵۱ - ۷۲۵۳۳۷۰